بسم الله الرحمن الرحیم

شناسنامه کتاب ـ کتابخانه WHO

توانبخشی مبتنی بر جامعه: راهنمای CBR.

۱. توانبخشی. ۲. افراد معلول. ۳. خدمات سلامت اجتماعی. ۴. سیاست‌های سلامت. ۵ . حقوق بشر. ۶.عدالت اجتماعی. ۷. مشارکت مشتریان. ۸.راهنما. I .سازمان بهداشت جهانی. II. یونسکو.III سازمان بین‌المللی کار. IV. کنسرسیوم بین‌المللی توسعه معلولیت.

شابک:۹۷۸۹۲۴۱۵۴۸۰۵۲ (طبقه WB 326: NLM)

© سازمان بهداشت جهانی ۲۰۱۰

حق چاپ برای سازمان جهانی بهداشت محفوظ است. این کتاب از طریق انتشارات سازمان جهانی بهداشت به آدرس زیر قابل دسترس است.

World Health Organization, 20 Avenue Appia, 1211 Geneva 27, Switzerland (Tel: +41 22 791 3264; fax: +41 22 791 4857; e-mail: bookorders@who.int).

هرگونه درخواست برای تکثیر یا ترجمه انتشارات WHO – خواه برای فروش یا توزیع رایگان- باید از طریق آدرس زیر به اطلاع انتشارات WHO برسد (Fax: +41 22 791 4806؛ e-mail: permissions@who.int).

عناوین به‌کار رفته و مطالب ارائه شده در این کتاب به این معنی نیست که هرچه توسط سازمان بهداشت جهانی مطرح شده امکان صدق در مورد وضعیت هر کشور سرزمین، شهرستان، منطقه و یا افراد ذی نفوذ و یا حد و مرزها را دارد. خطوط نقطه چین بر روی نقشه نشان‌دهنده مرز تقریبی است که هنوز در مورد آن توافق کامل وجود ندارد.

اشاره‌ای به مؤسسات خاص و یا برخی از محصولات به معنای تأیید یا توصیه توسط سازمان بهداشت جهانی و اولویت دادن به آن‌ها نسبت به دیگر مؤسسات و یا محصولات مشابه نیست. برای مستثنی‌کردن خطاها نام محصولات اختصاصی با حروف بزرگ متمایز شده‌اند.

تمامی اقدامات احتیاطی و معقول توسط سازمان بهداشت جهانی برای بررسی اطلاعات موجود در این کتاب انجام شده است. با این حال، هیچ نوع ضمانتی چه به صورت تلویحی و یا صریح برای مطالب به چاپ رسیده وجود ندارد. مسئولیت تفسیر و استفاده از مطالب آمده شده به‌عهده خواننده است. در هیچ شرایطی، سازمان بهداشت جهانی مسئولیت خسارت ناشی از استفاده از آن را به‌عهده نمی‌گیرد.

طراحی و صفحه‌بندی توسط شرکت ارتباطات لنیس: www.iniscommunication.com

چاپ نسخه انگلیسی در مالت

عنوان و نام پدیدآور: توانبخشی مبتنی بر جامعه راهنمای CBR/[سازمان بهداشت جهانی]: مترجم رامین رضایی؛ ویراستاران محسن حمیدی، محسن ایروانی، فرانک تفرشی.
مشخصات نشر: تهران: سازمان بهزیستی کشور، اداره کل روابط عمومی و امور بین الملل، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری: ۷ج؛ ۲۹*۲۲ س م.
شابک: دوره: ۰-۰۰-۶۵۶۹-۶۰۰-۹۷۸؛ ج.۱: ۶-۰۸-۶۵۶۹-۶۰۰-۹۷۸؛ ج.۲: ۷-۰۱-۶۵۶۹-۶۰۰-۹۷۸؛ ج.۳: ۱-۰۳-۶۵۶۹-۶۰۰-۹۷۸؛ ج.۴: ۴-۰۲-۶۵۶۹-۶۰۰-۹۷۸؛ ج.۵: ۸-۰۴-۶۵۶۹-۶۰۰-۹۷۸؛ ج.۶: ۵-۰۵-۶۵۶۹-۶۰۰-۹۷۸؛ ج.۷: ۲-۰۶-۶۵۶۹-۶۰۰-۹۷۸؛
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: عنوان اصلی: .Community-based rehabilitation:CBR guidelin,2010
مندرجات: ج.۱. کتاب مقدماتی/ مترجم رامین رضایی؛ ویراستاران محسن حمیدی، محسن ایروانی، فرانک تفرشی.ـ ـ ج.۲. مولفه سلامت/مترجم کیوان دوانگران، ولی ا... نصر؛ ویراستار محسن حمیدی، ـ ـ ج.۳. مولفه آموزش/ مترجم احمد نظری؛ ویراستاران فرانک تفرشی، محسن حمیدی، معصومه السادات فضلی .ـ ـ ج.۴. مترجم احمد نظری؛ ویراستاران فرانک تفرشی ، محسن حمیدی ، معصومه السادات فضلی .ـ ـ ج.۴. مولفه امرار معاش/ مترجم علی مشیری رودسری؛ ویراستاران محسن حمیدی، محسن ایروانی، فرانک تفرشی. ـ ـ ج.۵. مولفه اجتماعی/ مترجم فرانک تفرشی ؛ ویراستار محسن حمیدی. .ـ ـ ج.۶. مولفه توانمندسازی/ مترجم محسن ایروانی؛ ویراستار محسن حمیدی. .ـ ـ ج.۷. کتاب تکمیلی/ مترجم مهین رئیس دانا؛ محمدرضا اسدی؛ ویراستاران محسن حمیدی، محسن ایروانی.
موضوع: معلولان ـ ـ توانبخشی
موضوع: بهداشت همگانی ـ ـ خدمات
موضوع: توانبخشی
شناسه افزوده: رضایی، رامین، ۱۳۴۳ـ ، مترجم
شناسه افزوده: حمیدی، محسن، ۱۳۴۱ ـ ، ویراستار
شناسه افزوده: ایروانی، محسن، ۱۳۵۱ ـ ، ویراستار
شناسه افزوده: تفرشی، فرانک، ۱۳۴۵ـ ، ویراستار
شناسه افزوده: سازمان بهداشت جهانی
شناسه افزوده: World Health Organization
شناسه افزوده: سازمان بهزیستی کشور، اداره کل روابط عمومی و امور بین الملل
رده بندی کنگره: ۹۱۳۹۰ ت/RD۷۹۵
رده بندی دیویی:۶۱۶/۷۰۶۵۱۵
شماره کتابشناسی ملی: ۲۶۹۴۵۶۱

انتشارات سازمان بهزیستی

کتاب ۳: مؤلفه آموزش، توانبخشی مبتنی بر جامعه- راهنمای CBR

مؤلف: سازمان بهداشت جهانی (WHO)
ترجمه: احمد نظری
ناشر: سازمان بهزیستی کشور
اجرا: اداره کل روابط عمومی و امور بین الملل
ویراستاران: فرانک تفرشی- محسن ایروانی- معصومه السادات فضلی
چاپ دوم: ۱۳۹۵
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه
قیمت: اهدایی

سخن آغازین

در حدود ۴۵۰ هزار نفر در مناطق روستایی کشور، با معلولیت زندگی می‌کنند که اکثر آنها در شرایط استاندارد و مطلوبی قرار ندارند و حداقل دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی، آموزش و فرصت‌های امرار معاش را تجربه می‌کنند.

حوزه معاونت امور توانبخشی، برنامه توانبخشی مبتنی بر جامعه(CBR) را برای اولین بار در سال ۱۳۷۴ به طور رسمی در دو منطقه از استان سمنان به‌طور آزمایشی به اجرا درآورد و هم اکنون پس از دو دهه، به عنوان یک استراتژی برتر برای بهبود دسترسی به خدمات توانبخشی برای افراد معلول در مناطق دورافتاده و محروم به طور قابل توجه‌ای گسترش‌یافته‌است. سازمان بهزیستی کشور در راستای خدمات‌رسانی به مناطق محروم و توسعه عدالت اجتماعی و تأمین امکانات مورد نیاز اقشار محروم جامعه برای داشتن یک زندگی بدون رنج و همراه با احترام، برنامه توانبخشی مبتنی بر جامعه(CBR) را همواره مورد حمایت قرار داده است. در این برنامه که با مشارکت افراد معلول، خانواده آنان و اعضای جامعه محلی انجام می‌شود، خدمات آموزشی، درمانی و توانبخشی، حمایت شغلی و اجتماعی با هدف توانمندسازی افراد معلول و افزایش دسترسی آنان به عرصه‌های مختلف زندگی دنبال می‌گردد.

ازآنجایی که تقویت برنامه توانبخشی مبتنی بر جامعه مستلزم فراهم آوردن دانش نوین برای مدیران و کارکنان CBR به ویژه تسهیلگران این برنامه، کارکنان سطوح اولیه بهداشتی(بهورزان)، معلمان مدارس، مددکاران اجتماعی و دیگر کارکنان توسعه محلی(دهیاران)، سازمان‌های غیر دولتی افراد معلول و گروه‌های خودیار می‌باشد، بنابراین مجموعه کتاب‌های هفت‌جلدی راهنمای توانبخشی مبتنی بر جامعه(CBR) پس از ترجمه و بومی‌سازی مفاهیم در دفتر توانمندسازی معلولین، به بهره‌بردای مجریان برنامه رسید و به لحاظ اهمیت چاپ دوم آن آماده انتشار می‌باشد.

این راهنما درک و راهکار مشترکی را از CBR پس از ۲۰ سال تجربه در ایران ارائه می‌نماید؛ استفاده از الگوهای جاری CBR در سراسر جهان، چارچوب جدیدی را برای اقدام و اجرای عملی CBR فراهم خواهد نمود. این راهنما همچنین می‌تواند رهنمودهایی درمورد چگونگی توسعه و تقویت برنامه CBR ارائه نموده و باعث ارتقاء CBR به عنوان یک استراتژی برای توسعه فراگیر مبتنی بر جامعه، به منظور کمک به افراد معلول جهت قرار گرفتن در جریان اصلی زندگی در برنامه‌های توسعه و به‌طور اخص کاهش فقر گردد.

امید است این مجموعه بتواند با ارائه راهکارهای مناسب باعث ارتقای کیفیت اجرای برنامه توانبخشی مبتنی بر جامعه در سطح کشور گردد.

دکتر انوشیروان محسنی بندپی

معاون وزیر و رئیس سازمان بهزیستی کشور

راهنمای CBR

مؤلفهٔ آموزش

فهرست مطالب:

پیش‌گفتار ۱

مراقبت و آموزش دوران اولیه کودکی ۱۱

آموزش ابتدایی ۲۷

آموزش متوسطه و عالی ۴۵

آموزش شبه‌رسمی ۵۵

یادگیری مادام‌العمر ۶۵

پیش گفتار

آموزش این امکان را به همه افراد می‌دهد تا بر حسب استعداد و توان خود بتوانند در سرتاسر زندگی بیاموزند که چه نیازی دارند و چه می خواهند. آموزش شامل "یادگیری برای دانستن، انجام دادن، زیستن و با همدیگر بودن است" (۱). آموزش در درون خانواده، جامعه محلی، مدارس، مؤسسات و به‌طور کلی در اجتماع رخ می‌دهد. حق عمومی برخورداری از آموزش در اسناد بین‌المللی مورد حمایت جهانی قرار گرفته و قویاً بر آن‌ها تأکید شده است، از جمله این اسناد، ماده ۲۶ اعلامیه حقوق بشر (۲)، و ماده ۲۸ کنوانسیون حقوق کودک (۳) است.

با وجود این‌که اسناد بین‌المللی اظهار می‌دارند که آموزش اولیه باید برای همه کودکان، بدون تبعیض و به‌صورت رایگان و اجباری باشد، اما در عمل به‌طور وسیعی دیده می‌شود که این امر اتفاق نمی‌افتد، از این رو موافقت نامه های اخیر بر موارد ذیل تأکید دارد:

- مراقبت و آموزش دوران اولیه کودکی گسترش و بهبود یابد؛
- دسترسی رایگان و اجباری به آموزش همگانی در مقطع ابتدایی با کیفیت بالا فراهم شود؛
- از دسترسی برابر به برنامه‌های آموزشی، مهارت‌های زندگی مناسب و آموزش پایه و مداوم برای همه بزرگسالان اطمینان حاصل گردد؛
- فراگیرسازی گروه‌های محروم، آسیب‌پذیر و تحت تبعیض، در تمامی سطوح تسهیل شود.

کنوانسیون حقوق افراد معلول (۴) موارد فوق را مجددا مورد تأکید قرار داده و اولین سند قانونی است که دولت‌های عضو را موظف می‌سازد تا به‌طور ویژه حق برخورداری از آموزش فراگیر را بپذیرند و اعلام می‌کند که دولت‌های عضو باید"از وجود نظام آموزش فراگیر در همه سطوح " اطمینان حاصل نمایند (ماده ۴، پارگراف ۱)، هم‌چنین دولت‌های عضو باید اطمینان حاصل نمایند که " اقدامات حمایت فردی و موثر در محیط‌هایی که توسعه اجتماعی و آموزشی را به حداکثر می‌رساند با هدف تلفیق کامل تدارک دیده شود" (ماده ۲۴، پاراگراف ۲). این مسئله شامل آموزش خط بریل، زبان اشاره، روش‌های گوناگون، ابزارها و وسایل ارتباطی و مهارت‌های تحرک و جهت‌یابی است.

فقر، محرومیت و تبعیض موانع اصلی آموزش فراگیر هستند (۵). سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (UNESCO) تخمین زده است که در کشورهای کم درآمد ۹۰ ٪ کودکان معلول به مدرسه نمی‌روند؛ برآورد دیگر حاکی از آن است که ۳۰٪ کودکان خیابانی دنیا، معلول هستند. برای بزرگسالان معلول نیز، میزان سواد حدود ۳٪ و در برخی کشورها برای زنان معلول ۱٪ برآورد شده است.

بر اساس این ارقام، واضح است که باید گام‌هایی برای اطمینان از دسترسی همه کودکان معلول به آموزش برداشته شود. اهداف توسعه هزاره (۷) در هدف دوم، به درستی و به‌طور شایسته‌ای به دسترسی به آموزش اولیه همگانی اشاره کرده است. هدف اختصاصی عبارت است از این‌که کودکان در هر جا، اعم از پسر و دختر به‌طور مساوی، باید بتوانند دوره کامل آموزش ابتدایی را تا سال ۲۰۱۵ تکمیل نمایند. این امر به‌طور یکسانی بر کودکان معلول نیز دلالت دارد، از این رو توانبخشی مبتنی برجامعه (CBR) لازم است در نیل به این هدف سهیم باشد.

کادر ۱ مغولستان

اولویت دادن آموزش فراگیر برای کودکان

در کشور مغولستان، برنامه آموزش فراگیر از طریق همکاری بین دولت، یک انجمن والدین، سازمان‌های غیردولتی و حامیان مالی اتحادیه اروپا در حال گسترش است. قبل از سال ۱۹۸۹، مغولستان، مدارس ویژه و خدمات شبانه‌روزی را برای کودکان و بزرگسالان معلول فراهم می‌کرد. این نظام بر نیازهای اساسی تأکید داشت، اما افراد معلول از حقوق دیگر از جمله فراگیرسازی در جامعه محروم بودند. بعد از تغییرات سیاسی و اقتصادی در خصوص تعطیلی این مدارس و مؤسسات ویژه اقدام شد و زمینه برای رویکرد جدید مهیا گردید. در سال ۱۹۹۸، با کمک یک سازمان غیردولتی بین‌المللی، انجمن والدین کودکان معلول، جهت حمایت از حقوق کودکان معلول بنیان‌گذاری شد.این انجمن فعالیت‌های زیر را اجرا نموده است: بررسی سیاست وخط مشی‌ها، برگزاری کارگاه‌های آموزشی در مورد آموزش فراگیر به منظور آموختن از سایر کشورها، کار و مطالعه با وزارت آموزش و پرورش جهت اصلاح سیاست‌ها و اقدامات آن و تعیین خدمات حمایتی گوناگون مورد نیاز تا به‌واسطه آن کودکان معلول بتوانند در مدارس گنجانده شوند. به توانبخشی مبتنی برجامعه به عنوان جزء لازم برای راهبرد کلی ارتقاء و دفاع از حقوق کودکان معلول نگریسته شد. در سال ۲۰۰۳، در درون وزارت آموزش و پرورش، واحد آموزش فراگیر تشکیل گردید و شورای اجرای برنامه با همکاری وزارتخانه‌های بهداشت، رفاه اجتماعی و کار تشکیل شد. خدماتی برای شناسایی به‌هنگام، درمان پزشکی و توانبخشی در مراکز مبتنی برجامعه محلی فراهم گردید. در ابتدا اولویت به آموزش فراگیر در سطح پیش دبستانی داده شد، و اکنون به مدارس ابتدایی گسترش یافته است. بالغ بر ۱۰۰۰ کودک معلول در مهدهای کودک فراگیرسازی شدند و به معلمان آموزش داده شد تا به‌طور جامع کار کنند. انجمن والدین کودکان معلول به رشد و ارتباط خود با سایر گروه‌های ملی و بین‌المللی ادامه می‌دهد تا حقوق کودکان معلول را ارتقاء بخشد.

هدف

افراد معلول به آموزش و یادگیری مادام العمر که به کشف استعدادها، حس کرامت و خودارزشمندی و مشارکت موثر در جامعه منجر می گردد، دسترسی یابند.

نقش CBR

نقش CBR کار با بخش آموزش و پرورش برای کمک به اجرای آموزش فراگیر در همه سطوح، و تسهیل دسترسی به آموزش و پرورش و یادگیری مادام‌العمر برای افراد معلول است.

پیامدهای مطلوب

- همه افراد معلول به آموزش و امکاناتی که نیازهای آنان را برآورده می‌سازد، دسترسی دارند و به حقوق آن‌ها احترام گذاشته می‌شود.
- مدارس محلی همه کودکان از جمله کودکان معلول را می‌پذیرند، به‌طوری که آن‌ها می‌توانند در کنار همسالان بیاموزند و بازی کنند.
- مدارس محلی قابل دسترس و پذیرا هستند؛ آن‌ها برنامه درسی انعطاف‌پذیری دارند، معلمان آموزش‌های لازم را دیده‌اند و مورد حمایت قرار می‌گیرند، ارتباطات خوبی با خانواده و جامعه محلی وجود دارد، و آب سالم و تسهیلات بهداشتی مناسب فراهم است.
- افراد معلول در آموزش به عنوان الگو[1]، تصمیم گیرنده و مشارکت کننده مداخله می‌نمایند.
- محیط منزل یادگیری را تشویق و حمایت می‌کند.
- اعضای جامعه از توانایی افراد معلول برای یادگیری آگاه هستند، و حمایت و تشویق‌های لازم را به‌عمل می‌آورند.
- همکاری خوبی بین بخش‌های بهداشتی، آموزشی، اجتماعی و دیگر بخش‌ها وجود دارد.
- در تمام سطوح حمایت نظام‌مندی جهت سیاست‌گذاری جامع در سطح ملی وجود دارد تا به‌واسطه آن آموزش فراگیر را تسهیل سازد.

کادر ۲

تسهیل دسترسی به آموزش فراگیر

یک مدرسه ممکن است دارای فضاهای قابل دسترس و معلمانی آموزش داده شده جهت کار با همه انواع کودکان باشد، اما باز هم کودکان معلول زیادی از مدرسه محروم هستند. ممکن است این کودکان در اتاق‌های پشتی منزل پنهان نگه داشته شده باشند، خانواده از آن‌ها حمایت نمی‌کند و ممکن است به وسایل کمکی و توانبخشی پزشکی نیاز داشته باشند. CBR می‌تواند تمام این موارد را مشخص نماید و بین بخش‌های آموزشی، بهداشتی و اجتماعی و با سازمان‌های معلولان ارتباط و پیوند ایجاد کند. کارکنان CBR ممکن است بارها نیاز به بحث و گفتگو داشته باشند تا والدین را در مورد نیاز فرزند معلول‌شان به آموزش و فواید آن متقاعد سازند، به‌ویژه اگر کودک دختر باشد یا والدین آموزش ندیده باشند.

[1] Role- model

مفاهیم کلیدی

آموزش

آموزش و پرورش مفهومی بسیار وسیع تر از تحصیل دارد. تحصیل مهم است، اما لازم است که در متن فرآیند یادگیری مادام‌العمر به آن نگاه شود. آموزش از بدو تولد در منزل آغاز می‌شود، و در سرتاسر زندگی بزرگسالی ادامه می‌یابد، و شامل انواع رسمی، غیر رسمی، شبه‌رسمی، مبتنی بر منزل، و شیوه‌های ابتکاری در جامعه محلی و دولتی است. این اصطلاحات می‌تواند گیج‌کننده باشد و در فرهنگ‌ها و بافت‌های گوناگون معانی متفاوتی داشته باشد. به‌طور کلی "آموزش رسمی" به آموزشی اطلاق می‌گردد که در مؤسسات مشخص و رسمی مثل مدارس، دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها رخ می‌دهد و اغلب به کسب گواهی‌نامه‌ها و مدارک تحصیلی رسمی منجر می‌شود؛ "آموزش شبه‌رسمی[۱]" به فعالیت آموزشی سازمان‌یافته بیرون از نظام رسمی اشاره می‌کند؛ "آموزش غیررسمی[۲]" به‌طور کلی به تمام آموزش‌هایی که در سرتاسر زندگی– از سوی خانواده، دوستان و جوامع– ارائه می‌شود، اطلاق می‌گردد که اغلب غیرسازمان‌یافته و برعکس آموزش رسمی و شبه‌رسمی است.

حقوق بشر

اگرچه هر انسانی حق برخورداری از آموزش و پرورش را دارد، اما گاهی اوقات به اشتباه تصور می‌شود که افراد معلول از این موضوع مستثنی هستند. اعضای خانواده، جوامع و حتی خود افراد معلول نیز اغلب اطلاع ندارند که آن‌ها از حق مساوی برای آموزش و پرورش برخوردارند. برنامه‌های CBR، ضمن کار با سازمان‌های افراد معلول، می‌توانند توانمندسازی افراد معلول را با حصول اطمینان از دسترسی آن‌ها به اطلاعات درباره حقوق مرتبط به آموزش تسهیل نمایند. این کار می‌تواند در اعمال نفوذ بر مقامات که به لحاظ قانونی نسبت به تامین آموزش و پرورش برای همه متعهد هستند، موثر باشد. حق برخورداری از آموزش لازم است به عنوان یک رویکرد مبتنی بر حقوق بشر در توسعه در نظر گرفته شود. داشتن حق به این معنی است که افراد معلول به عنوان بخشی از کل جامعه مورد توجه قرار گیرند نه به‌صورت مجزا (به کتابچه مقدماتی مراجعه شود: بخش حقوق بشر).

فقر و آموزش

پیوند بین فقر، معلولیت و آموزش نشان می‌دهد که رویکرد توسعه اجتماعی امری اساسی است. " فقدان آموزش کافی، عامل خطرساز مهمی برای فقر و محرومیت همه کودکان معلول و غیرمعلول است. با این وجود، خطر فقر برای کودکان معلول به‌سبب فقدان آموزش ممکن است حتی بیش از کودکان غیرمعلول باشد. کودکان معلول که از آموزش محروم می‌شوند عملاً یقین دارند که در سراسر زندگی و به‌طور درازمدت فقیر خواهند بود" (۸). افراد فقیر ممکن است هم‌چنین با مشکلاتی در آموزش فرزند معلول‌شان در هنگام پرداخت هزینه آن مواجه شوند. حتی در جایی‌که آموزش به‌صورت رایگان انجام می‌شود، هزینه‌های اضافی ممکن است برای کتاب‌های درسی، روپوش، رفت و آمد و وسایل کمک آموزشی مورد نیاز باشد. از این رو کودکان معلول در خانواده‌های فقیر، آموزش را ادامه نمی‌دهند، و در نتیجه چرخه فقر ادامه می‌یابد.

---

[۱] Non-formal
[۲] Informal

آموزش فراگیر

در مدل اجتماعی معلولیت، دیدگاه مبتنی بر فرد و اختلال در زمینه معلولیت، به دیدگاه رفع موانع در جامعه برای اطمینان از برخورداری افراد معلول از فرصت‌های برابر و دستیابی به حقوق مانند سایر افراد، تغییر یافته است. به‌همین نحو، آموزش فراگیر به‌جای این‌که دانش‌آموز را تغییر دهد تا با مدرسه سازگار شود، بر تغییر نظام آموزشی تأکید می‌نماید تا متناسب با دانش آموز شود. این تغییر دیدگاه در زمینه آموزش فراگیر برای برنامه‌های CBR که در گذشته تمایل به‌کار انفرادی داشتند، ضروری است (به کتاب مقدماتی: قسمت تحول مفاهیم مراجعه شود).

کادر ۳

رفع موانع مشارکت برای دختر نوجوان

برنامه CBR به‌سختی تلاش کرد تا دختر نوجوانی را آماده نماید که به مدرسه محلی برود. یک بار وقتی او خواست در داخل مدرسه که مناسب‌سازی نشده بود، حرکت کند مورد تمسخر کودکان دیگر قرار گرفت. سرانجام معلمان وی از خانواده‌اش خواستند تا او را به مدرسه نفرستند، زیرا وی با شرایط مدرسه سازگاری نداشت. رویکرد فراگیرسازی روی مدرسه و رفع موانع برای مشارکت این دختر تأکید کرد، به عنوان مثال کمک کرد تا مدرسه مناسب‌سازی شود، معلمان را آماده نمود، محیطی صمیمی ایجاد نمود و همه کودکان را آموزش داد تا حمایت‌گر باشند. اگر کودکان معلول مشکلات را در مدرسه تجربه کنند، مدارس، خانواده‌ها و برنامه‌های CBR نیز کشف موانع و ایجاد زمینه‌های مشارکت را شروع می‌کنند.

آموزش فراگیر "فرایند توجه و پاسخ‌دهی به نیازهای متفاوت همه دانش آموزان از طریق افزایش مشارکت در یادگیری، فرهنگ‌ها، جوامع، و هم‌چنین کاهش محرومیت از آموزش و محرومیت‌های ناشی از آموزش است" (۹). آموزش فراگیر:

- مفهومی فراتر از تحصیل رسمی دارد و منزل، جامعه محلی و نظام‌های شبه‌رسمی و غیررسمی را دربرمی‌گیرد؛
- مبتنی بر این اصل است که همه کودکان می‌توانند بیاموزند؛
- ساختارها، نظام‌ها و روش‌های آموزش و پرورش را قادر می‌سازد تا نیازهای همه کودکان را برآورده سازند؛
- مبتنی بر اصل احترام به تفاوت‌های بین کودکان مثل سن، جنس، قومیت، دین/ مذهب، زبان، معلولیت و وضعیت سلامتی است؛
- فرایند مشارکت، پایش و نظارت قابل دسترس و فراگیر را ارتقاء می‌بخشد؛
- فرایندی پویا است که بر حسب فرهنگ و بافت دائماً در حال تکامل می‌باشد؛
- بخشی از راهبرد وسیع‌تر برای ارتقاء جامعه فراگیر است.

برنامه‌های CBR باید موارد زیر را مورد ملاحظه قرار دهند:

- استفاده از آموزش مبتنی بر منزل و زبان اشاره برای کودکان ناشنوا و یا بزرگسالان، چراکه آموزش فراگیر فراتر از مدرسه رفتن است؛

- آموزش فراگیر شامل همه افراد است نه فقط افراد معلول. آموزش فراگیر تلاش ویژه برای شناسایی تمام کسانی است که محروم یا منزوی بوده‌اند.

آموزش تلفیقی[1]

اگرچه اصطلاح "آموزش تلفیقی" گاهی اوقات به جای "آموزش فراگیر[2]" به کار می‌رود، با این حال، این دو اصطلاح، معانی متفاوتی دارند. آموزش تلفیقی به فرایند قرار دادن کودکان معلول در درون مدرسه عادی اطلاق می‌شود و بیشتر بر فرد تمرکز دارد تا نظام مدرسه. نقص این رویکرد این است که اگر مشکلی باشد، به عنوان عیب کودک تلقی می‌شود. اثربخشی و پایداری این رویکرد نیز محدود است، و نتیجه مطلوب آن به حسن نیت معلم یا تلاش‌های کارکنان CBR بستگی دارد تا خط‌مشی مدرسه یا حمایت جامعه.

آموزش ویژه[3]

آموزش ویژه اصطلاح گسترده ای است که به تهیه و تدارک حمایت‌های اضافی، برنامه‌های انطباق یافته، محیط‌های یادگیری یا تجهیزات اختصاصی، وسایل یا روش‌های آموزشی(مثل خط بریل، دستگاه‌های صوتی، وسایل کمکی، زبان اشاره) جهت حمایت از کودکان در حال آموزش اطلاق می‌شود. اصطلاح "نیازهای آموزشی ویژه" اشاره به نیازهای یادگیری کودکانی دارد که ممکن است مشکلات یادگیری داشته باشند - بنابراین آموزش ویژه تنها برای افراد معلول نیست.

راه‌های متعددی وجود دارد که از طریق آن‌ها می‌توان آموزش ویژه را به کودکان با نیازهای آموزشی ویژه ارائه داد. خیلی از مواقع، کودکان با نیازهای حمایتی زیاد در مدارس ویژه که جدا از مدارس عادی هستند، حضور می‌یابند. اگرچه راهنمای CBR بر آموزش فراگیر تاکید دارند، اما وجود "مدارس ویژه" برای بسیاری از کودکان و خانواده‌ها یک واقعیت است- در برخی شرایط، آن‌ها ممکن است تنها گزینه آموزشی موجود برای کودکان، نابینا، یا کودکان با اختلالات هوشی باشند. در کشورهای کم‌درآمد، مدارس ویژه اغلب شبانه‌روزی هستند، و کودکان معمولاً به دور از خانواده‌ها و محله خود در آن‌جا زندگی می‌کنند.

متأسفانه، اغلب اوقات اصطلاح "ویژه" طوری به‌کار می‌رود که برای ارتقاء آموزش فراگیر مفید نیست. برای مثال، اصطلاح "کودک با نیازهای ویژه" اصطلاحی مبهمی است و اغلب بدون توجه به این‌که آیا کودک مشکلات یادگیری دارند یا خیر برای هر کودک معلولی به‌کار می‌رود. در هنگام به‌کار بردن اصطلاح "ویژه" باید دقت کنید، زیرا این اصطلاح کودکان معلول را از دیگران جدا می‌کند. مهم است به‌خاطر بسپارید که همه کودکان به روش‌های گوناگون یاد می‌گیرند، و ممکن است در اوقات مختلف زندگی خود یادگیری برای آن‌ها آسان یا مشکل باشد. گفتن این‌که کودکان معلول، نیازهای یادگیری "ویژه" دارند مفید نیست، زیرا این اصطلاح دقیق و مشخص نیست، و بر آن‌ها برچسب می‌زند. کودکان غیرمعلول نیز می‌توانند مشکلاتی را در یادگیری تجربه کنند و در درون محیط های آموزشی نادیده گرفته شده و کنار گذاشته شوند. با روش‌های آموزشی مناسب، امکانات لازم و محیط فراگیر، همه کودکان می‌توانند یاد بگیرند.

---

[1] Integrated education
[2] Inclusive education
[3] Special education

جنسیت و آموزش

کارکنان CBR لازم است از موضوعات جنسیتی مرتبط با آموزش آگاه باشند. به عنوان مثال:

- دختران ممکن است فرصت‌های آموزشی در مؤسسات را به خاطر وظیفه مراقبت از عضو معلول خانواد خـود از دسـت بدهند.
- در برخی شرایط، پسران ممکن است به دلیل فشار برای کسب درآمد جهـت حمایـت از خـانواده، نتواننـد بـه مدرسـه بروند.

کادر ۴ هندوستان

عزم روپا برای تحصیل

در هزاری باغ، در شمال هند، روپا کوماری از همه اعضای خانواده‌اش مراقبت می‌کند زیرا مادرش مبتلا به بیماری روانی است، پدرش فوت شده، و یک برادر و خواهر کوچک‌تر دارد. وی برای این‌که فرصت تحصیل را از دست ندهد، خواهر کوچکش را نیز با خود به مدرسه می‌برد، به رغم این‌که تعداد دانش‌آموزان خیلی زیاد بود و معلمانش شکایت داشتند، با این حال روپا آن‌ها را متقاعد کرد برای این‌که بتواند ادامه تحصیل بدهد باید خواهرش را با خود به مدرسه بیاورد.

- در درگیری ها و کشمکش‌ها، پسران ممکن است به عنوان سرباز به‌کار گرفته شوند و بنابراین فرصت رفتن به مدرسـه را از دست بدهند.حداقل ۵٪ این پسران معلول می‌شوند (۱۰)، و پس از بازگشت از جنگ سن آن‌ها اغلـب بـرای ثبـت نام در مدرسه ابتدایی بسیار بالاست.
- کارکنان CBR ممکن است از مادر و یا دیگر بستگان مونث فرد معلول انتظار داشته باشند وظیفه آمـوزش را بـه‌عهـده بگیرند، و این امر اغلب بار کاری قبلی آن‌ها را افزایش می‌دهد.
- خانواده‌ها و جوامع اغلب آموزش دختران و زنان معلول را در اولویت قرار نمی‌دهند، در نتیجه آن‌ها تبعیض مضاعفی را تجربه می‌کنند.
- دختران، به‌ویژه دختران معلول، به سبب عدم وجود توالت مناسب و محیط امن احتمـال بیشـتری مـی‌رود کـه تـرک تحصیل نمایند.
- نقش پدران مهم است و اغلب نادیده گرفته می‌شود؛ پدر در صورت تشویق توسط برنامه CBR می‌تواند الگوی خوبی را ارائه نماید و از آموزش حمایت کند.

کادر ۵ لسوتو

شکاف جنسیتی

در لسوتو، پسران کمی در مدارس ابتدایی ثبت نام می‌کنند، و آن‌ها زودتر از دختران ترک تحصیل می‌نمایند، زیرا به پسران برای چرا بردن دام ها و مراسم سنتی نیاز است.

اجزاء مؤلفهٔ آموزش

در هرکدام از اجزاء زیر، مفاهیم و فعالیت‌های پیشنهادی وجود دارد که برای همه جنبه‌های آموزش مشترک هستند. جنبه‌های متفاوت مورد تاکید قرار می‌گیرند و مثال‌های مختلف در هر جزء ارائه می‌شود، از این رو، ممکن است خواندن کل مؤلفه برای شما مفید باشد، حتی اگر شما بر یک جزء خاص تمرکز دارید.

مراقبت و آموزش دوران اولیه کودکی

این اصطلاح به آموزش از بدو تولد تا زمان شروع آموزش ابتدایی رسمی اطلاق می‌شود. این امر به شکل رسمی، شبه‌رسمی و غیررسمی اتفاق می‌افتد، و بر بقاء کودک، رشد و یادگیری وی - شامل سلامت، تغذیه و بهداشت، تمرکز دارد. این دوره اغلب به رده‌های سنی زیر تقسیم می‌شود: از تولد تا سه سالگی، سه تا شش سالگی، هفت یا هشت سالگی، زمانی که مدرس رفتن آغاز می‌شود. در این جزء عمدتا تمرکز بر کودکان سه سال و بالاتر است.

آموزش ابتدایی

آموزش ابتدایی اولین مرحله تحصیلات است، و می بایست که برای همه کودکان رایگان و اجباری باشد. این جزء بر آموزش برای همه تأکید دارد که طرح پیشنهادی آن توسط یونسکو ارائه شد (۱۱)، و هدف مشخص اکثر سرمایه‌گذاری‌های آموزشی است. کودکان معلول مانند سایر کودکان لازم است در مدارس ابتدایی محلی گنجانده شوند به‌طوری که در کنار همسالان‌شان بتوانند بیاموزند و بازی کنند.

آموزش متوسطه و عالی

اهمیت این مقطع از آموزش رسمی، بالاتر از "اجباری" است. برای افراد معلول جوان، تحصیلات بیشتر می‌تواند دروازه‌ای برای زندگی ثمربخش و پربار باشد، با این حال آن‌ها اغلب از آن محروم می‌شوند.

آموزش شبه‌رسمی[1]

این نوع آموزش شامل دامنه وسیعی از آموزش‌های ابتکاری در جامعه از جمله یادگیری مبتنی بر منزل، طرح‌های دولتی و ابتکارات جامعه محلی است. این نوع آموزش بیشتر گروه‌های محروم ویژه را دربرمی‌گیرد و دارای اهداف خاصی است. برای بعضی از یادگیرنده گان، آموزش شبه‌رسمی را می‌توان انعطاف‌پذیرتر و اثربخش‌تر از نظام آموزشی رسمی نمود، نظام آموزش رسمی ممکن است بسیار خشک باشد و به نظر می‌رسد که در ارایه آموزش کیفی برای همه موفق نیست. البته آموزش شبه‌رسمی باید تکمیل کننده باشد و به‌عنوان جایگزینی برای نظام رسمی فراگیر در نظر گرفته نشود. گاهی اوقات آموزش شبه‌رسمی اشتباه به‌عنوان گزینه "دوم" برای کودکان معلول پیشنهاد می‌شود، و حق قانونی آن‌ها را برای آموزش رسمی انکار می‌کند. در این جزء تمرکز آموزش شبه‌رسمی بیشتر بر کودکان است تا بزرگسالان.

یادگیری مادام‌العمر[2]

یادگیری مادام‌العمر شامل همه یادگیری‌هایی است که در سرتاسر زندگی رخ می‌دهد، به‌ویژه آن دسته از فرصت‌های یادگیری برای بزرگسالان که در سایر اجزاء نمی‌گنجد. یادگیری مادام‌العمر به دانش و مهارت‌های مورد نیاز برای اشتغال، سوادآموزی بزرگسالان، و همه انواع یادگیری‌ها که رشد شخصی و مشارکت در جامعه را ارتقاء می‌بخشد، اطلاق می‌گردد. در این جزء، تمرکز بیشتر بر بزرگسالان است تا کودکان.

کادر ۶

حق افراد معلول برای برخورداری از آموزش

دولت‌ها باید از دسترسی برابر به تحصیلات ابتدایی و متوسطه، حرفه‌آموزی، آموزش بزرگسالان و یادگیری در سراسر زندگی اطمینان حاصل نمایند. آموزش عبارت است از به‌کارگیری مناسب ابزارها، روش‌ها و اشکال ارتباطی. دانش‌آموزان با نیازهای حمایتی، باید حمایت‌های لازم را دریافت کنند، و دانش‌آموزان نابینا، ناشنوا و نابینا - ناشنوا، می‌بایست آموزش را با مناسب‌ترین روش‌های ارتباطی از سوی معلمانی که در زبان اشاره و خط بریل مسلط هستند دریافت نمایند.
آموزش افراد معلول باید مشارکت، حس کرامت و خودارزشمندی، رشد مسئولیت، توانایی‌ها و خلاقیت‌شان را در جامعه پرورش دهد." (۱۲)

[1] Non-formal education
[2] Home – based Lerning

مراقبت و آموزش دوران اولیه کودکی

مقدمه

دوران اولیه کودکی شامل دوره بدو تولد تا سن هشت سالگی است (۱۳). گسترش مراقبت و آموزش دوران اولیه کودکی یکی از شش هدف "آموزش برای همه" است.(۱۱) مراقبت و آموزش دوران اولیه کودکی شامل دامنه وسیعی از فعالیت‌ها و اقدامات می‌شود. از آن جایی که بسیاری از جنبه‌های مراقبت دوران کودکی در مؤلفهٔ سلامت ارائه شد، این جزء عمدتاً بر آموزش در دوران اولیه کودکی تأکید می‌کند و مداخله به‌هنگام و اقدامات لازم برای دوره پیش از مدرسه یا مهدکودک را شامل می‌شود.

آموزش در دوران اولیه کودکی به دلیل تأثیر آن در رشد فردی مهم است. مغز انسان به‌ویژه در طول سه سال اول زندگی به سرعت رشد می‌کند (۱۳)، و اگر در طول این دوره محرک‌های کافی دریافت نکند، رشد به تاخیر خواهد افتاد و گاهی اوقات این تاخیر دائمی خواهد بود. سال‌های اولیه رشد "پنجره‌ای از فرصت" را فراهم می‌کند تا پایه‌هایی برای رشد سالم زبان، مهارت‌های اجتماعی، تفکر و مهارت‌های جسمی مهیا نماید.

آموزش دوران اولیه کودکی بذرهای یکپارچگی و فراگیرسازی را می‌پاشد و شرایطی را فراهم می‌کند تا کودکان معلول و غیرمعلول بتوانند با همدیگر بیاموزند، بازی کنند و رشد نمایند. آموزش دوران اولیه کودکی هم‌چنین فرصت‌های تکمیل آموزش پایه و یافتن راه خروج از فقر و محرومیت را افزایش می‌دهد.

گرچه آموزش دوران اولیه کودکی معمولاً اجباری نیست، اما انعطاف‌پذیرتر از آموزش ابتدایی است و فرصت خوبی برای کار با شرکای کاری متعدد مثل دولت، سازمان‌های غیردولتی، بخش خصوصی و مراکز آموزش های دینی را فراهم می‌کند.

کادر ۷ نپال

موفقیت در اجرای برنامه آموزش اولیه

در یکی از مناطق محروم نپال، بیش از ۹۵٪ کودکانی که در یک برنامه آموزش و مراقبت دوران اولیه کودکی حضور داشتند به مدرسه ابتدایی راه یافتند، درحالی که ۷۵٪ کودکان محروم از این برنامه به مدرسه وارد شدند؛ میزان تکرار کلاس اول برای شرکت‌کنندگان برنامه در مقایسه با افراد محروم از برنامه، یک به هفت بود، هم‌چنین شرکت‌کنندگان در برنامه در امتحانات کلاس اول به‌طور قابل ملاحظه‌ای نمرات بالاتری کسب نمودند.

کادر ۸ هندوستان

زندگی جدید چتنا

در ایالت گوجرات هندوستان، برنامه‌های CBR در دهه ۱۹۸۰ ابتدا با تمرکز بر کودکان در سن مدرسه ابتدایی و در مقیاس کوچک آغاز شد. کودکان معلول اغلب به فرصت‌های یادگیری و تجربه در سال‌های اولیه زندگی کمتر دسترسی دارند، اما واقعیت این است که این سال‌ها برای کسب شناخت کودک از دنیا، شکل‌گیری روابط اجتماعی، توسعه مفاهیم، دریافت آموزش‌های پایه برای کل زندگی بسیار مهم است. امروزه، مراقبت و آموزش دوران اولیه کودکی جزء لازم و مکمل بسیاری از برنامه‌های CBR در گوجرات است.

چتنا، دختری از اهالی نواحی روستایی گوجرات است و هنگامی‌که ۳ ساله بود توسط کارکنان CBR شناسایی شد. او تأخیر رشدی داشت، مثلاً کنترل سر نداشت. برنامه CBR چتنا را به یک مرکز غربالگری و ارزیابی که دور از روستایش بود، ارجاع داد. مشخص شد که وی افت شنوایی عمیق و اختلال بینایی دارد و به‌همین دلیل، مشکلاتی در درک داشت، از این رو به‌عنوان معلول در نظر گرفته شد. چتنا همیشه در درون چهاردیواری منزل و یا در بغل مادرش بود. برنامه CBR و خانواده‌اش با چالش‌های زیر مواجه بودند. نیازهای چتنا چیست؟ در کجا می‌توان آن‌ها را بهتر برآورده نمود؟ چه کسی با او کار خواهد کرد؟ چگونه با او کار کنند؟

برنامه CBR یک صندلی مخصوص توسط یک نجار محلی برای او تهیه کرد، او در ایوان منزل‌شان نشستن بر روی این صندلی را آغاز نمود، سپس در اجتماع ظاهر شد و تعاملش با خانواده و همسایه‌ها بهبود یافت. به او مهارت‌های روزمره زندگی آموزش داده شد، هم‌چنین سمعک برای مشکل شنوایی‌اش و عینک مخصوصی برای غلبه بر ضعف بینایی دریافت نمود. به او نحوه برقراری ارتباط آموزش داده شد. چتنا اکنون به مادرش در موقع درست کردن غذا، شستن و تمیز کردن ظروف کمک می‌کند و برای خرید به مغازه محل می‌رود. والدینش می‌توانند با او ارتباط برقرار کنند و رابطه مثبت و محبت آمیز با او دارند. چتنا اکنون به مهد کودک می‌رود و عضوی از یک گروه بزرگتر شده است. کودکان او را مثل هر کودک دیگر می‌پذیرند و با او به روش خودشان ارتباط برقرار می‌کنند. او از امکانات مشابه‌ای که کودکان دیگر دارند استفاده می‌کند، هم‌چنین بعضی خدمات حمایتی را از برنامه CBR دریافت می‌نماید، مثلا به خانواده کمک شد تا از مزایای تامین اجتماعی برخوردار شوند و چتنا در مهدکودک دولتی مثل هر کودک دیگری ثبت نام شده.

هدف

همه کودکان معلول باید بهترین شرایط برای شروع زندگی را داشته باشند و در سراسر دوران رشد در محیط‌های آموزشی فراگیر مورد حمایت قرار گیرند.

نقش CBR

نقش CBR شناسایی خانواده‌های دارای کودکان معلول، تعامل و همکاری نزدیک با آن‌ها و مهیا کردن پایه‌هایی برای همه فعالیت‌ها ی زندگی کودک است.

پیامدهای مطلوب

- همه کودکان از شانس زیاد برای بقاء و سلامت خوب برخوردارند.
- مهارت‌های جسمی، اجتماعی و شناختی همه کودکان با توجه به حداکثر توان بالقوه شان رشد می‌یابد.
- آموزش رسمی و شبه‌رسمی دوران اولیه کودکی شامل همه کودکان می‌شود.
- کودکان معلول و افرادی که به آن‌ها کمک می‌کنند عضو خانواده و جامعه هستند و از حمایت مناسب برخوردارند.
- تأثیر اختلالات کاهش می‌یابند و تعدیل می‌شوند.
- کودکان معلول به همراه همسالان‌شان به آرامی به مدارس ابتدایی انتقال می‌یابند.

کادر ۹ السالوادور

یک شروع به‌هنگام

در سانتو توماس، مدیر یک مدرسه ابتدایی فراگیر که در برنامه CBR محلی مشارکت می‌کرد نوزادی داشت که سه ماه زودتر به دنیا آمده بود و دچار کمبود اکسیژن شده بود. پزشک به مادرش گفته بود که نوزادش ممکن است مبتلا به اختلال هوشی یا معلولیت دیگری شود. وی به‌واسطه تجربه‌ای که با برنامه CBR داشت، درباره اهمیت آموزش اولیه می‌دانست، بنابراین نوزادش را برای ارزیابی اولیه و مداخله به‌هنگام به مدت دو سال به موسسه توانبخشی دولتی برد. مادر و نوزاد، هر دو، چیزهای زیادی آموختند، و کودک در چهار سالگی همراه با کودکان همسایه‌ها در مدرسه پیش دبستانی محلی ثبت نام شد.

مفاهیم کلیدی

دوران اولیه کودکی

دوران اولیه کودکی بنیان‌های زندگی را پایه‌ریزی می‌کند (۵). کارکنان CBR لازم است بدانند که برداشت‌های گوناگونی درباره سال‌های اولیه کودک، بسته به سنت‌های محلی، دین/ مذهب، فرهنگ، ساختارهای خانوادگی و روش آموزش در مدارس پیش دبستانی، وجود دارد. پذیرفتن و ارج نهادن به این تفاوت‌ها مهم است.

رشد کودک

رشد کودک عبارت از فرایند یادگیری است که هر کودک آن را طی می‌کند تا بتواند مهارت‌های مهم زندگی (مراحل مهم رشدی) را به‌خوبی یاد بگیرد. زمینه‌های مهم رشد کودک شامل موارد زیر است:

- رشد اجتماعی و عاطفی مثل لبخند زدن یا برقراری تماس چشمی؛
- رشد شناختی (یادگیری) مثل کاربرد دست‌ها و چشم‌ها برای کشف محیط و انجام فعالیت‌های ساده؛
- رشد گفتار و زبان مثل برقراری ارتباط از طریق واژه‌ها یا اشاره‌ها؛
- رشد جسمی مثل نشستن، ایستادن، راه رفتن، دویدن و توانایی کاربرد دست‌ها و انگشتان برای برداشتن یا رها کردن اشیاء.

مراحل مهم رشدی، مهارت‌هایی هستند که کودک طی روند خاص و مقطع زمانی مشخصی کسب می‌کند مثل یادگیری برای راه رفتن که مرحله مهمی برای اکثر کودکان است و آن را بین ۹ تا ۱۵ ماهگی یاد می‌گیرند. تاخیر رشدی اصطلاحی است که هنگامی که کودک نتواند به مراحل مهم متناسب با سن خویش دست بیابد، به‌کار می‌رود. این امر ممکن است در یک یا بیشتر زمینه‌های رشدی مذکور رخ دهد. اگر تاخیر رشدی در زندگی کودک به موقع شناسایی شود، می‌توان اقداماتی را برای تهیه فرصت‌های یادگیری و محیطی مناسب برای غلبه بر تاخیر رشدی فراهم آورد.

کارکنان CBR لازم است بر نقاط قوت و توانایی‌های کودک تمرکز نمایند. مهم است که آن‌ها تأکید بیش از حدی بر مراحل رشدی کودکان معلول نداشته باشند، زیرا ممکن است توجه سفت و سخت به این مسئله باعث بروز مشکلاتی شود.

- مفهوم تاخیر رشدی بر مبنای چیزی که طبیعی است قرار دارد. از این رو این مقوله می‌تواند به برچسب زدن و انگ زدن منجر شود.
- کودکان معلول لزوماً الگوی "طبیعی" رشد را دنبال نمی‌کنند. با این وجود، مادامی که فراگیرسازی شوند و مورد حمایت قرار گیرند این امر آن‌ها را از رفتن به سوی زندگی شاد و کامل باز نمی‌دارد.
- مراحل مهم رشدی اصول کلی هستند، اما در واقعیت، تفاوت‌های زیادی است که به فرهنگ، جنسیت، قومیت، شرایط اجتماعی و اقتصادی بستگی دارد.

رشد کودک تحت تاثیر عوامل بسیاری مثل سلامت، تغذیه، مراقبت و آموزش قرار می‌گیرد. بنابراین، رویکردهای مربوط به رشد کودک لازم است چندبخشی باشند، برای مثال مشخص شده که برنامه‌هایی که در آن تغذیه و آموزش تلفیق شده‌اند، اثربخش‌تر از برنامه‌هایی است که بر یک جنبه تمرکز نموده‌اند.

بازی، یادگیری مبتنی بر فعالیت و محرک ها

خردسالان به‌طور طبیعی و موثری از طریق بازی و شرکت در فعالیت‌های روزمره می‌آموزند. بازی در تمام فرهنگ‌ها و بافت‌ها به خوبی درک نمی‌شود، به‌ویژه در جاهایی که فقر شدید وجود دارد و جوامع بر فعالیت‌های حیاتی تمرکز می‌کنند. در این شرایط، بازی ممکن است به عنوان یک فعالیت بیهوده و بی‌فایده در نظر گرفته شود. یادگیری مبتنی بر فعالیت رویکرد جایگزین و موثر در شرایطی است که منابع و زمان محدود است. این رویکرد به این مطلب اشاره دارد که کودکان، در هنگام مشارکت جسمی در فعالیت‌های مفید و ثمربخش، چگونه می‌آموزند. این فعالیت‌ها شامل، فعالیت‌های مراقبت از خود، مثل شستشو، لباس پوشیدن، غذا خوردن و کمک به کارهای منزل یا سایر کارها است. محرک ها، فراهم کننده محیط و فعالیت‌هایی هستند که رشد کودک را تحریک می‌کنند.

مهم است که کارکنان CBR نکات زیر را بدانند:

- بازی و یا یادگیری مبتنی بر فعالیت برای خردسالان به‌ویژه کودکان معلول مهم است و به کودکان کمک می‌کند تا مهارت‌های روزمره زندگی را رشد داده و بتوانند تاثیر اختلال‌شان را کاهش دهند.
- بسیاری از افراد بر این باورند که کودکان معلول نمی‌توانند بازی کنند، به خصوص اگر آن‌ها نتوانند با خودشان شروع به بازی کنند. والدین ممکن است فواید بازی را درک نکنند، یا ممکن است احساس حمایت بیش از حد نسبت به فرزندشان داشته باشند و یا از این‌که دیگران آن‌ها را ببینند خجالت بکشند.
- بازی می‌تواند ساختار یافته یا غیرساختاریافته (بازی آزاد) باشد، و می‌تواند توسط کودک یا با حمایت فرد بزرگسال شروع شود.
- برای کودکان با اختلالات شدید یا چندگانه، بازی و فعالیت‌های محرک اهمیت ویژه ای دارد. اگرچه ممکن است نشانه‌های یادگیری به سختی مشاهده شود، اما بدین معنی نیست که هیچ سودی برای کودکان نداشته باشد.
- والدین ممکن است فعالیت‌های محرک زیادی را با فرزندشان انجام دهند، به‌ویژه وقتی که فشارهای اجتماعی زیادی برای رسیدن به "رشد طبیعی" و موفقیت‌های تحصیلی وجود داشته باشد. این امر فرصت‌های کودکان را برای بازی محدود می‌کند و برای رشد اجتماعی و عاطفی آن‌ها می‌تواند مضر باشد.

فعالیت‌های متناسب با سن

یافتن کودکان معلول بزرگ‌تر که در آموزش دوران اولیه کودکی شرکت می‌کنند، غیرعادی نیست. این امر ممکن است به دلایل متعددی باشد از جمله: آن‌ها ممکن است اختلال هوشی یا تاخیر رشدی داشته باشند این موضوع بدان معناست که مهارت‌های آن‌ها در سطح پایین‌تری رشد کرده است، ممکن است توسط خانواده‌هایشان دور از دیگران پنهان نگه داشته شده باشند و یا بیش از حد مورد محافظت قرار گرفته‌اند و بنابراین فرصت‌های اولیه یادگیری را از دست داده‌اند؛ و یا مدارس ابتدایی غیر قابل دسترس است یا پذیرای آنان نیست.

به‌طور کلی، احترام به سن واقعی کودک و یافتن راهی برای تامین یادگیری متناسب با سن در درون محیط‌های دارای گروه‌های همسن و سال لازم است. با این وجود، گاهی اوقات یک نوع مصالحه و توافق باید به‌عمل آید. مهم‌ترین اصل این است که آیا مهمترین علائق کودک برآورده می‌شود یا خیر.

انتخاب و انعطاف‌پذیری

تمام کودکان، خانواده‌ها، جوامع و فرهنگ‌ها با یکدیگر متفاوت هستند. آموزش رسمی، شامل مدارس پیش دبستانی فقط برای برخی کودکان مناسب است اما متناسب با همه کودکان نیست. برنامه‌های CBR می‌توانند به خانواده‌ها کمک کنند تا انتخاب‌های آگاهانه درباره میزان حمایت و محیط داشته باشند و به‌طور انعطاف‌پذیری واکنش نشان بدهند. کار در جهت فراگیر ساختن و قابل دسترس نمودن امکانات موجود آموزشی در دوره اولیه کودکی باید یک اولویت باشد.

برنامه‌های CBR هم‌چنین می‌توانند با خانواده‌ها کار کنند تا اطمینان حاصل نمایند که انتخاب‌های آن‌ها ناشی از شرمندگی یا حفاظت بیش از حد نیست، و مهمترین علائق کودک را منعکس می‌نماید. این انتخاب‌ها هم‌چنین لازم است به حقوق گوناگون کودکان از قبیل: زندگی در کنار خانواده و جامعه احترام بگذارد.

کادر ۱۰ مکزیک

مراکز آموزش اولیه

در یکی از مناطق مکزیک نزدیک کولیاکان خانواده‌های بومی به مدت چهار ماه از سال را از کوهستان پایین می‌آیند و در کلبه‌هایی که توسط کارخانه‌های تولید محصولات کشاورزی فراهم شده زندگی می‌کنند. برنامه CBR با صاحبان کارخانه گفتگو کردند تا مراکز آموزش اولیه را در هر ساختمانی راه‌اندازی کنند و اجازه گرفتند تا مادران به‌همراه بچه‌های معلول خود در جلسات مداخله به‌هنگام ماهی دو نوبت شرکت کنند. کودکان بزرگ سال (چهار سال و بزرگ‌تر) در مراکز مراقبت روزانه در کارخانه‌ها با حمایت کارکنان CBR گنجانده شدند. خانواده‌های کودکان معلول اکنون هر سال به همان منطقه برمی‌گردند تا برای فرزندانشان خدمات مناسب را دریافت کنند و نحوه کمک به آن‌ها را برای رشد در سال‌های اولیه بیاموزند. آن‌ها دانش و اطلاعات را به روستای خود می‌برند، و در آن جا می‌توانند به سایر خانواده‌ها آموزش دهند.

فعالیت‌های پیشنهادی

نیازهای دوران اولیه کودکی را شناسایی کنید

رویکرد دو سویه[۱] معمولاً بهترین راه برای ارتقاء فراگیرسازی است و آن را می‌توان برای آموزش و مراقبت دوران اولیه کودکی به‌کار برد. رویکرد دو سویه عبارت است از:

۱- تمرکز بر نظام آموزشی: تعیین وضعیت موجود در خصوص مراقبت و آموزش دوران اولیه کودکی در جامعه، یافتن کسانی که فراگیرسازی شده و یا کنار گذاشته شده‌اند و مشخص کردن نقاط قوت و ضعف. این امر لازم است با

[۱] Twin-track approch

همکاری خانواده‌ها، رهبران جامعه محلی، کارکنان بهداشتی و معلمان و هر کسی که در برنامه دخالت دارد، انجام شود.

۲- تمرکز بر کودک: توسعه نظامی برای شناسایی و حمایت از کودکانی که در معرض خطر محرومیت و به حاشیه رانده شدن هستند یا کسانی که ممکن است نیازمند حمایت بیشتر باشند. این امر معمولاً به عنوان شناسایی اولیه و به‌هنگام، اطلاق می‌شود.

خیلی از اوقات، تمرکز بر رویکرد یک سویه است، که به موجب آن فقط افراد به عنوان هدف در نظر گرفته می‌شوند. این کار فقط منجر به برخورداری کودکان اندکی از فواید آن می‌شود، و نظام آموزشی هم چنان انحصاری باقی می‌ماند. برنامه‌های CBR می‌تواند هم بر نظام آموزشی و هم بر کودک از طریق انجام موارد زیر تمرکز نماید:

- برقراری ارتباط و کار با بهورزان برای حصول اطمینان از این‌که کودکان معلول خدمات بهداشتی مناسب را دریافت می‌کنند (به مؤلفه سلامت مراجعه نمایید)؛
- حصول اطمینان از این‌که برنامه‌های شناسایی به‌هنگام از کودکان معلول و خانواده‌ی آن‌ها حمایت می‌کنند؛
- کار تنگاتنگ با خانواده‌ها برای اطمینان از این‌که کودکانی که با معلولیت متولد می‌شوند، یا کسانی که آن‌ها را در دوران اولیه کودکی پرورش می‌دهند، حتی الامکان زود شناسایی شوند؛
- حمایت از والدین برای واکنش سریع در هنگامی که معلولیت شناسایی می‌شود، و ارجاع کودکان به مراکز مراقبت‌های بهداشتی و همراهی والدین برای گرفتن نوبت‌های ملاقات؛
- کمک به ایجاد رویکرد مثبت نسبت به کودکان معلول، تأکید بر توانایی‌ها و ظرفیت‌های آن‌ها برای آموختن -در این رویکرد، مداخله به‌هنگام شامل شناسایی موانع یادگیری و رشد کودکان، کار با خانواده‌ها، بخش‌های مختلف و جامعه برای غلبه بر موانع است؛
- تأثیر بر سیاست‌های دولتی محلی برای قابل دسترس و فراگیر نمودن امکانات آموزشی موجود برای کودکان معلول.

باید مراقب باشید که استانداردهای غیرقابل انعطاف در خصوص رشد "طبیعی" بر خردسالانی که به‌طور متفاوت رشد می‌کنند اعمال نفوذ نکند. کارکنان CBR باید از ایجاد اضطراب در والدین و کودکان در هنگامی که به موقع به مراحل رشدی نائل نمی‌شوند، اجتناب کنند. گاهی اوقات، بررسی‌های بهداشتی به‌جای این‌که راهی برای حمایت از کودکان فراهم کند می‌تواند محرومیت را افزایش دهد. گنجاندن بهورزان در آموزش CBR به افزایش آگاهی، بهبود دانش و اطلاعات درباره معلولیت و اجتناب از محروم‌سازی استعدادها و ظرفیت‌ها کمک خواهد کرد.

کادر ۱۱ آسیای جنوب شرقی

موانع آموزش پیش دبستانی

در یکی از کشورهای جنوب شرقی آسیا، معاینات بهداشتی منظمی برای کودکان زیر پنج سال وجود داشت، با وجود این، کودکان شناسایی شده به عنوان معلول هیچ حمایت اضافی دریافت نمی‌کردند. معلمان پیش دبستانی به سه دلیل برای پذیرش آن‌ها در کلاس درس بی‌میل بودند: برنامه آموزشی آن‌ها محدود بود، درحالی‌که این کودک به زمان بیشتری نیاز داشتند؛ اگر کودک پیشرفت نمی‌کرد یا وزن اضافه می‌کرد آن‌ها فوق العاده حقوق خود را از دست می‌دادند، و در نهایت، فقط کودکان "سالم" ثبت نام می‌شدند و کودکان معلول به عنوان بیمار محسوب می‌شدند.

حمایت از یادگیری اولیه در منزل

مداخله خانواده‌ها

مراقبت و یادگیری دوران اولیه کودکی در منزل شروع می‌شود، بنابراین مداخله خانواده امری اساسی است. والدین نقش مهمی در سال‌های اولیه ایفا می‌کنند، به‌ویژه مادران که می‌توانند رشد کودک را به واسطه نگرش‌ها و رفتارهایشان مثل شیردادن، صرف وقت برای بازی با کودک، تحت تاثیر قرار دهند. پدران نباید نادیده گرفته شوند - مداخله آن‌ها مهم است و باید در این زمینه مورد تشویق قرار گیرند. فعالیت‌های پیشنهادی در این خصوص به قرار زیر است:

- حمایت از خانواده‌ها در مورد آشنایی با نحوه برقراری ارتباط با کودک و بهره‌مندی از نقش آن‌ها به‌عنوان والدین، خواهر و برادر، مادر بزرگ و پدربزرگ، برای کمک به معلمان و بهورزان. خانواده‌ها منابع مهمی هستند که کارکنان CBR می‌توانند از آن‌ها یاد بگیرند.
- فراهم کردن حمایت، آموزش و تربیت خانواده‌ها تا بتوانند از کودکان معلول خود مراقبت کنند و فرصت‌های یادگیری مناسبی را برای آن‌ها فراهم آورند.
- کمک به خانواده‌ها برای دسترسی به آموزش تخصصی در صورت نیاز (مثل آموزش زبان اشاره برای تسهیل ارتباط با کودکان ناشنوا)، یا خدمات تخصصی (مثل کاردرمانی، فیزیوتراپی، گفتاردرمانی) برای کمک به رشد مهارت‌ها.
- تهیه برنامه‌های فردی در زمینه یادگیری کودکان معلول با همکاری خانواده‌ها، و بهره‌مندی از دانش شخصی و مفصل آن‌ها و هم‌چنین دانش کارکنان CBR درباره رشد و ارزیابی کودک. این برنامه‌ها را می‌توان با معلمان در فرصت مناسب در میان گذاشت.
- تشکیل گروه‌های خودیار برای والدین کودکان معلول، یا تشویق والدین برای پیوستن به گروه‌ها یا انجمن‌های موجود. گاهی اوقات والدین عضو سازمان‌های معلولان هستند.
- ایجاد شبکه‌ها و پیوندهای حمایتی بین اعضای خانواده، جامعه و نیروی انسانی محلی.
- توجه به مقوله‌های جنسیتی که ممکن است در خانواده‌ها وجود داشته باشد، مثل تشویق خانواده‌ها جهت اجازه به دختران معلول برای دسترسی به فرصت‌های یادگیری.

کادر ۱۲ بولیوی

مداخله پدر در یادگیری پسرش

در شهر ال آلتو از کشور بولیوی، برنامه CBR فراگیرسازی کودکان معلول را در مدارس محلی تسهیل نمود. یکی از شش پسر مبتلا به سندرم داون، در مهدکودک مدرسه محلی حضور یافت. از ابتدا پدر وی به خاطر این که پسرش به مدرسه می رود مضطرب بود. او هر روز پسرش را به مدرسه می‌آورد و می‌برد و با معلم و مدیر مدرسه ملاقات می‌کرد. مدیر مدرسه تحت تاثیر مداخله پدر در یادگیری پسرش قرار گرفت و از او دعوت کرد تا با انجمن والدین صحبت کند تا سایر والدین را برای مداخله در امر آموزش کودکان و افزایش آگاهی آن‌ها درباره فراگیرسازی تشویق نماید.

گسترش فعالیت‌های مبتنی بر منزل

ایجاد محیطی حمایت‌گر برای یادگیری کودکان در منزل، یک فعالیت کلیدی در برنامه‌های CBR است. فراگیرسازی در خانواده از طریق ایجاد اعتماد و مهارت ارتقاء پیدا می‌کند، و ارائه محرک‌های اولیه را برای کودک تسهیل می‌نماید. در زیر فعالیت‌های پیشنهادی برای کارکنان CBR در این زمینه ارائه می‌گردد:

- والدین را تشویق کنید تا کودکان خود را با روش‌های خلاق و نشاط آور در برنامه‌های یادگیری مبتنی بر فعالیت درگیر نمایند؛
- نشان دهید که چگونه هر روز می‌توان اشیایی را در منزل و محیط اطراف یافت و برای بازی به‌کار برد، و این‌که چگونه وسایل بازی را می‌توان در منزل ساخت؛ حتی کودکان دارای اختلالات شدید نیز همیشه به وسایل ساخته شده توسط متخصصین نیاز ندارند؛
- نشان بدهید که وسایل کمکی مثل وسایل کمکی مخصوص نشستن و راه رفتن، را می‌توان توسط اعضای خانواده و با استفاده از مواد و مصالح محلی تهیه نمود؛
- مراقب باشید صرفاً بر معلولیت کودک و نیازهای جسمی وی تمرکز نکنید، برای مثال ممکن است به کودکی با معلولیت جسمی، آموزش‌های عملی و تئوری زیادی در رابطه با حرکت داده شود اما مهارت‌های اجتماعی (مثل بازی و آموختن در کنار همسالان غیر معلول) نیز باید ارائه گردد.

منابع کاربردی بسیاری وجود دارد که می‌توان برای اعضای خانواده از آن استفاده کرد تا یک محیط آموزشی و حمایتی ایجاد شود. برخی نمونه‌ها در زیر آمده است.

- کودکان معلول دهکده (۱۶)؛
- کتابچه‌های آموزشی WHO: آموزش در جامعه برای کمک به افراد معلول (۱۷)؛
- برقراری ارتباط : کتابچه آموزشی برای افرادی که با کودکان دارای مشکلات ارتباطی کار می‌کنند (۱۸)؛
- روش مراقبت، که شامل آموزش به خانواده برای انجام وظایف ساده، از قبیل لباس پوشیدن، غذا خوردن، توالت رفتن و استحمام از طریق تقسیم آن به مراحل کوچک‌تر می باشد. این روش به کودکان، حتی با پیچیده‌ترین اختلالات نیز کمک می‌کند، تا پیشرفت و موفقیت را تجربه کنند (۱۹).

کادر ۱۳

آموزش در منزل

یک معلم مدرسه پیش دبستانی که به او آموزش داده شده بود تا کودکان معلول را بپذیرد، متوجه شد که سه کودک دارای معلولیت ترکیبی در مدرسه حضور نمی‌یابند. معلم به منزل آن‌ها رفت تا با خانواده‌های آن‌ها کار کند. وی یک بسته آموزش از راه دور را برای آموزش در منزل تدوین کرد، اکنون والدین برای آموزش و کمک به آن مدرسه می‌آیند، و به این ترتیب آن‌ها می‌توانند فرزندانشان را در منزل آموزش دهند. کودکان نیز گاهی اوقات به مدرسه می آیند.

حمایت از یادگیری در جامعه

فرصت‌های مختلف آموزشی برای دوران اولیه کودکی در جامعه وجود دارد، مثل گروه‌های بازی، مراکز آموزشی روزانه، گروه‌های مادر و کودک و مهدکودک‌های گروه‌های خودیار زنان. فراگیرسازی کودکان معلول در جامعه را می‌توان از طریق فعالیت‌های ساده زیر ارتقاء بخشید:

- تشویق خانواده‌ها به بردن فرزندانشان به بیرون از خانه و درون جامعه، مثل فعالیت‌های مذهبی و اجتماعی، خرید کردن؛
- تشویق خانواده‌ها تا اجازه دهند فرزندان‌شان در بیرون از خانه، حتی اگر لازم است با کمک صندلی مخصوص یا وسایل کمکی بازی کنند، چرا که حضور در جامعه می‌تواند به رشد آن‌ها کمک نماید؛
- تشویق کودکان معلول و غیرمعلول برای بازی با همدیگر ـ یادگیری دو جانبه بین همسالان و بین کودکان همسایه برای کودک مهم و مفید است؛
- مداخله جامعه محلی در تامین محیطی قابل دسترس‌تر و پذیرا، شامل مدارس پیش دبستانی و زمین‌های بازی محلی (از طریق ساخت سطوح شیب‌دار، توالت‌ها، روشنایی بیشتر، بهبود ایمنی و نظافت).

کمک به گسترش مدارس پیش دبستانی فراگیر

برنامه‌های CBR نیاز به مشارکت در بخش آموزش برای حرکت به سوی یادگیری کودک محور و انعطاف‌پذیر دارد. تمرکز باید بر توانمندسازی همه کودکان باشد تا به‌طور مناسبی یاد بگیرند. برنامه‌های CBR می‌توانند به‌کارکنان مدارس پیش دبستانی و مهدهای کودک آموزش هایی ارائه نمایند که آن ها بتوانند محیط‌های یادگیری را طوری آماده کنند که به تنوع روش‌ها و سرعت یادگیری کودکان پاسخ دهد. فعالیت‌های زیر در این رابطه پیشنهاد می‌گردد:

- یادگیری از طریق بازی های ساختار یافته و یا غیررسمی؛
- کار گروهی کوچک؛
- ساخت وسایل بازی و یادگیری از مواد موجود در محل؛
- تهیه محیط قابل دسترس برای همه، مثل تهیه سطوح شیب‌دار، اطمینان از قابل دسترس بودن توالت‌ها، استفاده از رنگ‌های قابل تشخیص برای کودکان با اختلال بینایی و رعایت توصیه‌های دولت در مورد مناسب‌سازی؛

- بهره‌گیری از کمک اعضای خانواده و داوطلبان برای کمک در کلاس، مراقب باشید که حمایت‌های آن برای کـل کـلاس باشد نه فقط برای کودک معلول؛
- مشاهده کودکان و دیدن نحوه مشارکت و یادگیری آنان، سپس بحث و تبادل نظر درباره توانایی‌هـای کودکـان و تعیـین اهداف یادگیری که دست یافتنی و متناسب با زندگی آن‌ها باشد.

کادر ۱۴ زنگبار

سرود امید یک پسر ناشنوا

در یک مدرسه پیش دبستانی در زنگبار، معلمان از زبان اشاره ابتدایی برای صحبت با یک پسر ناشنوا استفاده می‌کردند. وی از انگشتانش برای شمارش اعداد عربی استفاده می‌کرد و با اشاره به تصاویر، ارتباط برقرار می‌نمود. معلمان ترانه‌ای را با حرکات و اشارات ساختند که او بتواند آن را در کلاس و با استفاده از زبان اشاره بخواند. او در حال حاضر با سایر افراد ناشنوا ارتباطی ندارد و زبان اشاره در زنگبار گسترش خوبی نداشته است، اما این یک آغاز بود. مدیر مدرسه بر این باور بود که زبان اشاره او در حال پیشرفت است و مهارت‌های اجتماعی بسیاری را آموخته است.

در برخی فرهنگ‌ها و جوامع، مدارس پیش دبستانی به‌صورت رسمی وجود دارند و بر اساس مدل آموزش ابتدایی و نه بر اساس نیازهای واقعی خردسالان، ساخته شده است. آن‌ها به عنوان مراکز معلم – محور، با فقدان فرصت‌های بازی، کلاس‌های درس رسمی، یادگیری طوطی وار (حفظ مطالب با تکرار، نه با درک واقعی آن) مهارت‌های تحصیلی، و جلسات طولانی شناخته می‌شوند.

تغییرات ماندگار در نظام آموزش به‌طور مشخصی برعهده بخش دولتی آموزش و پرورش است. با این وجود، کارکنان CBR می‌توانند تلاش کنند تا ماهیت محیط‌های پیش دبستانی، آموزش روش‌ها و برنامه آموزشی را به‌گونه‌ای تغییر دهند که همه کودکان بتوانند به‌طور موثر یاد بگیرند. برای حصول اطمینان از فراگیرسازی کودکان معلول در مدارس پیش دبستانی، مهم است که در برنامه های CBR از دستیابی کودکان به وسایل کمکی اصلی و خدمات توانبخشی مناسب مطمئن شوند. هم‌چنین از طریق CBR می‌توان متخصصینی را به مدارس پیش دبستانی فرستاد تا پاسخگوی موارد خاص باشند، و نشان دهد که راهبردهای ساده برای استفاده از منابع و افراد محلی، برای همه سودمند خواهد بود. معلمان مدارس پیش دبستانی ابتدا خودشان باید توانمند شوند تا از رویکرد کودک محور و فراگیر دفاع نمایند.

کادر ۱۵ چین

در جستجوی راه‌های مختلف برای موفقیت

آنهول یک استان فقیرنشین در چین است که ۵۶ میلیون نفر جمعیت دارد. در گذشته نه چندان دور، آموزش در مدارس پیش دبستانی به این ترتیب بود که کودکان به ردیف می‌نشستند، و معلمان در حالی که آن‌ها ساکت بودند درس‌های طولانی می‌دادند. مسئولیت موفقیت یا عدم موفقیت به عهده کودکان بود. این سیستم افتخار می‌کرد که شمار زیادی از خردسالان به آموزش دسترسی یافته‌اند- بسیاری از مهدهای کودک بالغ بر ۱۰۰۰ کودک و مربی داشتند که بی‌نهایت متعهد و سخت‌کوش بودند.

در یک برنامه آزمایشی برای یادگیری فعال کودکان این تغییرات انجام شد: کار گروهی کوچک به‌طور منظم، یادگیری از طریق بازی، استفاده از وسایل کمک آموزشی ساخته شده از مواد محلی، آموزش منظم مربیان، رویکرد کل‌نگر در مدرسه که نیازمند همکاری نزدیک تر بین خانواده‌ها، معلمان، مدیران و جامعه از طریق تشکیل شوراهای محلی است؛ و گنجاندن دو کودک دارای ناتوانی‌های یادگیری در هر کلاس.

نتایج بسیار تأثیرگذار بود؛ مسئولین آموزش و پرورش از این‌که این برنامه وضعیت آموزش و پرورش را برای همه بهبود بخشیده بود، تقدیر و تشکر کردند؛ در مسئولین آموزش و پرورش تغییر نگرش حاصل شد- مشخص شد که این برنامه به‌عنوان یک " گزینه ارزان" نیست بلکه به عنوان "گزینه بهتر" نسبت به جداسازی کودکان معلول است؛ کودکان معلول توانستند به مدارس پیش دبستانی هدایت شوند و موفقیت‌های خود را ادامه دهند.

اطمینان از دسترسی به خدمات تخصصی موجود

بسیاری از کودکان معلول را می‌توان بی‌درنگ در مراکز آموزشی دوران اولیه کودکی که انعطاف‌پذیر و کودک محور هستند، گنجاند. گاهی اوقات، پیش بینی و تدارکات تخصصی لازم است تا کودکان معلول را برای فراگیرسازی در محیط های عادی آماده نمود. برای مثال، کودکان ناشنوا نیاز دارند تا زبان اشاره را بیاموزند، کودکان نابینا لازم است مهارت‌های تحرک و خط بریل را یاد بگیرند، و کودکان ناشنوا – نابینا نیازمند آموختن مهارت‌های لمس، تحرک و خط بریل هستند. کارکنان CBR می‌توانند مطمئن شوند که کودکان معلول به منابع تخصصی دسترسی یافته‌اند و پیوندهای نزدیکی بین تامین‌کنندگان خدمات تخصصی و مجموعه‌های آموزشی وجود دارد.

مداخله بزرگسالان و کودکان معلول

تشویق به مداخله مستقیم افراد معلول در فعالیت‌های مراقبت و آموزش دوران اولیه کودکی به عنوان الگو، مشاورین، مربیان، مدیران و تصمیم‌گیران مهم است. به خاطر بسپارید که اصل "بدون ما درباره ما تصمیم‌گیری نکنید" برای کار با کودکان در سال‌های اولیه نیز هم‌چنان به‌کار می‌رود. همه فعالیت‌های پیشنهادی متناسب‌تر و اثربخش‌تر خواهند بود، اگر افراد معلول دخالت داده شوند. کودکان معلول بزرگ‌تر می‌توانند برای پاسخ به نیازهای کودکان معلول کم سن و سال تر مورد حمایت و تشویق قرار گرفته و ایده‌های خلاقانه ارائه دهند.

کادر ۱۶ هندوستان

ارتباط با جامعه ناشنوایان

در شهر کویمباتور، واقع در هندوستان،یک مرکز مداخله به‌هنگام و یک مدرسه پیش دبستانی برای ناشنوایان افتتاح شد. متخصصین مرکز کار میدانی را شروع کردند اما کودکان ناشنوای اندکی را در محله پیدا کرد. ولی، دو ماه بعد از راه‌اندازی مرکز، دو نفر از کارکنان CBR که ناشنوا بودند به طرح مذکور ملحق شدند و شبکه و جمع دوستانه‌ی خود را تشکیل دادند، آن‌ها شش دانش‌آموز ناشنوای شدید و عمیق که همگی زیر پنج سال بودند را شناسایی کردند. آن‌ها سپس همه افراد ناشنوای جامعه محلی حتی افرادی را که جدید ناشنوا شده بودند را شناسایی نمودند. بعد از شش ماه، برنامه با ۱۳ دانش‌آموز ادامه یافت، و سال بعد کودکان ناشنوای بیشتری ثبت نام شدند. اکثر این کودکان توسط بزرگسالان ناشنوا ارجاع داده شده بودند، آن‌ها از فعالیت این مرکز لذت می‌بردند.

آموزش و آگاه سازی

آموزش و آگاه‌سازی، مورد نیاز بسیاری از گروه‌های مختلف می باشد، و لازم است در شکل و محتوا انعطاف‌پذیر باشد و افراد معلول و سازمان‌های معلولان را در تدوین و اجرای آن دخالت دهد. افزایش آگاهی در جامعه با تمرکز بر معلولیت از دید مدل اجتماعی و ابتکارات دوران اولیه کودکی، امری اساسی است. کارکنان CBR هم‌چنین نیازمند آموزش در خصوص رویکردها و فعالیت‌های مداخله‌ای در سال‌های اولیه دوران کودکی هستند. کارکنانی که با دوران اولیه کودکی در ارتباط هستند (مثل معلمان، کارکنان حمایتی و مدیران مراکز روزانه، مدارس پیش دبستانی، گروه‌های ورزشی، و غیره) لازم است درباره معلولیت و فراگیرسازی بیاموزند. هم‌چنین با کسانی که می‌توانند در این زمینه حمایت کنند، باید ارتباط برقرار شود. این حمایت می‌تواند مالی یا فنی باشد.

کادر ۱۷ سری لانکا

حمایت معلمان برای تعلیم در زمینه آموزش فراگیر

در سری‌لانکا، در استان هامبانتوتا، تعدادی کودک پیش دبستانی با معلولیت‌های یادگیری شناسایی شدند. در طی مراحل تهیه نیم‌رخ خدمات موجود در منطقه، یک سازمان غیردولتی بین‌المللی که برنامه‌هایی در ارتباط با آموزش پیش‌دبستانی را اجرا می‌کرد، شناسایی شد. این سازمان غیردولتی به فراگیرسازی کودکان معلول در مدارس پیش دبستانی علاقه نشان داد، اما اظهار داشت که معلمان آن‌ها برای انجام این کار مهارت ندارند. برنامه CBR امکانات موجود در سری‌لانکا را برای آموزش در زمینه آموزش فراگیر شناسایی کرد و معلمان این سازمان غیردولتی را برای تعلیم در این زمینه مورد حمایت قرار داد. بعد از آموزش، معلمان و کارکنان CBR با والدین و کودکان ملاقات کردند، و به اتفاق هم طرحی را برای فراگیرسازی تدوین نمودند. تلاش‌های فراوانی به‌عمل آمد تا اطمینان یابند که والدین بخشی از فرایند فراگیرسازی بشوند، و به آن‌ها مسئولیت دادند تا به این موفقیت نایل آیند. کودکان در حال حاضر در مدارس پیش‌دبستانی حضور دارند و والدین آن‌ها نیز از موضوعات مرتبط با معلولیت آگاهی پیدا کرده‌اند و در فرایند فراگیرسازی مداخله می‌نمایند.

توجه به فقر

در شرایط فقر شدید، هنگامی که خانواده‌ها و جوامع برای برآوردن نیازهای اساسی خود تلاش می‌کنند، کودکان به‌دلیل منابع ناکافی، یا به عنوان کمکی جهت بقاء یا به عنوان باری سنگین تلقی می‌شوند. یادگیری و بازی برای کودکانی که به سبب فقر گرسنه یا بیمار هستند، مشکل می‌شود. بنابراین کارکنان CBR لازم است در کنار ارتقای آموزش دوران اولیه کودکی به فقر نیز توجه نمایند (به مؤلفه معاش مراجعه نمایید). در زیر برخی فعالیت‌های پیشنهادی در این زمینه ارائه می گردد:

- به خانواده‌ها کمک کنید تا آگاه شوند، اگر کودکان معلول در یادگیری مراقبت از خود و مهارت‌های اساسی زودتر مورد حمایت قرار گیرند، مستقل‌تر خواهند شد و کمتر به عنوان سربار تلقی می‌شوند.
- بر فعالیت‌هایی تمرکز کنید که در درون فعالیت روزمره خانواده گنجانده می‌شود و نشان دهید که کودکان چگونه از طریق این فعالیت‌ها می‌آموزند، و بخش مهمی از زندگی خانوادگی می‌شوند. در شرایط فقر شدید، خانواده‌ها و به‌ویژه مادران نیازمند حمایت بیشتر هستند نه مسئولیت بیشتر، از این رو نگرش کارکنان CBR در این زمینه بسیار مهم است.
- توسعه گروه‌های خودیار را برای زنان و والدین کودکان معلول، و سازمان‌های افراد معلول تسهیل نمایید (به مؤلفه توانمندسازی مراجعه نمایید).
- به خانواده‌ها کمک کنید تا به کمک‌های بلاعوض دولت، حمایت سازمان‌های غیردولتی، افراد خیر و تاجران محلی و هر منبع حمایتی و صندوق مالی دیگری دسترسی پیدا کنند.
- کمک کنید که مطمئن شوند برنامه دوران اولیه کودکی، انعطاف‌پذیر بوده و به شرایط مختلف خانواده‌های فقیر، از جمله خانواده‌هایی که کودکانی با معلولیت شدید یا چندگانه دارند، پاسخ می‌دهد.

کادر ۱۸ مغولستان

آموزش توسط مدارس سیار

در مغولستان مهد کودک هایی هستند که آموزش دوران اولیه کودکی را برای مهاجرین، یا مراقبان کودکان به‌عهده دارند. آن‌ها سیار هستند و در طول سال بر اساس نیاز به جوامع محروم آموزش می‌دهند. این مهد کودک ها به خانواده‌هایی خدمت ارائه می‌کنند که نمی‌توانند لباس و غذا تهیه کنند و مشارکت تمام وقت برای فرزندانشان داشته باشند. برنامه درسی و رویکرد آن‌ها انعطاف‌پذیر بوده و به‌طور پاره وقت پاسخگوی حضور آن‌ها هستند. والدین و جامعه با تامین امکانات ایاب و ذهاب به این مدارس سیار کمک می‌کنند و آن‌ها را ارج می‌نهند. بدین ترتیب، حضور کودکان در مدارس پیش‌دبستانی افزایش یافته و کودکان محروم در مدارس ابتدایی محلی حضور بهتری دارند.

اعمال نفوذ و دفاع از فراگیرسازی

برای این‌که فراگیرسازی اتفاق بیافتد، لازم است نظام آموزشی تغییر کند، هنوز برنامه‌های CBR نتوانسته نظام‌های آموزش را به تنهایی تغییر دهد. کارکنان CBR لازم است شرکا و افراد ذیربط را شناسایی کنند. با مشارکت سایر شرکای کاری (ملی و محلی)، برنامه‌های CBR می‌توانند از فراهم کردن تسهیلات برای مدرسه پیش دبستانی حمایت کنند. اغلب تامین‌کنندگان خدمات می‌دانند که سیاست‌های فراگیرسازی یا حتی قوانینی در این رابطه وجود دارند، اما برای اجرای آن‌ها حمایت‌های لازم و یا کمک های مالی کافی اختصاص نمی‌یابد. برنامه‌های CBR باید هر جا که ممکن است برای دریافت تسهیلات موجود اعمال نفوذ نمایند تا تسهیلات صرف برنامه فراگیرسازی شوند و نه جداسازی.

آمادگی برای شرایط اضطراری، درگیری ها و پناهندگی

رفاه و سلامت کودک خردسال در شرایط اضطراری، درگیری و بلایای طبیعی، امری ضروری است. از آن جا که این موضوع بسیار انعطاف‌پذیراست، آموزش دوران اولیه کودکی یکی از چند نوع آموزشی است که می‌تواند در این شرایط ادامه حیات دهد. بازی می‌تواند به تداوم و ارتقاء سلامتی کودکان کمک کند. برنامه‌های CBR می‌توانند کمک کنند تا فضاها و فرصت‌هایی برای فعالیت‌های بازی کودکان فراهم آید، این کار اغلب به معنی تعامل با نهادهای سازمان‌های ملل، هم‌چنین سازمان‌های غیردولتی و دولتی است (به کتابچه تکمیلی: CBR و بحران‌های انسانی مراجعه نمایید)

آموزش ابتدایی

مقدمه

آموزش ابتدایی معمولاً در حدود سن شش یا هفت سالگی شروع می‌شود و تا سنین اولیه نوجوانی ادامه می‌یابد. آموزش ابتدایی، دروازه ورود به سطوح عالی آموزش است و اهمیت زیادی در زمینه رشد دارد.

دستیابی به آموزش ابتدایی در سطح جهان، دومین هدف کلی توسعه هزاره است. هدف اختصاصی این است که تا سال ۲۰۱۵ کودکان در سراسر دنیا، و پسران و دختران به‌طور مساوی، بتوانند دوره کامل آموزش ابتدایی را تکمیل نمایند (۷). برای تحقق این هدف، ضروری است نظام‌های آموزشی معلمان را آموزش دهند، مدرسه بسازند، کیفیت آموزش را بهبود بخشند، موانع حضور آنان مثل شهریه و عدم وجود امکانات ایاب و ذهاب را رفع نمایند و به نگرانی والدین به خاطر امنیت فرزندان‌شان توجه نمایند (۲۰).

اغلب فراموش می‌شود که دستیابی به این هدف بدون فراگیرسازی کودکان معلول غیرممکن خواهد بود. اخیرا یونسکو برآورد نموده است که در کشورهای کم‌درآمد بیش از ۹۰ ٪ کودکان معلول به مدرسه نمی‌روند (۶). آن‌هایی که به مدرسه می‌روند، بیشترشان قبل از تکمیل آموزش ابتدایی ترک تحصیل می‌کنند و برخی از آن‌ها اغلب چیزی یاد نمی‌گیرند یا در فعالیت‌های مدرسه مشارکت نمی‌کنند.

آموزش ابتدایی باید فراگیر و برای همه قابل دسترس باشد. ارائه‌کنندگان آموزش همگانی نباید در خصوص جنسیت، قومیت، زبان، مذهب، عقیده، معلولیت یا وضعیت اجتماعی یا اقتصادی تبعیض قائل شوند (۵). آموزش ابتدایی از حقوق اساسی است، و کنوانسیون حقوق افراد معلول، ماده ۲۴، اظهار می‌دارد که " ... کودکان معلول نباید از آموزش رایگان و اجباری محروم شوند ..."(۴). آموزش ابتدایی باید فراگیر باشد، آموزش کیفی و دسترسی مساوی را فراهم نماید، و در جامعه محلی برای همه کودکان معلول قابل دسترس باشد.

آموزش ابتدایی برای همه کودکان

در منطقه دونتزا در کشور مالی، که یکی از فقیرترین نواحی دنیا است، آموزش کودکان در اولویت جامعه محلی قرار گرفت. آن‌ها خواستار ایجاد مدرسه‌ای شدند که مطالب آموزشی آن منطبق با زندگی در منطقه روستایی باشد و کودکان را برای کار و زندگی در جامعه آماده نماید.

نهادهای اهدا کننده و درگیر، آموزش‌هایی را ارائه دادند و شرط کردند که شورای مدرسه باید در این طرح یک زن را مسئول ثبت نام کودکان معلول و دختران کند. اعضای جامعه به تنهایی با مشارکت مالی والدین مدرسه را ساختند، این امر باعث ارتقاء حس مالکیت و مسئولیت در آنان شد. سازمان غیردولتی تخصصی معلولین، آگاه سازی در خصوص موضوع معلولیت را انجام داد و به شورای مدرسه کمک نمود تا کودکان معلولی که می‌توانند ثبت نام شوند را شناسایی کند. برخی از کودکان به سه چرخه نیاز داشتند که به وسیله این سازمان غیردولتی فراهم شد. هم‌چنین گروه‌های تئاتر و موسیقی محلی نیز در زمینه افزایش آگاهی درباره حق برخورداری دختران و کودکان معلول از آموزش کمک کردند.

رهبران جامعه وقتی متوجه وجود این تعداد کودک معلول در روستا و توانایی جامعه برای کار با اعضای خانواده در زمینه رشد و فراگیرسازی کودکان معلول شدند، متعجب گشتند. در گذشته، معلولیت به عنوان یک مشکل مورد توجه قرار نمی‌گرفت زیرا جامعه نمی‌دانست راه حل‌هایی می‌تواند برای آن وجود داشته باشد.

در ابتدا اعضای جامعه و معلمان درباره فراگیرسازی کودکان معلول تردید داشتند. "در شروع، ما تعهد داشتیم تا کودکان را در برنامه آموزشی بگنجانیم، اما واقعا باور نداشتیم که آن‌ها را می‌توان در مدرسه وارد کرد. اکنون ما به چشم خود دیده‌ایم و از تعهد به اعتقاد رسیده‌ایم". از طریق همکاری بین خانواده‌ها، جامعه، نهادهای معلولان و مؤسسات بین‌المللی توسعه، فراگیرسازی حتی در شرایط فقر شدید نیز امکان‌پذیر است.

در این رابطه مدیر برنامه محلی اظهار داشت: تعهد قوی برای ارتقاء فراگیرسازی باید همیشه حفظ شود.

هدف

یک نظام آموزش ابتدایی فراگیر و پذیرا، در مدارس محلی در درون فعالیت‌های آموزشی موجود در جامعه ایجاد شود.

نقش CBR

نقش CBR همکاری با نظام آموزش ابتدایی برای ایجاد مدارس فراگیر محلی، حمایت از خانواده‌ها و کودکان معلول برای دسترسی به آموزش ابتدایی در جامعه محلی خود و توسعه و تداوم پیوند بین خانه، جامعه محلی و مدارس است.

پیامدهای مطلوب

- همه جامعه برای توسعه آموزش ابتدایی فراگیر بسیج می‌شوند.
- خانواده‌ها نقش مثبت و حمایت‌گری دارند و در آموزش ابتدایی فراگیر مداخله می‌نمایند.
- همه کودکان معلول آموزش ابتدایی با کیفیت را تکمیل می‌کنند.
- وسایل کمکی مناسب، درمان و سایر کمک های ضروری برای حمایت از فراگیرسازی، در دسترس و موجود هستند.
- بخش‌هایی از محیط مدرسه که باید مناسب‌سازی شوند مشخص و معین می‌شوند.
- معلمان احساس می‌کنند که مورد حمایت قرار می‌گیرند و در توانمندی خود برای آموزش کودکان معلول مطمئن هستند.
- برنامه درسی، آزمون و نحوه ارزیابی، رویکردهای آموزشی و فعالیت‌های فوق برنامه (مثل ورزش، تئاتر، اردوها) کودک محور و فراگیر هستند.
- کودکان معلول خانواده‌های فقیر در مدرسه ابتدایی حضور می‌یابند.
- منابع محلی و متخصصین در خصوص آموزش به‌طور کامل و مناسب مورد استفاده قرار می‌گیرند.
- از طریق ذی‌نفعان مرتبط، و حمایت طلبی در تمام سطوح مشارکت انجام می‌گیرد تا اطمینان حاصل شود سیاست‌ها و خط مشی‌های ملی، آموزش ابتدایی فراگیر را ارتقاء می‌بخشند.

مفاهیم کلیدی

رویکرد کل جامعه

این مسئولیت متوجه همه جامعه است که فراگیرسازی را ارتقاء و مورد حمایت قرار دهد، مدارس ابتدایی محلی باید فرصت‌های کلیدی و محیطی مناسب را برای ظهور این امر فراهم آورند. کارکنان CBR مسئولیت های زیادی دارند و در امر آموزش متخصص نیستند از این رو، لازم است آن ها با مشارکت و همکاری جامعه (مدارس، خانواده‌ها، افراد معلول، معتمدین محل) فعالیت نمایند. هم‌چنین آنان باید بر افزایش آگاهی در مورد حقوق افراد معلول، فراگیرسازی و مدل‌های اجتماعی تمرکز نمایند، و تمام کسانی را که در این امر مداخله می‌نمایند بسیج نموده و از آن‌ها حمایت کنند. والدین فرزند خویش را خوب می‌شناسند و می‌توانند اطلاعات مفیدی را برای معلمان فراهم کنند. معلمان می‌توانند به والدین آموزش دهند تا آن‌ها نحوه یادگیری در منزل را فرابگیرند. اداره آموزش و پرورش محلی باید حامی فراگیرسازی باشد و در

این صورت است که فراگیرسازی پایدار خواهد بود. بخش‌های بهداشتی و اجتماعی لازم است در این زمینه درگیر شوند و با همدیگر ارتباط داشته باشند. معلمان سیار می‌توانند نقش‌های مختلفی داشته باشند و پیوندها و حمایت‌های گوناگونی را فراهم آورند. آن‌ها دارای مهارت‌های ویژه مثل آموزش دادن خط بریل یا زبان اشاره هستند و برای ارائه مشاوره، تهیه منابع و حمایت‌های مورد نیاز دانش‌آموزان معلول، معلمان و والدین آن‌ها فعالیت می‌کنند.

کادر ۲۰ پرو

راه جدید برای آموزش یوری

یوری با مادر و خواهرانش در کشور پرو، در کوه‌های آندس زندگی می‌کند. وی مبتلا به فلج مغزی است و نمی‌تواند راه برود. او می‌خواست مثل خواهرانش به مدرسه ابتدایی برود، اما با موانع بسیاری مواجه شد. هیچ راه مناسب‌سازی شده‌ای از منزل به جاده اصلی وجود نداشت، هیچ نوع وسیله حمل و نقلی نبود، و معلمان در مدرسه ابتدایی محلی هیچ نوع آگاهی در مورد معلولیت نداشتند، یا در این مورد آموزش ندیده بودند. کارکنان CBR بر توانمندسازی مادر یوری تمرکز نمودند. سپس آن‌ها اعضای جامعه محلی را برای ساختن راهی از منزل تا جاده بسیج نمودند. برنامه CBR یک سه چرخه دستی برای او تهیه کرد و معلمان را درباره معلولیت آموزش داد. یوری حضور در مدرسه ابتدایی را آغاز نمود و این امر با استقبال گرم از سوی دیگر دانش‌آموزان همراه شد.

رویکرد کل‌نگر به مدرسه

در رویکرد کل‌نگر به مدرسه اطمینان حاصل می‌شود که مدیران، ناظم‌ها، مسئولین اداری، معلمان، مراقبان، والدین، کودکان معلول و غیرمعلول، و افراد دیگر که با مدرسه ارتباط دارند برای افزایش آگاهی درباره معلولیت و شناسایی و رفع موانع با همدیگر همکاری خواهند کرد تا فراگیرسازی کودکان معلول در مدارس محلی تسهیل شود.

کادر ۲۱ سوریه

ایجاد تغییر برای ارتقاء آموزش فراگیر

کارکنان CBR نهاد همکاری بین‌المللی ژاپن در سوریه، در حومه شهر دمشق با مقامات مدرسه، معتمدین محلی و مقامات اداری، معلمان و کودکان مدرسه با همدیگر مشارکت کردند تا مدارس ابتدایی محلی فراگیر و قابل دسترس شوند، و اطمینان حاصل نمایند که کودکان معلول می‌توانند در مدرسه حضور یابند. آن‌ها تخته سیاه‌ها، چینش صندلی‌ها، ورودی کلاس‌ها، توالت و وسایل زمین بازی را تغییر دادند. در دمشق به داوطلبان محلی و معلمان نحوه آموزش زبان اشاره آموزش داده شد. کودکان، والدین آن‌ها و معلمان، و مقامات محلی همگی متوجه نیاز کودکان معلول به آموزش در مدارس محلی و فواید آن شدند.

فراگیرسازی اجتماعی

یادگیری برای زندگی در کنار دیگران، ارتباط با افراد متفاوت، خوشحال بودن، مفید بودن و احترام گذاشتن به دیگران، درست به‌اندازه مهارت‌های یادگیری تحصیلی اهمیت دارد. کودکانی که در یادگیری مهارت‌های تحصیلی مشکلاتی دارند نیز از حضور در محیط‌های مدرسه محلی به لحاظ اجتماعی سود می‌برند. این امر تمام کودکان را آماده می‌کند تا عضوی از یک جامعه فراگیر بشوند.

پاسخ به تنوع

کودکان با یکدیگر تفاوت دارند و به روش‌های گوناگون می‌آموزند. مدارس لازم است به این گوناگونی با اطمینان از این‌که برنامه‌های درسی، روش‌ها و محیط‌های آموزشی برای همه انعطاف‌پذیر و سازگار است، پاسخ دهند. یک نظام انعطاف‌پذیر نیازمند انجام انطباق‌هایی برای همه است نه فقط برای یک گروه خاص. دفاع از فراگیرسازی می‌تواند قوی‌تر مطرح شود، اگر با دیگر گروه‌های منزوی و حاشیه رانده شده نیز ارتباط و اتحاد ایجاد شود. مدرسه‌ای که برای کودکان معلول خوب باشد، مدرسه‌ای خواهد بود که برای همه کودکان مناسب است، و سایر کودکان و گروه‌های منزوی و محروم را در خود می‌گنجاند.

پاسخ به تنوع، بدین معنی است که کودکان معلول با یکدیگر بسیار متفاوت هستند، حتی اگر آن‌ها اختلالات مشابهی داشته باشند. برای مثال، افراد دارای اختلالات بینایی ممکن است با شیوه‌های مختلفی از مطالب درسی استفاده نمایند: یکی ممکن است نوار ضبط را مفید بداند، دیگری ممکن است برایش خط بریل مفیدتر باشد. برخی کودکان دارای اختلالات شنوایی ممکن است از طریق لب‌خوانی بهتر یاد بگیرند، درحالی‌که دیگران ممکن است نیازمند کمک از طریق زبان اشاره باشند.

محیط پذیرا و قابل دسترس

تحقیقات به‌عمل آمده حاکی از آن است که قابلیت دسترسی و مناسب‌سازی، هزینه فراگیرسازی را به‌طور کلی کاهش می‌دهد (۲۱) محیط مدرسه لازم است به لحاظ فیزیکی برای همه کودکان قابل دسترس باشد و برای اطمینان از این‌که توالت‌ها برای کودکان معلول قابل دسترس هستند باید توجه ویژه‌ای انجام شود. با توجه به ظاهر و جو مدرسه می‌توان اطمینان حاصل نمود که محیط برای همه کودکان پذیرا است. یک مدرسه تمیز (برای مثل با بهداشت مناسب و امکانات آب سالم و بهداشتی)، رنگ‌آمیزی شاد و زنده دیوارها، و نگرش‌ها و رفتار مثبت کودکان، معلمان و دیگر کارکنان به ایجاد یک محیط پذیرا کمک می‌کند.

رویکرد دانش آموز محور

کیفیت آن چه در مدارس اتفاق می‌افتد به اندازه قابل دسترس بودن و مناسب‌سازی دارای اهمیت است. رویکرد دانش‌آموز محور یا کودک محور بدین معنی است که همه فرایندها و ساختارهای یک مدرسه بر حمایت از کودک متمرکز می‌شوند تا بیاموزد و مشارکت کند. اغلب اوقات، معلم، برنامه‌های درسی سخت یا جدول زمانی ثابت و غیرقابل تغییر، محور توجه قرار می‌گیرند، بدون توجه به این‌که آیا کودک واقعا یاد می‌گیرد یا خیر. دانش‌آموز محور بودن به معنی "متناسب با سن بودن"

نیز هست. کودک دارای اختلالات هوشی ممکن است به لحاظ سن تقویمی بزرگ‌تر باشد اما از نظر سن عقلی نسبتاً پایین‌تر هستند. مهم، احترام به سن واقعی کودک است.

آموزش ابتدایی انعطاف‌پذیر

آموزش ابتدایی معمولا در درون مدارسی که به این منظور طراحی شده اند انجام می‌شود، اما این امر واجب نیست. مهم این است که درباره مدارس یک تصور غیرقابل انعطاف نداشته باشیم. بعضی کودکان، برای مثل کودکان دارای اختلالات رشدی یا چند معلولیتی، می‌توانند در آموزش ابتدایی گنجانده شوند، حتی زمانی که آن‌ها در منزل آموزش می‌بینند (به آموزش شبه‌رسمی مراجعه نمایید). آموزش فراگیر در واقع به مفهوم قرار دادن کودک معلول در درون ساختمان مدرسه نیست. اما این نباید به عنوان دلیلی برای عدم تغییر مدارس به‌کار برده شود، و لازم است مدارس در جهت فراگیرسازی فعالیت نمایند و مدارس حق محروم کردن هیچ کودکی را به دلیل معلولیت ندارند (۴).

کادر ۲۲ هندوستان

حساس نمودن جوامع برای ارتقاء آموزش فراگیر

ساروا شیکشا آبیان، مهم ترین برنامه جامع و یکپارچه دولت هندوستان برای رسیدن به هدف جهانی آموزش ابتدایی در کشور است. چندین اردوگاه در سطح مناطق کوچک ایجاد شده است تا والدین، معلمان و جامعه را درباره آموزش فراگیر حساس نمایند. تلاش‌های نظام‌مند برای ایجاد شبکه با سازمان‌های غیردولتی و بیمارستان‌ها برای ارائه خدمات توانبخشی و تجویز وسایل کمکی به‌عمل آمده است. ساخت سطوح شیب‌دار جزء لازم برای ساختمان‌های مدارس تحت پوشش برنامه را تشکیل می‌دهد. سایر فعالیت‌ها شامل برگزاری کارگاه‌های آموزشی در خصوص مدیریت رفتار در کلاس، نحوه استفاده از ابزارهای آموزشی و یادگیری ویژه و تدوین کتابچه درباره آموزش فراگیر می‌شوند.

مسئولین، تدارکات خاصی را تحت این برنامه انجام داده‌اند تا از آموزش کودکان دارای اختلالات شدید در منازل از طریق معلمان خصوصی اطمینان یابند. برای هر سه تا پنج کودک معلول شدید که نمی‌توانند به مدرسه بیایند، در کنار معلم، یک مربی خصوصی جهت آموزش در منزل وجود دارد، هم‌چنین آموزش کودک و والدین درخصوص درمان‌های اصلی و مهارت‌های روزمره زندگی در صورت نیاز انجام می‌شود.

منابع و امکانات تخصصی

دو تصور غلط برای بی‌اعتبار ساختن فراگیرسازی به‌کار می‌رود که عبارتند از: ۱) این کار تنها در صورتی عملی است که منابع تخصصی گران قیمت وجود داشته باشد؛ و ۲) هیچ امکانات اضافی مورد نیاز نیست. هر دو تصور فوق نادرست هستند. آموزش ابتدایی فراگیر می‌تواند مقرون به صرفه باشد. با این وجود، افراد معلول و خانواده‌های‌شان واقعا نگران هستند که دولت‌ها فراگیرسازی را به عنوان یک گزینه ارزان برای مدارس ویژه در نظر بگیرد، و کودکان معلول در مدارس از امکانات یا منابع اضافی برخوردار نشوند. دو نکته مهم در رابطه با منابع و امکانات وجود دارد.

- استفاده از منابع محلی: اکثر منابع و امکانات به آموزش کودکان "ویژه" تعلق ندارد. منابع محلی (از نظر مواد و لوازم، مالی یا کارکنان) لازم است در این زمینه به‌کار برده شوند.
- تدارک دسترسی به امکانات تخصصی: برای بعضی از کودکان معلول، ممکن است امکانات تخصصی لازم باشد تا فراگیرسازی آن‌ها را تسهیل سازد. ممکن است مهارت‌های تخصصی، امکانات و یا تجهیزات برای آموختن خط بریل، یا آموختن نحوه استفاده از اشکال اضافی و جایگزین برای برقراری ارتباط و صحبت‌کردن، مثل تخته‌های علائم و نشانه‌ها، نگاره‌ها، حرکات و حالت‌های بدنی، وسایل الکترونیک و تصاویر لازم باشد.

کادر ۲۳

گسترش نگرش‌های انعطاف‌پذیر

" ... شما نظر غیرقابل انعطافی درباره فراگیرسازی دارید که منجر به تصور غیرقابل انعطاف در مورد منابع می‌شود. اگر نظر شما درباره فراگیرسازی انعطاف‌پذیر باشد، می‌توانید نگرش انعطاف‌پذیرتری نسبت به منابع داشته باشید" یکی از شرکت کنندگان در: سمپوزیوم غلبه بر موانع، شبکه آموزش قادرساز، سال ۲۰۰۰. (۲۲)

فعالیت‌های پیشنهادی

بسیج جامعه

وضعیت آموزش ابتدایی در هر جامعه ای متفاوت است. ممکن است بعضی مدارس ابتدایی محلی موافق آموزش فراگیر باشند، در حالی که برخی دیگر نباشند. گاهی اوقات ممکن است اصلا مدرسه ابتدایی وجود نداشته باشد. در برخی جوامع ممکن است فرستادن کودکان معلول به مدارس یا واحدهای ویژه مرسوم باشد. با این حال، نقطه شروع، آگاه‌سازی درباره آموزش فراگیر در جوامع و کسب حمایت است. فعالیت‌های پیشنهادی شامل موارد زیر هستند:

- استفاده از رادیو، گردهمایی‌های عمومی، پوسترها، تئاتر خیابانی، تلویزیون، اینترنت و مناسبت‌های خاص از قبیل روز جهانی معلولین برای آگاه سازی درباره اهمیت فراگیرسازی و حق آموزش برای همه.
- مداخله سازمان‌های افراد معلول و انجمن‌های والدین در هدایت بحث‌ها درباره پیشگیری از موانع حضور کودکان معلول در مدارس.
- استفاده از فعالیت‌های کودک به کودک در مدارس برای افزایش آگاهی در میان کودکان.
- کسب اطلاع درباره سیاست‌ها و منابع موجود که می‌تواند از تلاش‌ها در جهت آموزش ابتدایی فراگیر حمایت نماید.

کادر ۲۴ هندوستان

افزایش آگاهی از طریق مداخله کودکان

در هندوستان، فعالیت‌های کودک به کودک در درون برنامه CBR از طریق وزارت بهداشت جهت توانمندسازی و آموزش کودکان درباره موضوعات معلولیت مورد تشویق قرار می‌گیرد. کودکان برای افزایش آگاهی در مدرسه و جامعه شعر و سرود می‌سرایند و نمایش اجرا می‌کنند. موضوعات آن شامل امنیت جاده‌ها، ایدز و معلولیت است. آن‌ها هم‌چنین در ساخت سطوح شیب‌دار، توالت قابل دسترس و طراحی وسایل زمین بازی کمک می‌کنند.

حمایت و مداخله خانواده‌ها

کارکنان CBR می‌توانند نقش مهمی در حمایت و مداخله خانواده‌ها در فرآیند قادرسازی مدارس محلی برای آموزش فراگیر داشته باشند. معلمان اغلب لازم است بیاموزند که والدین نیز درامر آموزش شریک هستند.

کادر ۲۵ مراکش

کار با همدیگر برای کودکان

"قبل از این، فکر می‌کردیم والدین دشمن هستند. اما اکنون می‌بینیم که آن‌ها هم در مسیر ما حرکت می‌کنند، مسیری که بهترین‌ها را برای فرزندانمان می‌خواهیم." به نقل از یک معلم طرح آموزش فراگیر در مراکش (۲۳).

در این خصوص مثال‌هایی از فعالیت‌های پیشنهادی در زیر ارائه می‌شود:

- به اعضای خانواده گوش بدهید و با آن‌ها صحبت کنید. ببینید آن‌ها چه تصوری درباره کودک معلولشان دارند مثلا در مورد توانایی‌ها و مشکلات کودک، و یا خانواده چه نیازهای حمایتی دارند.
- بین منزل و مدرسه ارتباط برقرار کنید، به معلمان و اعضای خانواده کمک کنید تا به صحبت‌های یکدیگر گوش دهند.
- کودک معلول را در منزل مشاهده کنید و راه‌هایی را که به واسطه آن بتوان یادگیری را در مدرسه ادامه داد و در منزل حمایت نمود، پیدا کنید.
- کمک کنید تا اطمینان حاصل شود تمام تصمیمات بر اساس علائق کودک است، حقوق کودک مورد حمایت قرار می‌گیرد و درک می‌شود، مثلا گاهی اوقات والدین بیش از حد حمایت‌گر هستند یا باور اندکی درباره ظرفیت‌های فرزندشان دارند، یا می خواهند نیازهای دیگر فرزندان‌شان را اولویت بخشند.
- فراگیرسازی را با حمایت والدین ارتقاء بخشید. والدین می‌توانند نقش مهمی را ایفا نمایند- موارد بسیار وجود دارد که والدین به هم ملحق شده‌اند و نگرش‌ها و فعالیت‌های یک مدرسه محلی را تغییر داده‌اند و فرزندان خود را در مدرسه ثبت نام نموده‌اند.

- با والدین کودکان غیرمعلول کار کنید تا حمایت آن‌ها را برای فراگیرسازی جلب نمایید. این والدین نظرات گوناگونی درباره آموزش فراگیر خواهند داشت، بعضی از آن‌ها از فراگیرسازی کودکان معلول در کلاس حمایت خواهند کرد زیرا این کار به فرزندان‌شان کمک می‌کند تا مسئولیت اجتماعی خود را رشد دهند، در حالی که دیگران ممکن است احساس کنند که فرزندان‌شان آسیب خواهند دید.

کادر ۲۶ **لسوتو**

شرکای برابر در آموزش

در لسوتو، والدین برای ارتقای آموزش فراگیر همکاری نزدیکی دارند. آن‌ها دریافته‌اند که با معلمان "شرکای برابر" هستند. کمک‌های آنان شامل: حمایت و راهنمایی معلمان درباره نحوه مدیریت فرزندان‌شان، صحبت و تبادل تجارب در طول آموزش ضمن خدمت معلمان است. والدین مربی و والدین کمک کننده با مدارس و گروه‌های کلیدی مثل فدراسیون ملی معلولان کار می‌کنند. والدین هم‌چنین احساس می‌کنند که آن‌ها از برنامه سود برده‌اند و درباره نیازهای فرزندانشان آگاه‌تر شده‌اند؛ آن‌ها احساس می‌کنند اعتماد به نفس شان افزایش یافته و توانمندتر شده‌اند.

حمایت از کودک معلول

بسیاری از کودکان معلول از آموزش ابتدایی به دلیل وضعیت بهداشتی ضعیف و موانع محیطی، مثل فاصله زیاد بین منزل و مدرسه و سیستم حمل و نقل عمومی غیرقابل دسترس، برخوردار نمی‌شوند. با انجام مراقبت‌های پزشکی، توانبخشی و وسایل کمکی مناسب می‌توان در زمینه بهداشت و دسترسی فیزیکی به بهبودهایی نائل شد (به مؤلفه سلامت مراجعه نمایید). کارکنان CBR لازم است اطمینان یابند که کودکان می‌توانند به این خدمات دسترسی یابند - این‌کار اغلب اولین گام برای قادرسازی کودکان معلول است تا از منزل بیرون رفته، به مدرسه بروند و به آموزش ابتدایی دسترسی یابند.

کادر ۲۷ کنیا

دریافت حمایت‌های مورد نیاز برای بلایز

بلایز در نایروبی در یک منطقه فقیر و حاشیه نشین زندگی می‌کند او با مشکل فتق نخاعی (اسپاینا بیفیدا) متولد شده و به فلج هر دو پا و فقدان کنترل مثانه و روده مبتلا است. بلایز از منزل بیرون نمی‌آمد تا این‌که برنامه CBR از طریق انجمن معلولین جسمی کنیا با او تماس گرفت. آن‌ها به او کمک کردند تا جراحی مورد نیازش را انجام دهد، تحت خدمات توانبخشی قرار گرفت و در یک مدرسه ابتدایی محلی که بیش از ۱۰۰۰ دانش‌آموز داشت ثبت‌نام شد.

در روزهای اول مدرسه، همبازی‌های بلایز هر روز صبح و عصر او را بر پشت شان گذاشته و به مدرسه می‌بردند و به منزل می آوردند، و حتی پوشک‌هایش را در مدرسه عوض می‌کردند. شرایط محیطی بلایز را از رفتن به مدرسه منصرف نکرد. همسایه‌هایش بعد از این‌که دانستند که بیماری وی عفونی نیست و هیچ آسیبی به آن‌ها نمی‌رساند، از او حمایت نمودند. در حال حاضر بلایز در کلاس هفتم است و با استفاده از سه چرخه‌ای که توسط برنامه CBR تهیه شده به مدرسه می‌رود. به او هم‌چنین آموزش داده شد که به تنهایی از سوند استفاده کند. همیشه در هنگام نیاز دوستانی در اطرافش برای کمک به او هستند. کارهای مدرسه‌اش را به خوبی انجام می‌دهد و آرزو دارد وقتی بزرگ شد، پزشک شود.

کمک به پذیرا و قابل دسترس شدن مدرسه

کارکنان CBR می‌توانند معلمان، دانش‌آموزان و خانواده‌ها را در شناسایی و پرداختن به موضوع مناسب‌سازی محیط مدرسه دخالت دهند. تشخیص این موضوع که قابل دسترس شدن محیط شامل موضوعاتی بیش از ساختن سطوح شیب‌دار برای کودکان ویلچردار است، اهمیت دارد. سوالات زیر لازم است در این خصوص مورد ملاحظه قرار گیرند:

- محیط مدرسه چقدر قابل‌دسترس و پذیرا است؟ آیا فضا برای همه کودکانی که اختلال حرکتی دارند قابل دسترس است؟ آیا دانش‌آموزان دارای اختلال بینایی می‌توانند به آسانی در اطراف رفت و آمد کنند؟
- آیا محیط مدرسه پذیرای والدین و بازدیدکنندگان هست؟
- شرایط عمومی ساختمان‌ها و تجهیزات چگونه است؟ آیا مدرسه تمیز است و از آن به خوبی نگهداری می‌شود؟ آیا نیاز به تعمیر دارد؟
- امکانات بهداشتی چگونه است؟ آیا توالت ها، تمیز و مناسب‌سازی شده‌اند و نیازهای همه‌ی دانش‌آموزان از قبیل دانش‌آموزان معلول و زنان جوان را برآورده می‌کند؟
- آیا آب بهداشتی و سالم برای شستشو و نوشیدن وجود دارد؟
- آیا نور کافی در اتاق‌ها وجود دارد؟ آیا هشدارها و تابلوی علائم مشخص در اطراف مدرسه نصب شده‌اند؟

مدرسه را می‌توان با نصب پوسترها و نقاشی‌هایی که تصاویر مثبتی از دانش‌آموزان معلول و غیرمعلول با موقعیت‌ها و قومیت‌های مختلف را نشان می‌دهد، خوشایند نمود. سیاست‌هایی که باعث افزایش تحمل می‌شود و بی‌عدالتی را محکوم می‌کند، باید توسعه یابند. اگر مسائلی از قبیل تمسخر و برچسب زدن وجود دارد، برنامه‌های CBR می‌توانند بحث‌هایی را ترتیب دهند و به یافتن راه‌حل‌های مشکل کمک کنند.

کمک به ایجاد محیط یادگیری

این موضوع اشاره به همه فعالیت‌ها و رویکردهایی دارد که لازم است به‌کار گرفته شوند تا همه کودکان برای نیل به بالاترین توان بالقوه‌شان از فرصت و حمایت لازم برخوردار شوند. در انتهای این مؤلفه، در فهرست منابع پیشنهادی کتابچه‌هایی با ذکر جزئیات در زمینه ایجاد محیط یادگیری آمده است.

با مدرسه شروع کنید

با برگزاری یک کارگاه آموزشی برای معلمان، کارکنان مدرسه، معتمدین محل و دانش‌آموزان، وضعیت موجود مدارس ابتدایی محلی را بررسی کنید. در این جا مثال‌هایی از سوالات برای بحث و گفتگو ارائه شده است:

- نگرش مدیر مدرسه، معلمان و سایر کودکان نسبت به کودکان معلول چگونه است؟
- آیا در حال حاضر در مدرسه کودک معلولی حضور دارد؟
- چه نسبتی از کودکان در مدرسه دختر هستند؟
- چه میزان ترک تحصیل، مردودی و فارغ التحصیل وجود دارد؟
- کیفیت آموزش و یادگیری چگونه است؟
- آیا هیچ معلم معلولی در مدرسه حضور دارد؟

از طریق تمرکز بر کل نظام مدرسه، برنامه‌های CBR می‌تواند به معلمان کمک کند تا درک کنند که کدام رویکرد مدل اجتماعی برای فراگیرسازی در عمل قابل اجرا است.

کادر ۲۸ **مصر**

تغییر نقطه نگاه

قبلاً همیشه می‌گفتیم که " این کودک بد رفتاری می‌کند" و فکر می‌کردیم همه مشکلات ناشی از کودکان است. توجه نمی‌کردیم که مشکل می‌تواند از ما، بزرگترها، یا ناشی از فعالیت ها باشد. مصر، یک معلم (۲۳).

تمرکز بر کیفیت

کار برای اطمینان از دسترسی مساوی برای کودکان معلول تنها یک بخش از فرآیند فراگیرسازی است. آنچه که در درون کلاس اتفاق می‌افتد (کیفیت آموزش) خیلی مهم است. کیفیت آموزشی ضعیف بسیار رایج است، و اغلب شمار زیادی از کودکان ممکن است نیاموزند یا مشارکت نکنند. هم‌چنین کار گروهی برای کمک به یادگیری کودکان معلول می‌تواند آموزش و محیط آموزشی را برای همه کودکان بهبود بخشد. برنامه‌های CBR می‌توانند معلمان را تشویق کنند تا خلاق باشند، مشکلات را با همدیگر حل کنند، از منابع موجود به‌طور قابل انعطاف استفاده کنند، آنچه را که اتفاق می‌افتد مشاهده کنند، به کودکان گوش دهند و به توانایی‌های کودکان اعتماد کنند (۲۴). رویکرد کل‌نگر به مدرسه اثربخش‌تر از تمرکز بر یک معلم کلاس ویژه است. حمایت مدیر مدرسه نیز امری مهم است.

آموزش و حمایت از معلمان را فراهم کنید

اغلب معلمان دانش محدودی درباره کودکان معلول دارند. آموزش ضمن تدریس در محیط مدرسه، اثربخش‌ترین راه برای آموزش معلمان نسبت به اعزام آن‌ها به مراکز آموزشی/دانشکده‌ها است که از شرایط کاربردی به‌دور هستند. برنامه‌های CBR می‌تواند امکانات آموزشی و منابع را برای موارد زیر توسعه و فراهم آورد:

- اختلال‌های متفاوت و الزامات مورد نیاز برای یادگیری آن ها؛
- روش‌ها، وسایل و شیوه‌های مختلف ارتباط؛
- مهارت‌های روزمره زندگی، جهت‌یابی و مهارت‌های حرکتی؛
- وسایل و ابزارهای کمک آموزشی، تجهیزات کمکی؛
- نظارت و ارزشیابی آموزش ابتدایی فراگیر برای مداخله فعالانه کودکان.

کادر ۲۹ **السالوادور**

آموزش از طریق مثال

در السالوادور، برنامه CBR موارد در ترک تحصیل‌کرده‌ها، مردودین، و کودکانی را که برچسب "بدقلق" به آن ها زده بودند، را در اولویت قرار داد. کارکنان CBR و دانش‌آموزان داوطلب از مدارس راهنمایی بعدازظهر کار با کودکان را با استفاده از روش‌های یادگیرنده محور، مثل بازی ها شروع کردند. بعد از مدت یک سال، معلمان از نتایج مثبت آن آگاه شدند و متقاعد شدند که فراگیرسازی که آموزش به طور مناسب انجام شود موثر واقع می‌شود. برنامه CBR سپس آموزش معلمان را آغاز کرد و یک معلم سیار را برای کمک پیشنهاد کرد. آن مدرسه اولین نظام فراگیر را در کشور راه‌اندازی کرد، و توجه وزارت آموزش و پرورش را از طریق رسانه ای درباره کارهایش جلب نمود. سرانجام وزارت آموزش و پرورش حقوق سه معلم سیار را برای حمایت از فراگیرسازی در همه مدارس ابتدایی منطقه مذکور پرداخت نمود.

تغییر در برنامه درسی و روش‌های آموزشی را تشویق کنید

برنامه‌های CBR می‌توانند بین مدارس ابتدایی محلی، جامعه، سازمان‌های غیردولتی و اداره آموزش و پرورش منطقه ارتباط برقرار نماید تا از معلمان برای تهیه برنامه درسی انعطاف‌پذیر و روش‌های آموزشی یادگیرنده محور حمایت نمایند، از این‌کار همه کودکان سود خواهند برد.

کادر ۳۰ **لسوتو**

برای یافتن جواب ها فراتر از کتاب‌ها نگاه کنید

معلمانی که در لسوتو برای ارتقای فراگیرسازی تلاش می‌کنند احساس می‌کردند که "اسیر برنامه درسی" شده بودند؛ برنامه درسی خسته‌کننده بود، واقعا نه متناسب و نه یادگیرنده محور بود. آن‌ها اذعان می‌کردند که هیچ کسی از آن سود نمی‌برد. "برنامه درسی برای چه کسی است؟ ما نمی‌توانیم کودکانمان را تنها به خاطر اتمام این کتاب که برنامه درسی نامیده می‌شود بفروشیم" مصاحبه یک معلم (۲۵).

معمولاً مدارس ابتدایی محلی و برنامه های CBR برای انطباق برنامه درسی و روش‌های آموزشی آزادی عمل محدودی دارند - چرا که در بسیاری از کشورها، کنترل دولتی شدیدی وجود دارد. اما تغییرات جزیی و ساده در سطح محلی ممکن است، و اعمال فشار جهت تغییر در سطوح منطقه‌ای (استانی) و ملی ممکن است. مثال‌هایی از روش‌های انعطاف‌پذیرتر شدن برنامه درسی و روش‌های آموزشی در زیر ارائه می‌گردد:

- آوردن کودکان برای کار در گروه‌های کوچک؛
- شروع نظام "همراهی" - قرار دادن کودکان به‌صورت جفت‌جفت برای حمایت از یکدیگر، مثل قرار دادن کودکی که در یادگیری مشکل دارد در کنار کودکی که آسانتر می‌آموزد؛
- آموزش تیمی - برای این‌کار یک فرد بزرگسال می‌تواند در کلاس حرکت کند تا به کسانی که مشکل دارند کمک نماید؛
- ساخت و تهیه وسایل و تجهیزات یادگیری از مواد و مصالح محلی مثل چوب، سنگ، در بطری‌ها و دانه‌ها و هسته‌ها - این‌کار به دانش‌آموزان دارای مشکلات یادگیری کمک می‌کند؛
- جستجو و به مشارکت طلبیدن فعال دانش‌آموزان، به‌ویژه کودکان معلول، دختران و کسانی که به نظر می‌رسد کمتر دخالت داده می‌شوند؛
- تاکید بر توانایی‌ها و نقاط قوت دانش‌آموزان و تحسین و ستودن آن‌ها حتی برای موفقیت‌های کوچک؛
- مداخله خانواده‌ها، دانش‌آموزان و معتمدین محل در مطالعه محتوای برنامه درسی و مشاهده این‌که آیا متناسب با زندگی دانش‌آموزان است یا خیر؟
- کاربرد ترانه و آواز، نمایش‌نامه، بازی‌ها و تصاویر برای تقویت یادگیری؛
- استفاده از زبان مشخص و تقویت کاربرد زبان مادری؛
- تشویق معلمان برای حصول اطمینان از این‌که چهره‌شان شاد باشد و در هنگام صحبت روبروی کودکان قرار گیرند، نه تخته سیاه.

در آزمون‌ها و ارزیابی ها انعطاف‌پذیری را تشویق کنید

این امر یکی از چالش برانگیزترین مقوله‌ها در هنگام ارتقای فراگیرسازی است. مدارس ممکن است نخواهند از کودکان دارای مشکلات یادگیری امتحان بگیرند، زیرا ممکن است معدل نمرات مدارس را کاهش دهد. نظام‌های آزمون و ارزیابی اغلب خیلی سخت و غیرقابل دسترس است. با این وجود، نمونه‌های بسیاری از کودکان معلول و دارای مشکلات یادگیری به گونه‌ای عمل کرده‌اند تا در آزمون‌ها و ارزیابی با موفقیت شرکت نمایند. برخی از پیشنهادات زیر عبارت است از:

- استفاده از " کاغذ پیش نویس"، ضبط صوت یا سایر وسایل صوتی
- اختصاص وقت بیشتر
- انجام ارزیابی بر اساس توانایی‌ها
- کاربرد فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات
- استفاده از معلمان زبان اشاره، خط بریل یا چاپ درشت خط

اغلب کودکان باهوش و معلول از ارزیابی و آزمون محروم می‌شوند. برنامه‌های CBR می‌توانند با مذاکره و حمایت طلبی معلمان و کارکنان در سطوح مختلف نظام آموزشی تأثیر بگذارند و بر حقوق کودکان معلول جهت مشارکت به‌دور از تبعیض تاکید نمایند. هدف نهایی، توسعه روش‌های انعطاف‌پذیر و قابل دسترسی ارزیابی و آزمون است، این‌کار هم‌چنین به همه کودکان کمک خواهد کرد.

ارتقای همکاری و حمایت

برنامه‌های CBR می‌تواند همکاری و حمایت فیمابین همسالان را از طریق پیوند بین مدارس و معلمان که آموزش فراگیر را تدوین و اجرا می‌کنند، تقویت نمایند. سایر فعالیت‌های پیشنهادی در زیر ارائه می‌گردد:

- تشویق به استفاده از داوطلبان، مثل معلمان بازنشسته یا اقوام، تا با ارائه برنامه درسی انعطاف‌پذیر و استفاده از وسایل کمک آموزشی، آموزش ابتدایی فراگیر را تسهیل نمایند؛
- تشویق مدیران یا انجمن‌های معلمان برای تبادل تجارب و حمایت از فراگیرسازی؛
- تشویق توسعه فعالیت‌های فوق برنامه و باشگاه‌ها برای حمایت از همسالان و توسعه فعالیت‌ها جهت افزایش آگاهی درباره معلولیت؛
- شناسایی الگوها از طریق سازمان‌های معلولان برای کار با کودکان مدرسه.

از منابع موجود استفاده کنید و حمایت را توسعه دهید

این موضوع شامل موارد زیر است: ۱) ایجاد محیط یادگیری موثر برای همه کودکان با استفاده از منـابع محلـی موجـود ۲) حصول اطمینان از قابلیت دسترسی امکانات تخصصی که برخی کودکان معلول به منظور مشارکت و آموختن نیاز دارند.

منابع و حمایت محلی را به‌کار بگیرید

- دانش و مهارت‌های کودکان، معلمان، افراد معلول، خانواده‌ها و اعضای جامعه را کشف و استفاده کنید.
- ساخت و تهیه وسایل و تجهیزات آموزشی از مواد و لوازم محلی را، همان‌گونه که در بالا اشاره شد، مورد تقویت قرار دهید.
- به‌کارگماری معلمان سیار را تشویق کنید – این افراد می‌توانند داوطلبان، از قبیل معلمان بازنشسته باشند یا به‌وسیله برنامه‌های CBR یا وزارت آموزش و پرورش به کار گرفته شوند؛ آن‌ها می‌توانند نقش بسیار مؤثری را در برقراری ارتباط و پیوند بین خانواده‌ها، مدارس و جوامع ایفاء نمایند، و بر جنبه‌های خاص از جمله بهبود کیفیت آموزش (مثل تشویق آموزش تیمی)، و کمک به همه کودکان برای یادگیری، تمرکز نماید تا این‌که صرفا بر کودکان معلول تاکید کند.
- پیشنهاد دهید که هنرمندان، موسیقی‌دان‌ها و داستان‌سرایان محلی، در ایجاد محیط یادگیری که برای کودکان جذاب‌تر و مورد علاقه‌تر است دخالت داده شوند.

دسترسی به منابع و امکانات تخصصی را آسان سازید

برنامه‌های CBR لازم است اطمینان یابند که کودکان معلول قادرند به منابع و امکانات تخصصی مورد نیاز دسترسی یابند. برخی کودکان ممکن است به امکانات و وسایل زیر نیاز داشته باشند:

- صندلی مخصوص تا به آن‌ها کمک کند وضعیت‌های عملکردی بدن را برای انجام فعالیت‌های کلاسی حفظ کنند.
- وسایل ارتباطی مثل تصاویر، نمادها، تابلوها؛
- وسایل کمک حرکتی مثل ویلچر، آتل‌ها، اندام‌های مصنوعی، عصای سفید؛
- اقدامات درمانی مثل: فیزیوتراپی، گفتاردرمانی.

برنامه‌های CBR می‌توانند به طرق زیر حمایت شوند:

- محلی نمودن منابع - این مقوله را می‌توان به آسانی از طریق کار با سازمان‌های محلی افراد معلول، کارکنان مدارس ویژه و کودکان معلولان انجام داد؛
- برقراری ارتباط بین منزل و مدرسه برای حمایت از کودکان جهت کاربرد وسایل کمکی و حصول اطمینان از این‌که تجهیزات آن‌ها با دوام، ارتقاء یافته، مناسب و کاربردی است؛
- حصول اطمینان از این‌که روش‌های ارتباطی به‌کار رفته در منزل، مدرسه و جامعه پایدار هستند، مثلا اگر زبان اشاره یا خط بریل به‌کار می‌رود، امکان دارد لازم باشد والدین، خواهران و برادران، سایر کودکان مدرسه، معلمان و همسایه‌ها علائم اصلی و مبانی خط بریل را بیاموزند؛
- تشویق تشکیل گروه‌های حمایتی همسالان، برای قادرسازی کودکان معلول جهت تعامل مهارت‌ها با دیگران، مثلاً کودک ناشنوا نیاز خواهد داشت برای توسعه مهارت‌های زبان اشاره‌اش دیگر کودکان و بزرگسالان ناشنوا را ملاقات کند.

استفاده بهینه از واحد های کوچک را تشویق کنید

واحدهای کوچک (که اتاق‌های اختصاصی برای تجهیزات نیز نامیده می‌شود) اتاق‌هایی هستند که معمولاً در مدارس ابتدایی عادی ساخته می‌شوند، و به‌طور هدفمند به ارتقای یکپارچه‌سازی کودکان معلول اختصاص داده می شوند. متأسفانه، آن‌ها اغلب جداسازی را افزایش داده و بیشتر منجر به جدایی کودکان معلول یا کودکانی که دارای مشکلات یادگیری هستند از کلاس‌های عادی می شوند.

در صورت کاربرد صحیح واحدهای کوچک می‌تواند تبدیل به منابع ارزشمندی بشوند. آن‌ها را می‌توان برای نگهداری وسایل و تجهیزات آموزشی کودک محور و حمایت موقت از گروه‌های کوچک یا افرادی که نیازمند حمایت کمی هستند، برای آموزش نحوه‌ی قابل دستیابی ساختن برنامه درسی، حمایت از والدین، و همه فعالیت‌های دیگر که فراگیرسازی را ارتقاء می بخشد، به‌کار برد. اما آن‌ها را نباید به عنوان کلاس‌های دائمی و مجزا برای کودکان معلول و دارای مشکلات یادگیری به‌کار برد- این‌کار فقط شکل دیگر جداسازی است.

کادر ۳۱ زامبیا

منبعی برای همه کودکان و معلمان

واحدهای کوچک در زامبیا یک محیط جداگانه ای را ایجاد می کرد، معلمان این واحدها، "معلمان کودن‌هاً نامیده می‌شدند. وقتی مدرسه واقعاً شروع به توجه به میزان ترک تحصیل و مردودی‌ها، حقوق کودک، مردم‌سالاری در کلاس و فراگیرسازی نمود، واحدهای کوچک به اتاق تجهیزات برای همه کودکان و معلمان تبدیل شدند.

به هدایت مدارس ویژه در جهت فراگیرسازی کمک کنید

جایی که مدارس ویژه وجود دارد، برنامه‌های CBR می‌توانند آن‌ها را تشویق کنند تا به عنوان منبعی برای فراگیرسازی استفاده شوند. برای مثال، کارکنان مدارس ویژه می‌توانند به مدارس عادی کمک کنند تا برنامه درسی را انعطاف‌پذیرتر سازند. ممکن است مدارس ویژه دانش، مهارت، وسایل و تجهیزاتی را که می‌تواند برای گروه وسیعی از کودکان مفید باشد را دارا هستند.

اگر کودکان معلول در مدارس ویژه حضور یابند، نقش برنامه‌های CBR کمک به حفظ و تداوم روابط و پیوند با خانواده‌ها، احترام به حقوق کودکان و هم‌چنین کار برای فراگیرسازی بیشتر مدارس محلی است. معلمان سیار و داوطلبان جامعه می‌توانند پیوندهای اساسی بین مدارس عادی و ویژه، خانواده‌ها و جوامع را فراهم کنند. کودکان غیرمعلول نیز می‌توانند در مدارس ویژه گنجانده شوند.

فقر را مورد توجه قرار دهید

کودکان خانواده‌های خیلی فقیر در زمره‌ی محروم‌ترین افراد در آموزش ابتدایی هستند و کودکان معلول معمولاً اعضای این خانواده‌ها هستند. با این وجود، در عین حال که فقر یک مانع مهم برای آموزش ابتدایی است، اما تجربه نشان می‌دهد که نگرش‌های منفی در مقایسه با به فقر مانع بسیار بزرگتری برای فراگیرسازی هستند. گاهی اوقات فراگیرسازی در جوامع فقیر موفق‌تر است زیرا مردم برای غلبه بر مشکلات همیشگی، با همدیگر همکاری می‌کنند و از یکدیگر مراقبت می‌کنند.

برنامه‌های CBR می‌توانند برای توجه به مقوله‌های فقر به طرق زیر کمک کنند:

- حصول اطمینان از این‌که خانواده‌ها برای تغذیه کودکان‌شان حمایت می‌شوند و جامعه یا مدارس یک وعده غذا را برای کودکان مدرسه تامین می‌کند؛
- گسترش ارتباط با مقامات محلی، افراد و سازمان‌های خیریه، تجار یا سازمان‌های غیردولتی برای اهداء مواد غذایی، روپوش‌های مدرسه و وسایل و ابزارهای آموزشی را تشویق کنند؛

- با خانواده‌ها از نزدیک کار نمایند تا کشف کنند که نگرانی‌های واقعی‌شان چیست و سپس جامعه را برای حمایت از آن‌ها بسیج نمایند؛
- تسهیل‌سازی شرکت خانواده‌ها در فعالیت‌های کسب درآمد، به‌طوری که کودکان بتوانند به جای کمک به خانواده در تأمین زندگی، آزادانه به تحصیل بپردازند (به مؤلفه معاش مراجعه نمائید)؛
- تأکید بر اهمیت فراگیرسازی وقتی منابع محدود هستند – حتی در جایی که ساختمان مدرسه وجود ندارد و دانش‌آموزان زیر درخت جمع می‌شوند، کودکان معلول می‌توانند به آن‌ها ملحق شوند؛
- کمک برای یافتن راه‌حل‌های خلاق برای ایاب و ذهاب کودکان معلول که قادر نیستند به تنهایی به مدرسه بروند و والدین وقت همراهی ندارند. سایر دانش‌آموزان (جهت حمایت همسالان)، مادر بزرگ‌ها و پدربزرگ‌ها، همسایه‌ها یا دیگر اعضای جامعه را می‌توان تشویق نمود تا فرزندانشان را به مدرسه و مجدداً به منزل ببرند، و تجار محلی یا سازمان‌های غیردولتی ممکن است بتوانند در تامین امکانات حمل و نقل کمک کنند.

کادر ۳۲ هندوستان

درک و شناخت مقوله‌های اجتماعی

یک همیار CBR در هندوستان از مادر یک کودک هشت ساله با اختلال شنوایی پرسید: "چرا بچه خود را به مدرسه ابتدایی که در مرکز خودیاری است نمی‌فرستید؟ آن مدرسه خیلی نزدیک خانه‌تان است". مادر جواب داد: "پسر من کارهای زیادی دارد که باید انجام بدهد، او لازم است بزها را برای چرا ببرد. فقط می‌توانم او را زمانی بفرستم که هیچ کاری برای انجام دادن در منزل وجود نداشته باشد" (۲۷).

شبکه سازی، دادخواهی و تبادل اطلاعات

برای ارتقای آموزش فراگیر، لازم است سطح آموزش در سطوح جامعه محلی، منطقه‌ای (استانی) و ملی تغییر یابد. فراگیرسازی بدون وجود سیاست‌های حمایتی، بودجه، ساختارها و مدیران پایدار نخواهد بود. برنامه‌های CBR می‌تواند از طریق شبکه‌سازی و ایجاد ارتباطات، و مذاکره با انجمن های معلمین و سازمان‌های افراد معلول و تشکل والدین، نماینده های سایر گروه‌های محروم و منزوی (گروه‌های زنان، گروه‌های اقلیت قومی)، کارکنان آموزش ویژه، گروه‌های مذهبی، تجار محلی، رسانه‌ها، بهداشت‌کاران، درمانگران و سازمان‌های محلی و غیردولتی بین‌المللی به این امر کمک کنند.

گروه‌های هدف بسیار زیادی برای تحت فشار قرار دادن و اعمال نفوذ وجود دارد، زیرا آموزش برای افراد خیر، دولت‌ها و نهادهای توسعه مقوله ای اصلی است. جمعیت هدف برای حمایت شامل دفاتر نهادهای خیریه از قبیل بانک جهانی و اتحادیه اروپا، سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی درگیر در آموزش، ادارات دولتی محلی و ملی و وزارت آموزش می‌باشد.

اهمیت اطلاعات را نمی‌توان بیش از حد مورد تاکید قرار نداد. برنامه‌های CBR می‌تواند نقش کلیدی در انتشار اطلاعات و منابع برای آموزش فراگیر ایفا نماید.

کادر ۳۳ زامبیا

سازگاری خوب در کلاس های عادی

معلمی در زامبیا وقتی یک خبرنامه مربوط به آموزش فراگیر را خواند متوجه شد که بچه‌ها را به اشتباه در یک واحد ویژه جا داده است. "من آن‌ها را در کلاس‌های عادی قرار دادم و آن ها کارشان را خیلی خوب انجام دادند... خبرنامه ذهنم را باز کرد. ما به این دانش‌آموزان به عنوان کودکانی که نمی‌توانند سازگاری یابند نگاه می‌کردیم". معلم، خبرنامه را برای متقاعد کردن سایر معلمان که می‌گویند کودکان معلول نمی‌توانند سازش داشته باشند استفاده کرد (۲۸).

آموزش متوسطه و عالی

مقدمه

در بسیاری از جوامع فقیر، کودکان کمی به آموزش متوسطه و عالی مثل تحصیلات بالاتر از سطح اجباری، راه می‌یابند و دانش‌آموزان معلول یا کاملاً محروم می‌شوند یا با چالش‌های دائمی برای بهبود توانایی‌هایشان مواجه گردند.

حق برخورداری از آموزش متوسطه و عالی برای دانش‌آموزان معلول در کنوانسیون حقوق معلولان مورد تاکید قرار گرفته است (ماده ۲۴، پاراگراف ۲(a)، ۲(b) و(۵) (۴). آموزش متوسطه و عالی شامل برنامه‌های دانشگاهی و آموزش فنی حرفه‌ای است. به‌رغم مشکلات و پیش‌داوری‌ها، اکنون مواردی از دانش‌آموزان معلول از جمله افراد دچار اختلالات ذهنی، مشغول آموزش در سطح بالاتر بر حسب علائق و توانایی‌هایشان هستند.

افراد محروم‌تر، اغلب افرادی هستند که بیشتر به آموزش فراتر از سطح ابتدایی نیاز دارند تا شغلی پیدا کنند و به‌طور کامل در جامعه گنجانده شوند. این بدین سبب است که محروم‌ترین و منزوی‌ترین افراد اغلب نیاز دارند تا مهارت‌ها، دانش و قابلیت‌های بیشتری نسبت به دیگرانی که در پی دستیابی به سطح مشابه از زندگی، اشتغال و فراگیرسازی هستند، داشته باشند. ممکن است برای دانش‌آموزان معلول، آموزش متوسطه و عالی مهم‌ترین دروازه برای ورود به زندگی کامل و ثمربخش باشد.

اکنون در چند کشور، ابزارهای قانونی برای موسسات وجود دارد تا قابل دسترس باشند، "مکان‌های مناسب" بسازند، "برای یادگیری حمایت‌های لازم ارائه دهند" و برنامه درسی و روش‌های ارزیابی را انطباق دهند تا مطمئن شوند که افراد معلول می‌توانند به آموزش متوسطه و عالی دسترسی یابند.

کادر ۳۴ **رواندا**

اعمال نفوذ و فشار برای برخورداری از حق آموزش عالی

در دهه ۱۹۹۰ بیش از یک میلیون نفر در جریان نسل کشی در رواندا به قتل رسیدند. در نتیجه آن بسیاری یتیم شدند و چالش های اقتصادی و اجتماعی فراوانی به‌جای ماند در سال ۱۹۹۷، مذاکرت پر شور بین اتحادیه نابینایان رواندا، اواریسته کارانگوا (مدیر مدرسه متوسطه گاهینی) و وزارت آموزش به پذیرش اولین دانش‌آموزان دارای اختلال بینایی در مدرسه متوسطه در رواندا منجر شد. در طی پنج سال بعد، همه شش دانش‌آموز نابینا ثبت نام شدند. کمیته تأمین هزینه والدین برای حمایت از آموزش این دانش‌آموزان راه‌اندازی شد. این کمیته یک طرح ابتکاری برای کسب درآمد ارائه داد، و نمایندگان مجلس، رهبران مذهبی، رهبران محلی (معتمدین محل)، والدین، معلمان و دانش‌آموزان را در این برنامه درگیر کرد تا اردوی گردشی، بازی‌ها و جشن‌های خیرخواهانه، را هدایت کنند. در نهایت با کمک های مالی توانستند یک اتاق تجهیزات، یک اتاق برای کارکنان داوطلب و اتاق مطالعه بسازند.

چند سال بعد، دانش‌آموزان اعمال نفوذ و فشار برای پذیرش در دانشگاه را شروع کردند. مدیری که پیش‌قدم این‌کار بود، اواریسته کارانگوا بود که در موسسه آموزشی کار می‌کرد و از وی درخواست شد تا تیم متشکل از ۱۲ آموزگار و فعالیت‌های آنان را رهبری کند تا فراگیرسازی این دانش‌آموزان ارتقاء یابد. روزنامه‌های محلی قبلاً گزارش کرده بودند که اکنون قانونی وجود دارد که دانشگاه‌ها باید دانشجویان معلول را بپذیرند. فدراسیون ملی معلولان فهرستی بالغ بر ۲۵۰ دانش‌آموز معلول را که قابلیت‌های لازم را داشتند، اما نمی‌توانستند به دانشگاه دسترسی یابند را تهیه کرد.

یک طرح مرحله‌بندی شده ارائه گردید و بعد از یک سال، دانش‌آموزان دارای اختلال های شنوایی، بینایی و حرکتی در دوره‌های آموزشی دانشگاه مثل حقوق، زبان، روزنامه‌نگاری، مطالعات و آموزش پزشکی ثبت نام شدند. دوره‌های اطلاعات رسانی و افزایش آگاهی برای کارکنان ترتیب داده شد. سمیناری در زمینه خط بریل برگزار شد. انجمن دانش‌آموزان معلول نمایشی را درباره "انکار حق آموزش و تأثیر آن بر مشارکت در جامعه" به اجرا گذاشت. وزیر اسبق آموزش و پرورش که برای فراگیرسازی اعمال نفوذ کرده بود حضور یافت. همه حضار در توصیف دانشجویان معلول که به‌عنوان وکیل، مدیر، اپراتور کامپیوتر و سایر تخصص‌ها کار می‌کردند، شگفت زده شده بودند. افراد معلول در رواندا به دفاع از حق دائمی خویش برای برخورداری از آموزش عالی ادامه می‌دهند.

هدف

دانش‌آموزان معلول باید به‌همراه دیگران بیاموزند و قابلیت‌ها، مهارت‌ها و تجارب فردی کسب کنند، و فرصت‌های امرار معاش، توانمندسازی و فراگیرسازی خویش را تسهیل سازند.

نقش CBR

نقش برنامه‌های CBR در آموزش متوسطه و عالی عبارت است از تسهیل فراگیرسازی با دسترسی بیشتر، مشارکت و موفقیت برای دانش‌آموزان معلول و کار با مقامات محلی جهت قابل دسترس ساختن محیط و انعطاف‌پذیر نمودن برنامه درسی است.

پیامدهای مطلوب

- افزایش ثبت نام، تداوم و تکمیل آموزش متوسطه و عالی توسط دانش‌آموزان معلول.
- دانش‌آموزان معلول به کمک‌های بلاعوض دولت و کمک هزینه تحصیلی و سایر منابع مالی دسترسی دارند و والدین و جامعه محلی از دانش و مهارت کافی برای نحوه دسترسی به این حمایت ها برخوردار هستند.
- جوامع از مذاکره و فعالیت‌های مربوط به دسترسی برابر به آموزش حمایت می‌کنند.
- خانواده‌ها و جوامع، فرزندانشان از جمله کودکان معلول را تشویق می‌کنند تا آموزش متوسطه و عالی را ادامه دهند.
- برنامه‌های آموزش متوسطه و عالی بر حسب محیط، روش‌های آموزشی، برنامه درسی، فعالیت‌های فوق برنامه (مثل ورزش، تفریح ، موسیقی) و نظام‌های ارزیابی و آزمون، قابل دسترس هستند.
- مدارس متوسطه در رابطه با تنوع معلولیت و فراگیرسازی از تجارب معلولان می‌آموزند، و مهارت‌های مورد نیاز برای جامعه فراگیر را توسعه می‌دهند.
- منابع و امکانات تخصصی برای افزایش فراگیرسازی دانش‌آموزان معلول به‌طور صحیح به‌کار برده می‌شود.
- انتقال و گذار بین برنامه‌های آموزش متوسطه/عالی به زندگی بزرگسالی به خوبی مورد حمایت قرار می‌گیرد و راهنمایی شغلی قابل دسترس و فراگیر است.

مفاهیم کلیدی

تغییر نظام آموزشی

همانند سایر اجزای آموزش، کار برای تغییر نظام آموزشی مناسب برای دانش‌آموزان بسیار مهم است. با این وجود، نظام‌های آموزشی متوسطه و عالی در سطح ملی می‌توانند بسیار سخت، خشک و کنترل شده باشند که این‌کار جوامع و برنامه‌های CBR را برای داشتن هرگونه تاثیر، دچار چالش می‌سازد. برای تغییرات بزرگ و مستمر مورد نیاز صرفاً کارکنان CBR نمی‌توانند به هدف برسند، این کارکنان در عوض لازم است ارتباطات، و شبکه سازی را تسهیل نمایند و در اعمال نفوذ مشارکت کنند تا از تأثیرگذاری آن برای دانش‌آموزان معلول اطمینان حاصل شود. مضافاً این‌که خصوصی‌سازی

آموزش متوسطه و عالی، چالش دیگر برای برنامه‌های CBR ایجاد می‌کند چرا که باید اطمینان حاصل نمایند که این آموزش ها برای دانش‌آموزان معلول فقیر نیز قابل دسترسی باشد.

انتظارات پایین به عنوان یک مانع

مانع اصلی در آموزش بیشتر دانش‌آموزان معلول انتظارات پایین و محدود دیگران در رابطه با علائق، توانایی‌ها و تلاش آن‌هاست. برای مثال، کارکنان CBR نیز اغلب در مورد مهارت‌های خاص و فعالیت‌های شغلی افراد معلول چنین فکری کنند. این مسئله به این موضوع برمی گردد که در مناطق اجرایی CBR، اغلب تصور می شود که افراد معلول فقط قابلیت انجام کارهایی مثل جارو کشیدن، تی کشیدن و جمع آوری زباله را دارند. از این رو برداشت‌ها و انتظارات درباره افراد معلول لازم است تغییر یابد. امروزه در دنیا، افراد معلول به قله بسیاری از تخصص‌ها دست یافته‌اند و بالاترین قابلیت‌ها را کسب نموده‌اند.

کادر ۳۵ شیلی

هم‌کلاسی‌های دیوید

در شیلی، در شهر سانتیاگو، دانش‌آموزان غیرمعلول در بعضی کلاس‌ها از همکلاسی‌های معلولشان مراقبت می‌کردند، منتظرشان می‌شدند و در هر امری به آن‌ها کمک می‌کردند. کمک خیلی زیاد به این دانش‌آموزان، مانع رشد استعداد و توانایی‌هایشان می‌شد. در یکی از کلاس ها، دیوید، دانش‌آموز دچار سندرم داون، همکلاسی‌هایی داشت که از معلولیت وی آگاهی داشتند اما خیلی از او مراقبت نمی‌کردند. وقتی دیوید به‌رغم مشکلات، شروع به خواندن با صدای بلند نمود، همکلاسی‌هایش از او خواستند که این‌کار را بیشتر انجام دهد. از این رو دیوید دوست داشت به کلاس برود و تقریباً هرگز غیبت نمی‌کرد. بعد از تکمیل مدرسه عادی روزانه، وی سه روز در هفته، برای دریافت مشاوره روانشناسی به مرکزی می‌رفت و در کارگاه آموزشی درباره مهارت‌های اجتماعی و توسعه شغلی شرکت می‌کرد (۲۹).

پیشرفت و ارزیابی

پیشرفت برای هر دانش‌آموز با توجه به ظرفیت‌ها و توانایی‌هایش معانی متفاوت دارد. برای مثال، برای دانش‌آموز با اختلال هوشی، موفقیت ممکن است به معنی توسعه موفق مهارت‌ها برای زندگی مستقل، مهارت‌های اجتماعی و حساب عملی و مهارت‌های سوادآموزی باشد، درحالی‌که برای دیگران موفقیت ممکن است در رابطه با فعالیت‌های تحصیلی باشد. مهارت‌های فنی، شغلی، هنری و خلاقانه باید همانند توانایی های علمی ارج نهاده شوند.

سختی و موشکافی نظام‌های سنجش و ارزیابی غالبا به‌صورت چشمگیری مانع از فراگیرسازی افراد معلول در تحصیلات متوسطه و عالی است. ارزش واقعی ارزیابی کمک به دانش‌آموز جهت شناسایی نقاط قوت و اندازه‌گیری پیشرفت آن‌ها است. رویکرد خلاق و انعطاف‌پذیر می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا برای رسیدن به حداکثر توانایی‌شان و رشد استعدادها و مهارت‌هایشان برانگیخته شوند. کارکنان CBR می‌توانند به تأکید بر علائق و قابلیت‌های دانش‌آموزان معلول کمک کنند.

یادگیری در سنین مختلف

آموزش متوسطه هم زمان با دوره نوجوانی است، مرحله‌ای که به‌وسیله تغییرات جسمی و عاطفی مشخص می‌شود. تجارب این دوره در بین فرهنگ‌ها متفاوت است. برای دانش‌آموزان معلول، دوره نوجوانی با چالش‌های اضافی یا مختلف می‌تواند همراه باشد و می‌تواند تاثیر زیادی بر یادگیری داشته باشد. کارکنان CBR لازم است به این چالش‌ها حساس و آگاه باشند، و دانش‌آموزان را در تماس با الگوها و همسالانی که دارای معلولیت هستند، قرار دهند. آموزش عالی مصادف با انتقال به دوره بزرگسالی است. دانش‌آموزان معلول ممکن است در طول این مرحله نیازهای حمایتی داشته باشند، اما احترام به آن‌ها به‌عنوان بزرگسالان جوان و تشویق آن‌ها برای گرفتن تصمیمات درباره یادگیری شان مهم است.

فعالیت‌های پیشنهادی

مداخله جامعه

این‌کار می‌تواند چالش برانگیز باشد زیرا اغلب تسهیلات آموزش متوسطه و عالی فاصله زیادی از دارند. برنامه‌های CBR می‌توانند از طرق زیر کمک نمایند:

- تشویق جامعه و مقامات مدرسه برای سازماندهی امکانات ایاب و ذهاب - این امر ممکن است نیازمند کمک مالی از گروه‌های معتبر و حمایت عملی از سوی گروه‌های خودیار و دادخواهی ازخود باشد (به مؤلفه امرار معاش مراجعه نمایید)؛
- بسیج جامعه برای گردآوردی امکانات مالی به‌خاطر هزینه‌ها، لباس‌های فرم، وسایل کمکی و حمایت اضافی، و تشویق آن‌ها برای شناسایی دانش‌آموزان معلول به عنوان منبعی برای جامعه؛
- امکان دسترسی به کمک‌های بلاعوض و وام‌های دولتی، و تامین بودجه از سوی موسسات خیریه ـ منابع دولتی به واسطه عدم آگاهی و توانایی برای دسترسی به آن‌ها اغلب دست نخورده می‌مانند؛
- تسهیل اعمال نفوذ و تشکیل گروه‌های حمایتی با همراهی سازمان‌های محلی معلولان برای ارتقای حقوق دانش‌آموزان معلول در آموزش متوسطه و عالی.

کادر ۳۶ نپال

سرمایه‌گذاری برای آموزش فراگیر

برای راه‌اندازی آموزش فراگیر در نپال، صندوق‌هایی برای تشکیل یک کلاس تجهیزات دایر شد؛ خرید مواد و تجهیزات، اسباب و اثاثیه و اجاره محل، تهیه هزینه غذای دانش‌آموزان معلول، استفاده از یک معلم با آموزش ویژه، و حمایت برای تهیه وسایل کمکی انجام گرفت. شورای آموزش ویژه هزینه به کارگیری برای پنج کارمند محلی را فراهم می‌کند. یک گروه سرمایه‌گذاری خصوصی و سازمان‌های غیردولتی دانش‌آموزان معلول را مورد حمایت قرار می‌دهند.

حمایت خانواده

بعضی خانواده‌ها ممکن است نسبت به استفاده دانش‌آموزان معلول از تحصیلات متوسطه یا عالی، کاملا مقاوم باشند یا برای مراقبت بیش از حد احساس دین کنند یا توانایی‌های آن‌هارا باور نداشته باشند، نسبت به خواهر و برادرها بی میل باشند و برای آموزش زنان ارزشی قائل نشوند. این‌ها تردیدها، مشکلات و ناسازگاری‌هایی هستند که خانواده لازم است آن ها را رفع نمایند. کارکنان CBR می‌توانند خانواده‌ها را آموزش داده و آن‌ها را حمایت نمایند، به‌طوری‌که آن‌ها حمایت از دانش‌آموزان معلول را، هم در طول دوران آموزش و هم در طی دوره‌های انتقال دنبال نمایند.

کادر ۳۷ اوکراین

مداخله والدین

در اوکراین، والدین در یک مدرسه متوسطه فراگیر برای ۱۰۰۰ دانش‌آموز مداخله فعال می‌نمایند. فعالیت‌های آن‌ها شامل ایجاد باشگاه‌های والدین دانش‌آموزان معلول است که حمایت همتایان را برای والدین فراهم نموده و کتابچه‌هایی درباره نیاز به آموزش و فواید آن تهیه می‌کند؛ گردهمایی یک‌روزه والدین در هر ماه شامل برنامه های نمایشی، شرکت والدین در کلاس‌های فراگیرسازی؛ و گردهمایی‌های تیمی می شود، که در آن والدین، متخصصان توانبخشی، مدیران و معلمان مدارس گردهم می‌آیند تا درباره پیشرفت دانش‌آموزان بحث و تبادل نظر کنند.

کمک به ایجاد یک محیط یادگیری فراگیر

بسیاری از فعالیت‌های فهرست شده در بحث آموزش ابتدایی نیز در آموزش متوسطه و عالی مشترک هستند. از سوی دیگر موضوعات ویژه‌ای نیز در آموزش متوسطه و عالی وجود دارد که در زیر ارائه می گردد.

محیط و محل

مکان‌های آموزشی دوره متوسطه و عالی اغلب بزرگتر از مدارس ابتدایی هستند و در شهرهای بزرگ گسترش می‌یابد. رفت و آمد بین کلاس‌ها هم‌چنین دسترسی به امکانات کلاس‌ها، مثلا آزمایشگاه‌ها یا اتاق‌های کامپیوتر می تواند مسئله ساز باشد. از این رو فعالیت‌های زیر پیشنهاد می‌گردد:

- مذاکره با مقامات مدرسه برای تغییر محل کلاس‌ها به‌طور مثال انتقال به طبقه همکف؛
- حمایت دانش‌آموزان معلول برای خلاقیت در زمینه دسترسی به موارد مذکور؛
- حصول اطمینان از این‌که دختران و زنان جوان به توالت و آب بهداشتی دسترسی دارند.

برنامه درسی و روش‌های آموزشی

معلمان نیاز به آموزش و حمایت، و محیطی دارند که بتوانند درباره موفقیت و چالش‌هایشان درباره آموزش دانش‌آموزان معلول بحث و تبادل نظر کنند. برنامه‌های CBR لازم است با معلمان و دیگران در بخش آموزش همکاری کند تا توصیه ها و تجهیزات لازم را تا جایی که ممکن است فراهم نماید. برخی فعالیت‌های پیشنهادی در زیر ارائه می‌شوند:

- کمک به انطباق و تدوین برنامه های درسی برای متناسب و قابل دستیابی ساختن آن ها.
- مشاوره درباره سازماندهی کلاس‌ها، مثل صندلی، نور و وضعیت قرار گرفتن دانش‌آموزان، و تشویق کار گروهی و آموزش تیمی.
- کمک به ایجاد چارچوب‌های قابل دستیابی و نظام‌های ارتباطی، و اطمینان از این‌که حروف درشت، خط بریل، تخته علائم، معلم زبان اشاره، نوار ضبط صوت، وسایل صوتی کتاب، و مترجم وجود دارند (به مؤلفه سلامت : جزء وسایل کمکی مراجعه نمائید).
- تتشویق به ارائه جدول زمان بندی انعطاف‌پذیر، مثل دادن زمان بیشتر برای تکمیل فعالیت‌ها، تامین فرصت‌هایی برای یادگیری در زمان‌های مختلف، یادگیری به‌صورت واحدی، طوری‌که برنامه درسی را بتوان در طی دوره طولانی‌تر تکمیل کرد.
- حصول اطمینان از این‌که دانش‌آموزان معلول در بحث‌های مربوط به یادگیری‌شان، حمایت از خواسته‌ها و پیشرفت مداخله می‌نمایند، از جمله جستجو و پاسخ‌دهی به گزینه‌های افراد درباره این‌که چگونه و چه چیزی بیاموزند، و پذیرفتن حد توانایی هر دانش‌آموز از طریق پیش بینی و تدارک مشاوره و راهنمایی شغلی.

سنجش و ارزیابی

نظام‌های سنجش و ارزیابی را می‌توان انعطاف‌پذیرتر و سازگارتر نمود تا بتوان نیازهای همه دانش‌آموزان را برآورده نمود.

کادر ۳۸ نپال

حصول اطمینان از نظام‌های آزمون انعطاف‌پذیر

مدرسه متوسطه در نپال شامل دانش‌آموزان با اختلالات بینایی است. این دانش‌آموزان آزمون‌هایشان را همراه با سایر دانش‌آموزان برگزار می‌کنند. ورق‌های امتحانی به خط بریل وجود دارد، راهنمای کاتب فراهم می‌شود، و نیم ساعت وقت اضافی برای تکمیل امتحان به آن‌ها داده می‌شود.

فن آوری اطلاعات و ارتباطات

در سطح عالی‌تر آموزش به‌طور خاص، فن‌آوری کامپیوتر می‌تواند ابزارهای خلاقانه و موثر برای یادگیری و دسترسی به برنامه درسی را ارائه دهد. برنامه‌های CBR می‌تواند امکان کمک‌های بلاعوض یا تسهیلات مالی را از جوامع محلی، تجار، موسسات دولتی و بین‌المللی را کشف کند تا کامپیوتر و ترجیحاً دارای امکانات ارتباط اینترنتی را برای دانش‌آموزان معلول تهیه نماید.

حمایت همسالان و الگوسازی

بسیاری از دانش‌آموزان ممکن است قبلاً همراه با دانش‌آموزان معلول درس نخوانده باشند. در نتیجه، نگرش‌ها و واکنش‌های آن‌ها نیز می‌تواند متفاوت باشد ـ همکلاسی‌ها می‌توانند حمایت گر باشند و بالغانه رفتار کنند باشند، یا می‌توانند به شکلی رفتار کنند که دانش‌آموزان معلول را منزوی سازند. برنامه CBR می‌تواند:

- مدارس را تشویق کند تا دانش‌آموزان را نسبت به این موضوع حساس نمایند، ترجیحا با رهبری یک فرد بزرگسال معلول؛
- سیاست‌ها و روش‌های اجتناب از تبعیض، زورگویی و دست انداختن توسط معلمان و دانش‌آموزان را گسترش داده و تقویت نماید؛
- حمایت از همسالان و نظام‌های "دوستی" را مورد تشویق قرار دهد؛
- مدارس/ دانشکده‌ها را برای به‌کارگماری کارکنان و معلمان معلول تشویق نماید - الگوهای مثبت برای معلولان جوان بسیار مهم است.

کادر ۳۹ آفریقای جنوبی

برای دانش‌آموزان الگو باشید

در کیپ تاون یک زن معلول، واحد حمایت از معلولین را در دانشگاه راه اندازی کرد. از آن‌جا که وی معلولیت داشت، به آسانی قادر بود نیازهای دانش‌جویان معلول را درک کند، و نقش حمایتی مهمی را ایفاء نماید و یک الگو بشود.

کاربرد بهینه منابع و حمایت های تخصصی را تقویت کنید

برنامه‌های CBR می‌توانند مدارس و دانشکده‌ها را برای استفاده درست از منابع ویژه تشویق کنند، بدین ترتیب، به‌جای افزایش انزوا و جداسازی دانش‌آموزان معلول، فراگیرسازی آن‌ها را افزایش دهند. برنامه ها می‌تواند استفاده از موارد زیر را تقویت کنند:

- دستیاران خصوصی مثل راهنماها، خوانندگان، نویسندگان، مترجمان؛
- معلمان سیار که بازدیدهای منظم از مدارس را انجام می‌دهند تا بتوانند راهنمایی و حمایت نمایند؛
- حمایت اضافی بیرون از مدرسه عادی مثل کسب مهارت‌های کامپیوتر یا دیگر مهارت‌های حرفه‌ای، یا حمایت پزشکی و توانبخشی.

کادر ۴۰ نپال

آماده‌سازی دانش‌آموزان برای کلاس‌های عادی

وقتی دانش‌آموزان معلول در مدرسه متوسطه نپال شروع به تحصیل می‌کنند، ابتدا در یک کلاس اختصاصی قرار داده می‌شوند. در آن‌جا در زمینه مهارت‌های حرکتی، اجتماعی و آموزشی پایه آموزش مورد نیاز را دریافت می‌کنند تا در کلاس عادی حضور یابند. آن‌ها معمولاً در این کلاس به مدت یک سال، متناسب با سرعت یادگیری حضور می‌یابند، بعد از آن به همسالانشان در کلاس‌های عادی با معلمان عادی ملحق می‌شوند. معلمی که آموزش ویژه دیده است کمک به دانش‌آموزان معلول را ادامه می‌دهد تا کتاب‌های مناسب را دریافت کند، مثلاً مطالب به بریل ترجمه شود و یا اگر کتاب ها قابل استفاده هستند خدمات پشتیبانی را برای آن ها فراهم کند و به هدایت آن ها در آموزش رسمی کمک نماید. این معلمان هم‌چنین با معلمان کلاس عادی برای حل همه مشکلاتی که دانش‌آموزان معلول با آن مواجه می‌شوند هماهنگی می‌کنند.

مدارس ویژه

مدارس ویژه، مثل مدارس نابینایان و یا ناشنوایان لازم است توسط دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان خیلی به دقت مورد توجه قرار گیرند. آموزش فراهم شده توسط این مدارس ضرورتا مناسب‌تر یا از کیفیت بالایی برخوردار نیست. این که مدارس ویژه چقدر دانش‌آموزان معلول را برای زندگی بزرگسالی و مشارکت و اشتغال در جامعه آماده می کنند باید مورد توجه قرار گیرد. از آن‌جاکه مدارس ویژه به سطوح بالایی از منابع، آموزش و زیرساخت‌های حمایتی نیازمند هستند، اغلب در کشورهای فقیرتر وجود ندارند. با این وجود در مکان‌هایی که وجود دارند، دیدگاه‌های دانش‌آموزان باید لحاظ گردد. برنامه‌های CBR می‌توانند استفاده از این مدارس را به عنوان گام گذرا و موقتی یا آماده‌سازی در نظر بگیرند تا زمانی که مدارس محلی برای ارائه آموزش کیفی به دانش‌آموزان معلول آماده شوند بسیار مهم است که به خاطر داشته باشید هر چه زودتر باید فراگیرسازی انجام گیرد، چرا که در درازمدت برای فرد آسان‌تر و بهتر خواهد بود.

کمک به سهولت دوره های گزار

این مطلب یک موضوع کلیدی است و اغلب نادیده گرفته می‌شود. دوره‌های گذار در طول آموزش شامل گزار از مقطع ابتدایی به متوسطه، متوسطه به تحصیلات عالی، تحصیلات عالی به اشتغال پایدار است. غالباً دانش‌آموزان معلول برای تکمیل آموزش بالاتر از جوامع خودشان دور می‌شوند. این امر دوره‌های گذار را مشکل‌تر می‌سازد، و ممکن است بدون

کادر ۴۱

تسهیل دوره‌های گذار برای جلوگیری از ترک تحصیل

پژوهش نشان می‌دهد به سبب دوره‌های انتقالی ضعیف، بسیاری از دانش‌آموزان معلول در ادامه تحصیلات دانشگاهی دو برابر همسالانشان ناکام می‌مانند (۳۰).

حمایت خانواده‌ها و جوامع بسیار چالش برانگیز باشد.
برنامه‌های CBR می‌تواند با دانش‌آموزان، خانواده‌ها، اعضای جامعه و موسسات آموزشی همکاری نماید تا اطمینان یابند که در سرتاسر دوره‌های گذار پیوندهای حمایتی ایجاد و تداوم می یابند. موردی از رواندا که در آغاز این مؤلفه آمده است، نشان می دهد که چگونه همکاری و اعمال نفوذ به گزار موفق کمک می کند.

کادر ۴۲ فیلیپین

عزم و اراده چری، احترام به دنبال می آورد

چری در فیلیپین در یک خانواده فقیر کشاورز، با تغییر شکل‌های مفصلی پاچنبری متولد شد. او با کمک یک فرد خیر و برنامه CBR تحت عمل جراحی قرار گرفت و یک کفش مخصوص دریافت کرد. وقتی که به مدرسه ابتدایی رفت، وی مورد تمسخر قرار می گرفت و از مشارکت در فعالیت‌ها با سایر دانش‌آموزان محروم می شد. با کمک خانواده، کارکنان CBR و اراده خودش، چری درس‌هایش را به رغم تبعیض ادامه داد.

با وی در دبیرستان با او بهتر برخورد می شد، و یک سازمان غیردولتی محلی هزینه‌های آموزشی شامل ایاب و ذهاب، لوازم ضروری مدرسه و حتی خدمات پزشکی و بهداشتی را فراهم نمود. بعد از دبیرستان، به وی کمک هزینه تحصیلی (بورسیه) داده شد تا دوره دو ساله دانشگاه در زمینه برنامه‌های کاربردی کامپیوتر را تکمیل کند. چری اکنون به مانند همسالانش در بازار آزاد کار می‌کند.

چری می‌گوید : "اکنون من از برداشت محصول کارم احساس غرور می‌کنم. اکنون به خانواده‌ام از نظر مالی کمک می‌کنم و می‌توانم لوازم ضروری شخصی‌ام را تأمین کنم. درک افرادی که در جامعه ما سابقاً به من خیره می‌شدند و می‌خندیدند نسبت به من تغییر کرده است. اکنون می‌توانم تحسین را در چشمانشان ببینم که من حتی با معلولیت توانستم به وضعیتی که الان دارم، برسم. اعتماد به نفس و اطمینان من افزایش یافته است و به من قدرت کافی می‌دهد تا با مشکلاتی که ممکن است پیش بیاید، روبرو شوم".

آموزش شبه رسمی

مقدمه

آموزش شبه‌رسمی به آموزشی اطلاق می‌شود که خارج از نظام رسمی مدرسه اتفاق می‌افتد. این نوع آموزش اغلب به معانی دیگر با اصطلاحاتی از قبیل آموزش در جامعه، آموزش دوره بزرگسالی، آموزش مادام‌العمر و آموزش ثانویه به‌کار می‌رود. این به دامنه وسیعی از ابتکارات آموزشی در جامعه اشاره دارد و وسعت آن از یادگیری مبتنی بر منزل تا تمهیدات دولتی و ابتکارات جامعه محلی است و شامل دوره‌های آموزشی توسط موسسات معتبر و یا آموزش در جامعه محلی با امکانات مالی محدود است.

از آن‌جاکه آموزش شبه‌رسمی دارای تنوع است، این جزء ممکن است دارای جنبه‌های مشترک با سایر اجزاء به‌ویژه یادگیری مادام‌العمر باشد. بر اساس اهداف کتاب های راهنما، این جزء بر آموزش شبه‌رسمی برای کودکان و جوانان در بیرون از نظام عادی مدرسه تمرکز می‌کند. با این وجود، کارکنان CBR لازم است آگاه باشند که آموزش شبه‌رسمی محرومیت و برچسب زدن را تقویت نکند از این رو، در صورت امکان نباید به‌عنوان تنها گزینه برای کودکان معلول ارائه شود. فراگیرسازی در مدرسه عادی باید به عنوان حق هر کودک در اولویت قرار گیرد.

با وجود این‌که آموزش شبه‌رسمی اغلب به عنوان یک گزینه دوم نسبت به آموزش رسمی مورد توجه می گیرد، باید دقت نمود که می‌تواند در مقایسه با آموزش عادی در مدارس رسمی، آموزش با کیفیت تری را فراهم کند. آموزش شبه‌رسمی می‌تواند یک جایگزین مقدماتی، تکمیلی یا عالی (در جای ضروری) نسبت به تحصیل رسمی برای کلیه کودکان باشد.

ایجاد محیط‌های یادگیری جذاب و انعطاف‌پذیر

کمیته پیشرفت مناطق روستایی بنگلادش بالغ بر ۵۰۰۰۰ مدرسه پیش دبستانی و ابتدایی را در سرتاسر بنگلادش اداره می‌کند، و به بیش از ۱/۵ میلیون کودک خدمت می‌دهد. مدارس مذکور معمولا یک اتاقه است و از بامبو یا خانه‌های خشت و گلی ساخته شده است و در فاصله یک کیلومتری از منازل دانش‌آموزان قرار دارد. آن‌ها معمولاً در یک زمان مناسب شروع می‌شوند؛ بعضی مدارس حدود ۶ بامداد شروع و در دو شیفت کار می‌کنند.

از سال ۲۰۰۳، این مدارس با تکیه بر فلسفه فراگیرسازی اداره شده‌اند : "فراگیرسازی رویکردی است که نیازهای همه فراگیران را در کلاس‌های عادی از جمله فراگیران با نیازهای ویژه، کودکان بومی، کودکان معلول، دختربچه‌ها و کودکان فقیر را مدنظر قرار می‌دهد." این مدارس برنامه زمان بندی انعطاف‌پذیر دارند که سازگاری با زندگی روستایی را مطمئن می‌سازد. معلمان محلی استخدام می‌شوند و جامعه در تدوین جداول زمانی، انتخاب محل برای مدرسه و تامین کار و مصالح برای ساخت کلاس‌ها مداخله می‌نماید. روش‌های آموزشی فراگیر محور و مشارکتی هستند، موسیقی، هنر، بازی‌ها و داستان‌سرایی مورد استفاده قرار می‌گیرند. برخی از مدارس برای کودکانی هستند که هرگز در مدارس رسمی حضور نیافته‌اند، و دیگران بر کودکانی که ترک تحصیل کرده‌اند تمرکز می‌نمایند.

کودکان زمانی که دوره‌های آموزشی را در این مدارس تکمیل کردند به مدارس رسمی می‌روند سازمان‌های غیردولتی تخصصی در زمینه معلولیت و دولت به این کمیته کمک می‌کنند تا موانع فراگیرسازی را با ساخت مدارس قابل‌دسترس و سایر کارکنان رفع نمایند؛ موضوعات و روش‌های آموزشی یادگیرنده محور شامل پوسترها و کتاب‌های داستان است که آگاهی را افزایش می‌دهد ـ طوری که کل محیط را "دوست‌دار معلولان" می‌سازد.

هدف

افراد معلول بتوانند دانش و مهارت‌هایی را که به بهبود کیفیت زندگی آن‌ها کمک می‌کند، توسعه دهند.

نقش CBR

نقش CBR کار با برنامه‌های آموزش شبه‌رسمی برای حصول اطمینان از این است که معلولان قادر شوند در مجموعه‌های آموزشی فراگیر به فرصت‌های آموزش متناسب با نیازها و علائق‌شان دسترسی یابند.

پیامدهای مطلوب

- افراد معلول در برنامه‌های آموزش شبه‌رسمی مشارکت می‌کنند و سواد، توانایی حساب و شمردن، و سایر مهارت‌هایی را که به شرایط زندگی بهتر آنان کمک می‌کند می‌آموزند.
- برنامه‌های شبه‌رسمی افراد معلول را دربرمی‌گیرد و نیازهایشان را در طول طراحی برنامه مورد توجه قرار می‌دهد.
- افراد معلول، اعضای خانواده، سازمان‌های معلولان و انجمن‌های والدین در تصمیم‌گیری و اجرای برنامه‌های آموزش شبه‌رسمی دخالت می دهند.
- یادگیری مبتنی برمنزل به‌صورت مکمل، یا برای آماده سازی و یا به‌عنوان جایگزین مدرسه رسمی وجود دارد.
- همبستگی اجتماعی تقویت می شود، دانش‌آموزان معلول و غیرمعلول با همدیگر تعامل دارند و دوستی‌ها را رشد و توسعه می‌دهند.

مفاهیم کلیدی

آموزش شبه‌رسمی اصول مهم زیر را بیان می‌دارد که باید در درون همه آموزش های خوب وجود داشته باشد. آموزش شبه‌رسمی دربرگیرنده همه موارد زیر است:

مرتبط با زندگی دانش آموز و نیازهای جامعه و آینده خواهد بود. سازوکارهایی برای مداخله کودکان، والدین و جوامع محلی هم‌چنین آموزگاران در تصمیم‌گیری در مورد محتوای آنچه آموزش داده می‌شود، باعث می شود که آموزش شبه‌رسمی متناسب با نیازهای جوامع و بر اساس منابع و کارکنان محلی باشد.

متناسب با سطح توانایی دانش آموز، محتوا و تجارب جدیدی را در هنگامی که دانش آموز آمادگی دارد، ارائه می‌دهد. آموزش، "دانش آموز محور" و با "هدایت دانش‌آموز" می باشد.

انعطاف پذیر در خصوص محتوا و نحوه آموزش، و نیازهای دانش آموزان مختلف مثل بزرگسالان و کودکانی است که در خیابان زندگی می‌کنند، بیمار هستند، در زندان به‌سر می‌برند، معلولیت دارند یا قربانیان درگیری‌ها یا شرایط اضطراری هستند و با روش های یادگیری سنتی و بومی سازگاری دارد.

مشارکتی است به طوری که در دانش آموزان در یادگیری شرکت فعال دارند و افراد، خانواده‌ها و اعضای جامعه در پیشبرد برنامه آموزش شبه‌رسمی مداخله می‌نمایند.

محافظت کننده کودکان از آسیب، و حافظ حقوق آن‌ها برای ادامه حیات و رشد است. مکان‌های آموزش شبه‌رسمی باید سالم و امن باشند، تغذیه، و بهداشت مناسب را فراهم کنند و آن‌ها را از آسیب محافظت نمایند.

فراگیرسازی همه کودکان را بدون توجه به پیشینه یا توانایی آنان فراهم می کند، و به تفاوت‌های فردی احترام گذاشته و از آن به عنوان منبعی برای آموزش و یادگیری بهره می گیرد. آموزش شبه‌رسمی اغلب گروه‌های منزوی را مثل عشایر، دختران، افراد معلول، ترک تحصیل‌کرده‌ها و کودکان کار را هدف قرار می‌دهد. برای دانش‌آموزان معلول و دیگر گروه‌های منزوی، آموزش شبه‌رسمی بسیار مفید بوده و به نیازهایشان پاسخ می‌دهد و متناسب با آن‌هاست.

کیفیت: برنامه‌های آموزش شبه‌رسمی توان آن را دارند که اختصاصاً از کیفیت بالایی برخوردار باشند، زیرا آن‌ها می‌توانند به نیازهای افراد و گروه‌های خاص موجود در جامعه آسان‌تر پاسخ دهند.

فعالیت‌های پیشنهادی

کمک به فراگیرسازی برنامه‌های آموزش شبه‌رسمی موجود

ممکن است دامنه وسیعی از برنامه‌های آموزش شبه‌رسمی از قبل در جامعه در حال اجرا باشند ممکن است این برنامه‌ها در جهت سوادآموزی و آموزش پایه، ارتقاء سلامت (مقوله‌های بهداشت باروری، بیماری‌های مسری جنسی، HIV/ایدز)، مقوله‌های محیط زیست، کشاورزی، ماهی‌گیری، توسعه روستایی /یا توسعه اجتماعی طراحی شده باشند. برنامه‌های آموزش شبه‌رسمی فرصت‌های فوق‌العاده‌ای را برای افراد معلول ارائه می‌دهند تا همراه با همسالان غیرمعلول آموزش داده شوند.

برنامه‌های CBR می‌تواند برنامه‌های آموزش شبه‌رسمی را شناسایی کند و آن‌ها را تقویت نماید تا به‌جای انجام برنامه‌های موازی برای معلولان، به‌طور فراگیر عمل نمایند. فراگیر ساختن برنامه‌های آموزش شبه‌رسمی ضمن تشویق ثبت نام افراد معلول در انواع برنامه‌ها، آن‌ها را مداخله می‌دهد و اطمینان می‌بخشد که آموزش در مکان‌های قابل دسترس اجرا می‌شود و چارچوب‌های آموزشی نیز قابل دسترس هستند.

برنامه‌های دولت

وزارتخانه‌ها، مثل وزارت رفاه اجتماعی، آموزش و پرورش، یا جوانان، غالبا مسئول مدیریت برنامه‌های آموزش شبه‌رسمی هستند. این برنامه‌ها معمولا بر سوادآموزی، یادگیری بزرگسالان و حرفه‌آموزی تمرکز می‌نمایند. برنامه‌های CBR لازم است دریابند جایگزین شود چه سیاست‌هایی در ارتباط با آموزش شبه رسمی وجود دارد، چه کسانی مسئول اجرای این سیاست ها هستند، در حال حاضر بر چه نوع آموزش های شبه رسمی تأکید می شود، آیا معلولان در آموزش‌های شبه رسمی گنجانده می‌شوند و آیا کمک‌های بلاعوض و وام‌ها برای قادرسازی آن‌ها جهت مشارکت موجود است یا خیر. این امر به برنامه‌های CBR کمک می‌کند تا راهبردی را برای گنجاندن افراد معلول در برنامه‌های آموزش شبه‌رسمی موجود، طراحی نمایند.

کادر ۴۴ نپال

دسترسی از طریق سیاست گذاری

سیاست آموزش شبه‌رسمی در نپال (۳۱) بیان می‌دارد: "مرکز آموزش شبه‌رسمی تلاش دارند تا به افرادی که به سبب قومیت، زبان، جنسیت و معلولیت‌های جسمی مشکل دارند، توجه نمایند و برنامه‌های آموزش شبه‌رسمی را فراگیر سازند".

ماده ۸: سیاست آموزش فراگیر اتخاذ می گردد تا از دسترسی، کیفیت و همزیستی اطمینان حاصل نماید.

اقدامات زیر برای اجرای سیاست فوق اتخاذ خواهد شد:

- معیارهای علمی و آموزشی ویژه برای رفع تبعیض به دلیل نظام طبقاتی، قومیت، جنسیت، زبان و معلولیت اتخاذ می گردد.
- اقدامات ویژه به‌عمل خواهد آمد تا از دسترسی کودکان با معلولیت‌های گوناگون، کودکان و بزرگسالان آسیب دیده از درگیری و کودکان کار به آموزش شبه‌رسمی با کیفیت لازم، اطمینان حاصل شود.

ابتکارات جامعه محور در زمینه آموزش شبه‌رسمی

این ابتکارات ممکن است شامل موارد متعددی از قبیل، سازمان‌های غیردولتی که فعالیت‌های گوناگون توسعه یا آگاه‌سازی انجام می‌دهند، مدارس مذهبی، مراکز مراقبت های شبانه روزی یا روزانه، مدارس ارتقای آموزش دختران مدارس بزرگسالان معلول (که به موقع شناسایی نشده‌اند یا در آموزش ابتدایی گنجانده نشده‌اند)، ترک تحصیل‌کرده‌های مدارس و کودکان کار باشند. برنامه‌های CBR می‌توانند اشکال مختلف ابتکارات جامعه محور در خصوص آموزش های شبه رسمی موجود را شناسایی نموده و فراگیرسازی افراد معلول از جمله کودکان را تسهیل نمایند.

کارکنان CBR می‌توانند به همراه تسهیلگران آموزش شبه‌رسمی کار کنند تا اطمینان یابند که لوازم آموزشی لازم در دسترس هستند (مثل چاپ با حروف درشت، خط بریل، نوار ضبط صوت، امکانات صوتی)، یا محیط قابل دسترس و پذیرا است و دانش‌آموزان در یادگیری مورد حمایت قرار می‌گیرند.

اطمینان یابید که برنامه درسی کاربردی و متناسب است

به دلیل محدودیت های سخت در مدارس رسمی، برنامه های آموزش شبه‌رسمی اغلب انعطاف بیشتری دارند و می‌توانند به آسانی با نیازهای افراد متناسب بشود و انطباق پیدا نماید. برنامه‌های CBR می‌تواند کمک کنند تا اطمینان حاصل شود که آموزش شبه‌رسمی:

- سوادآموزی و توانایی حساب و شمارش پایه را اولویت می بخشد؛
- به سوی مهارت‌های کاربردی، مهارت‌های زندگی و توسعه فردی متمایل است؛
- در آموزش مهارت‌های تصمیم گیری موثر است؛
- بر مهارت‌های حرفه‌ای، فعالیت‌های کسب درآمد و ایجاد شغل تمرکز می‌کند؛
- دانش‌آموزان را توانمند می‌سازد، اطمینان و حس مالکیت را در برنامه‌ها و طرح‌ها القا می‌کند- برنامه‌های CBR می‌تواند اطمینان بخشد که سازمان‌های افراد معلول در ارتقای توانمندسازی دانش‌آموزان معلول مداخله می‌نمایند؛
- ارتباط موثر بین دانش‌آموزان معلول و خانواده‌ها، همسالان و جامعه شان را به‌طور مثال از طریق زبان اشاره پایه، خط بریل، صحبت کردن به وضوح، ارتقا می‌دهد.

کادر ۴۵ بنگلادش

شانس دوباره برای آموزش

یک برنامه آموزش شبه‌رسمی در بنگلادش در جوامع روستایی در شهرهای بزرگ مثل داکا، چتاگونگ و راج شای اجرا می‌شود. برنامه به‌ویژه بر کودکانی که در بخش های غیررسمی (اغلب کارهای پرخطر) یا در خیابان‌ها زندگی و کار می‌کنند، و کودکان دارای اختلالات مختلف را دربر می‌گیرد. برنامه شامل برنامه آموزش ابتدایی فشرده به‌صورت نیمه وقت در غالب نظام رسمی است و با گروه سنی بالاتر متناسب شده است، زیرا کودکان هنگام ورود به این برنامه در گروه سنی بالاتر هستند. این امر برای اکثر دانش‌آموزان فرصت آموزش دوباره ای را فراهم می آورد. پسران و دختران ۱۰ ساله و بالاتر به این برنامه دعوت می‌شوند. کلاس‌ها در سه شیفت روزانه برگزار می‌شود تا کلاس‌ها را کوچک نگهدارند و به کودکان اجازه می‌دهند تا کار خود را ادامه دهند و به درآمد خانواده خود کمک نمایند. بعد از برنامه آموزش ابتدایی، کودکان می‌توانند انتخاب کنند که یا در مراکز حرفه آموزی برنامه مهارت‌های حرفه‌ای بیاموزند، این دوره‌هایی است که حدود شش ماه به صورت پاره وقت طول می‌کشد، یا برای آموزش فنی حرفه‌ای که یک یا دو سال طول می‌کشد، ثبت نام کنند. برنامه آموزش شبه‌رسمی هم‌چنین دفاتر کاریابی دارد که به دانش‌آموزان معلول و غیرمعلول کمک می‌کند تا بعد از فارغ شدن از برنامه، شغلی پیدا کنند.

حمایت از یادگیری مبتنی بر منزل

یادگیری مبتنی بر منزل می تواند مکمل، آماده کننده یا جایگزینی برای آموزش رسمی باشد. آن را می‌توان برای دانش‌آموزان با نیازهای ویژه و برای کسانی که آموختن مهارت‌های پایه روزمره زندگی، ارتباط و عملکرد پایه در اولویت است، متناسب نمود. این مهارت‌ها وقتی در محیط طبیعی به‌کار می‌روند بهتر آموخته می‌شوند تا در محیط‌های مصنوعی. کارکنان CBR ارتباط تنگاتنگی با اعضای خانواده، معلمان و دانش‌آموزان دارند و به‌طور منظم از منزل بازدید می کنند و با

کل خانواده کار می‌کنند تا از یادگیری مبتنی بر منزل به طور موفق، اطمینان یابند. یادگیری مبتنی بر منزل، به‌عنوان بخشی از یک راهبرد جامع، موثر است. با این وجود، وقتی یادگیری مبتنی بر منزل به‌طور مجزا اجراء شود، علی‌رغم کار تنگاتنگ با اعضای خانواده و گاهی اوقات با معلمان، همان‌گونه که مثال های زیر نشان می‌دهند، می‌تواند به محرومیت و انزوای کودکان معلول کمک کند (۲۷).

مثال هایی از فراگیرسازی کودک دارای اختلالات شدید یا چندگانه، حتی وقتی کودک تحت یادگیری مبتنی بر منزل است	مثال هایی از محرومیت اجتماعی کودک دارای اختلالات شدید یا چندگانه، هنگامی که وی تحت یادگیری مبتنی بر منزل است
• برنامه CBR خانواده و همین‌طور کودک را از بدو تولد حمایت می‌کند. • داوطلبان و سایر کودکان به آموزش کودک در خصوص فعالیت‌های روزمره زندگی در منزل کمک می‌کنند. • کودک از منزل بیرون می‌آید و در فعالیت‌های محلی، مراسم مذهبی و اجتماعی مداخله می‌نماید. • معلم از خانواده بازدید می‌کنند و اهداف مناسب یادگیری را همراه با کارکنان CBR و خانواده توسعه می‌دهند. • کودک در سن مناسب در محل های بازی حضور می‌یابد. • تیم آموزش منطقه کودک را در برنامه ریزی، پیش بینی و تخصیص منبع در نظر می گیرد. • والدین عضو فعال گروه والدین / افراد معلول محلی هستند و برای آینده کودک قادرند برنامه‌ریزی کنند یا اعمال نفوذ نمایند.	• وقتی کودک متولد می‌شود به خانواده انگ زده می‌شود. • خواهر بزرگتر از مدرسه ترک تحصیل می‌کند تا از کودک مراقبت کند. • همسایه‌ها و سایر کودکان از دیدار با کودک اجتناب می‌کنند و از وی می‌ترسند. • کودک در حالت خوابیده در خانه نگهداری می‌شود و به‌تدریج وابسته‌تر و عضلاتش بیشتر تحلیل می‌رود. • خانواده برای جستجوی درمان‌های بیشتر خرج می‌کند و موثر واقع نمی‌شود. • پدر شرمنده می‌شود، مادر را سرزنش می‌کند و ترک می‌کند. • مادر خیلی کار می‌کند و نمی‌داند به فرزندش چگونه کمک کند. • مادر شروع به بی‌توجهی/ بدرفتاری با کودک می‌کند. کودک اکنون یک بار اضافی است. • خواهران و برادران نمی‌توانند به دلیل انگ زده شده، ازدواج نمایند یا شغلی بیابند.

گروه‌های یادگیری ویژه را تقویت نمایید

گاهی اوقات نیاز به یادگیری ویژه وجود دارد (از قبیل یادگیری زبان اشاره یا خط بریل) که لازم است دانش‌آموزان با همدیگر همراه شوند و در گروه‌های خودشان مطالعه کنند. کارکنان CBR می‌توانند در توسعه و پایداری این گروه‌ها کمک نمایند، و دانش‌آموزان معلول را با سازمان‌های معلولان که می‌توانند منبع مفیدی برای تسهیل یادگیری آن ها باشند، پیوند دهند.

کاربران زبان اشاره، آموزش زبان را در محیط‌های یادگیری رسمی مشکل می‌دانند. بسیاری از افراد ناشنوا خود را بیشتر به عنوان اقلیت زبانی می‌پندارند تا به عنوان افراد معلول. در کشورهای کم درآمد، تجارب سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی حاکی از آن است که به فراگیران ناشنوا به‌ندرت زبان اشاره را به زبان بومی آنها آموزش می‌دهند، و اغلب به زبان خارجی

آموزش می بینند. برنامه‌های آموزش شبه‌رسمی که زبان اشاره را آموزش می‌دهند می‌تواند حمایت مهمی برای افراد ناشنوا و خانواده‌هایشان به شمار آید، به‌ویژه وقتی که بزرگسالان ناشنوا بـه عنـوان معلـم اسـتخدام مـی‌شـوند. برنامـه‌هـای CBR می‌تواند اطمینان بخشد که:

- به حقوق و دیدگاه‌های فراگیران ناشنوا احترام گذاشته می‌شود؛
- این پیش‌بینی‌ها و تدارکات، محرومیت اجتماعی و جدایی از خانواده و جامعه را افزایش نمی‌دهد، بلکه کودکان را قـادر می‌سازد در زندگی خانوادگی و اجتماعی مشارکت نمایند.

کادر ۴۶ ویتنام

دانگ مهارت‌هایش را به دیگران منتقل می کند

دانگ جوانی شاد و باهوش از روستایی در شهر هوشمین ویتنام است. وی ناشنوا است و در سنین کودکی زبان اشاره، نحوه خواندن و نوشتن به انگلیسی را یاد گرفت. وی در سن ۲۵ سالگی، به‌طور تمام وقت کار می‌کرد و زندگی خوبی داشت. اعضای باشگاه ناشنوایان شهر هوشیمین و مدیران طرح CBR از دانگ خواستند تا به آن‌ها زبان انگلیسی را آموزش دهد تا به روی آن‌ها دنیای ادبیات جایگزینی را برای نوشتن آوایی زبان ویتنامی بگشاید. با کمک طرح CBR، یک سازمان خیریه محلی و اداره شهرداری،۳۰ ناشنوای جوان در کلاس‌های شبانه که هفته‌ای دو بار برگزار می‌شد، شرکت کردند. دانگ به تدریس آموزش زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم ادامه داد. هر یک از ۲۰ شرکت کننده، به دانگ در حدود یک دلار آمریکا پرداختند. آن‌ها طی دو سال در زبان انگلیسی پایه مهارت یافتند و سپس برای توسعه و ثبت زبان اشاره بومی خویش شروع به‌کار کردند.

اطمینان حاصل نمایید که مراکز روزانه مبتنی برجامعه مناسب هستند

مراکز روزانه مبتنی برجامعه اغلب راه‌اندازی می‌شوند تا برای والدینی که کودکان معلول آن‌ها نیازمنـد مراقبـت ۲۴ سـاعته است، استراحت و فراغتی را فراهم کنند. درحالی‌که این مراکز ممکن است حمایت بزرگی برای والدین باشد، اغلـب کیفیـت فعالیت‌ها و یادگیری برای کودکان در آن خیلی ضعیف است. برنامه‌های CBR می‌توانند کمـک کننـد تـا اطمینـان حاصـل شود که این مراکز بازی متناسب با سن و یادگیری مبتنی بر فعالیت را ارائه می‌کنند و "علائق کودک" در اولویت قرار مـی گیرد. هم‌چنین حتی الامکان این مراکز باید فراگیر باشند، و کودکان محلی غیر معلول و والدینشان را نیز دخالت دهند.

پیوندها با تحصیلات رسمی را تسهیل سازید

در بسیاری از کشورها، نظام‌های آموزشی ملی ارزشی را که برای آموزش رسمی قائل هستند، برای آموزش شبه‌رسمی قائـل نیستند. برنامه‌های آموزش شبه‌رسمی تمایل دارد تا برنامه درسی و روش‌های آموزشی متفاوت و انعطـاف‌پـذیرتر را بـه‌کـار ببرد، تا دانش آموزان را قادر سازد از آن سود ببرند، اما از سوی دیگر می‌تواند انتقال دانش‌آموزان را به نظام رسمی به خطر بیندازد. بدون وجود پیوندهای نظام‌مند بین نظام‌های آموزش رسمی و شبه‌رسمی، آمـوزش شـبه‌رسـمی ممکـن اسـت بـه جداسازی افراد معلول کمک کند.

کادر ۴۷ هندوستان

طرح های فراموسسه ای دولتی

آموزش مبتنی بر منزل برای کودکان معلول توسط دولت هندوستان به عنوان یک شکل جایگزین آموزش برای کسانی که مشکل دسترسی به مدارس یا کسانی که نظام آموزشی را به بعضی دلایل رها کرده‌اند، شناخته شده است. برنامه دولت هم‌چنین امکانات مشاوره‌ای برای والدین فراهم می‌کند و با توجه به اهمیت فرستادن کودکان به مدرسه آگاهی لازم را به آن‌ها می‌دهد. بخش آموزش مسئول شناسایی داوطلبان از جامعه محلی است و این‌کار با کمک و هماهنگی سازمان‌های غیردولتی محلی انجام می‌گیرد. هر داوطلب با سه کودک کار می‌کند. از طرف مقامات مدرسه حق‌الزحمه‌ای به آن‌ها پرداخت می‌شود. از زمانی که کودک به دوره آموزش مبتنی بر منزل آورده می‌شود، در مدرسه محل ثبت نام می‌شود و مقامات مدرسه مسئول وی می‌شوند. به‌واسطه این طرح دولت کسانی را که نمی‌توانند به مدرسه بیایند شناسایی کرد. و با کودک در منزل کار می‌کنند تا زمانی که وی برای فراگیرسازی آماده شود یا مهارت‌های لازم برای زندگی را فرا بگیرد. این ابتکار دولت پیوند موثری را بین برنامه‌های آموزش شبه‌رسمی و رسمی ایجاد می‌کند، فراگیرسازی را تسهیل می‌سازد، و فرصت‌های جدیدی را برای یادگیری فراهم می‌آورد.

اگر چه بخش‌های آموزش شبه‌رسمی و از هم جدا می باشند و تا حدی از نظر ایدئولوژی متفاوت هستند، اما می‌توانند مکمل یکدیگر باشند و یکدیگر را به‌طور فعال و به شیوه‌های مختلف یاری نمایند. برنامه‌های CBR می‌توانند برای تسهیل این پیوندها از راه‌های زیر کمک کنند:

- دعوت از مسئولان بخش‌های آموزش رسمی و شبه‌رسمی برای پیوستن به برنامه CBR در توسعه راهبردهای فراگیرسازی؛
- تقویت آموزش رسمی با ارائه آموزش به والدین و معلمان در زمینه فراگیرسازی مدارس، و حفظ پیوندهای قوی بین منزل و مدرسه؛
- کمک به انتقال از برنامه‌های آموزش شبه‌رسمی به آموزش رسمی؛
- توسعه برنامه‌های تکمیلی آموزش شبه‌رسمی برای کمک به دانش‌آموزان معلول موفق در آموزش رسمی؛
- تسهیل‌سازی انتقال به آموزش عالی، امرار معاش پایدار و دوره‌های ارائه شده توسط بخش شبه‌رسمی؛
- تشویق بهره‌برداری مشترک از ساختمان‌ها و امکانات، به‌طور مثال برنامه‌های آموزش شبه‌رسمی می‌توانند از ساختمان‌های مدرسه در خارج از ساعت کاری استفاده کنند؛
- تشویق کارکنان آموزش شبه‌رسمی و برنامه‌های رسمی برای به‌اشتراک گذاشتن خدمات و تجارب خود.

کادر ۴۸ هندوراس

گرفتن معلم خصوصی بعد از ساعت مدرسه انگیزه ایجاد کرد

کارکنان CBR در هندوراس، در شهر الپورونیر برای کودکان معلول و غیرمعلول که در معرض خطر مردودی در کلاس اول هستند، بعد از ساعت مدرسه معلم خصوصی فراهم می‌کند. در پایان سال تحصیلی، کودکان امتحانات خود را می‌دهند. منطقه مذکور گزارش نمود که میزان مردودی برای آن سال تا ۷۵٪ کم شده است. این کاهش در مردودی این انگیزه را برای آن منطقه ایجاد کرد تا با برنامه CBR کار کند و کودکان معلول را در مدارس ابتدایی بگنجاند.

یادگیری مادام العمر

مقدمه

حق برخورداری از یادگیری مادام‌العمر در ماده ۲۴ کنوانسیون حقوق معلولین آورده شده است (۴). یادگیری مادام‌العمر به کلیه فعالیت‌های هدفمند یادگیری که به‌طور مداوم در تمام طول زندگی یک فرد اتفاق می افتد، اشاره دارد و هدف آن بهبود دانش، مهارت‌ها و قابلیت‌ها است. یادگیری به معنی آموخته هایی نیست که در درازمدت در زمان و مکان خاصی (مثل مدرسه یا محل کار) برای کسب و به کارگیری دانش به دست می آید. ظرفیت افراد و جوامع برای تجدید و نوکردن دانش و مهارت‌هایشان و انطباق با تغییرات سیاسی، اقتصادی، محیطی، فنی یا اجتماعی بدون یادگیری مادام‌العمر به‌طور قابل ملاحظه ای کاهش می‌یابد (۳۲).

یادگیری مادام‌العمر ممکن است در محیط های گوناگون، هم به شکل رسمی و هم شبه‌رسمی اتفاق بیفتد و مکمل سایر اشکال آموزش باشد، و حتی وقتی که آموزش رسمی یا فرصت‌های آموزشی وجود دارند، ادامه یابد. از آن جایی که یادگیری مادام‌العمر کلی است، این جزء جنبه‌های مشترک زیادی با سایر اجزاء به‌ویژه آموزش شبه‌رسمی دارد. بر اساس اهداف کتاب‌های راهنما، این بخش بر فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای جوانان و بزرگسالان معلول که خارج از نظام آموزشی مدرسه است، تمرکز می‌نماید.

کادر ۴۹

یادگیری فرایندی بی‌پایان است

شرلی زن جوانی مبتلا به فلج مغزی است که از هوش و استعداد بالایی برخوردار است. او به رغم داشتن نمره‌های بالا در اکثر دروس از مدرسه عادی انصراف داد. وی مدرک فوق لیسانس خود را در زمینه مدیریت بازرگانی از یک دانشگاه آزاد دریافت کرد و اکنون یک مدیر حرفه‌ای است. وی کسب مهارت‌ها و قابلیت‌های مختلف را با توجه به نیازش ادامه می‌دهد، از جمله مهارت‌های کامپیوتری خود را پیوسته ارتقاء می‌بخشد. شرلی یادگیری را یک فرآیند بی‌پایان می‌داند. در دنیای تبعیض و محرومیت، فرصت‌هایی که یادگیری مادام‌العمر ارائه می‌دهد وی را قادر ساخته تا در کارش پیشرفت کند و بر موانع موجود در جامعه غلبه نماید.

کادر ۵۰ آفریقای جنوبی

توانمندسازی بزرگسالان برای زندگی مستقل و متکی به خویش

توانمندسازی برنامه‌ای است که در آفریقای جنوبی، در شهر کوچکی نزدیک دوربان، به‌وسیله یک سازمان معلولین و یک سازمان غیردولتی به‌طور مشترک اجرا می‌شود. فوندلوا معلم است، و معلول می‌باشد و سوادآموزی و توانایی شمارش و حساب کردن را به بزرگسالان معلول آموزش می‌دهد. کلاس وی کانتینر تعمیر شده‌ای است که به‌وسیله جوانان آن شهرک نوسازی شده است. هدف توانمندسازی بزرگسالان معلول، مستقل شدن و اتکا به خویش است. کلاس‌های توانمندسازی، حقوق معلولان را آموزش می‌دهد و اطلاعات و راهنمایی در زمینه کسب کمک‌های بلاعوض و کسب درآمد ارائه می‌کند. هم‌چنین یک طرح آموزشی فراگیر خیاطی دارند که در آنجا افراد، اندازه‌گیری، شمارش و برآورد هزینه لوازم را می‌آموزند تا لباس تهیه کرده و بفروشند. دانش آموزان بزرگسال به دلایل زیادی به کلاس‌ها می آیند: مثل کمک به تنظیم دخل و خرج، تهیه فهرست خرید، یا آموختن زبان انگلیسی تا بتوانند در مراجعه به پزشکان آسان‌تر ارتباط برقرار کنند یا راهنمایی‌های روی شیشه داروها را بخوانند. فوندلوا، به عنوان یک فرد معلول می‌داند که وی برای دانش‌آموزانی که در کلاس‌هایش شرکت می‌کنند یک الگو است. طرح توانمندسازی به‌طور مشارکتی اجرا می‌شود و شعار جنبش معلولیت :"بدون ما درباره ما تصمیم نگیرید" را منعکس می‌سازد. برنامه مذکور به طریقی طراحی شد که افراد معلول در همه سطوح تصمیم‌گیری و اجراء مداخله نمانند.

هدف

جوانان و بزرگسالان معلول باید به فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر با کیفیت و تجارب گوناگون یادگیری دسترسی یابند.

نقش CBR

نقش CBR فراهم کردن فرصت‌های یادگیری مداوم برای افراد معلول جهت پیشگیری از محرومیت اجتماعی، انزوا و بیکاری آن‌ها است.

پیامدهای مطلوب

- به جوانان مشغول به تحصیلات رسمی جهت انتقال به دنیای کار یا فرصت‌های مهارت‌آموزی از طریق دسترسی به راهنمایی حرفه‌ای و شغلی و خدمات مشاوره‌ای همسالان کمک می‌شود.
- بزرگسالان معلول به فرصت‌های یادگیری مناسب، انعطاف‌پذیر و مؤثر در سرتاسر زندگی برای مثال سوادآموزی بزرگسالان از طریق مدارس آزاد و تحصیلات عالی از طریق آموزش از راه دور دسترس دارند.
- افراد و گروه‌هایی با نیازهای ویژه از قبیل جوانان و بزرگسالان با اختلالات بارز و چندگانه هم‌چنین مراقبان و اعضای خانواده آن‌ها، به فرصت‌های یادگیری نو و به روز دسترسی دارند.
- جوانان و بزرگسالان معلول به آموزش هایی نوین و به روز مرتبط با مهارت‌های زندگی و نیازهای ادامه حیات، از جمله اطلاعات مربوط به بهداشت تولید مثل، جنسیت و HIV / ایدز دسترسی دارند.
- آموزگاران جامعه اعم از مدارس دولتی و خصوصی و سایر موسسات آموزشی، به‌طور فعال فراگیرسازی اجتماعی جوانان و بزرگسالان معلول را با تامین فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر ارتقاء می‌بخشند.

مفاهیم کلیدی

یادگیری مادام‌العمر یا مداوم بر اساس این باور مشترک است که ما در سرتاسر زندگی مان می‌آموزیم؛ این امربه‌ویژه در تغییرات سریع و فزاینده دنیای پیچیده امروزی بسیار مهم است. با این وجود، فرصت‌های یادگیری اغلب به گروه‌های سنی خاص، موسسات یا افرادی محدود می‌شود که از نظر مالی یا جسمی به این موسسات دسترسی دارند، و بزرگسالان معلول اغلب از حضور در محیط‌های یادگیری رسمی‌تر کنار گذاشته می‌شوند و یا محروم می‌شوند. یادگیری مادام‌العمر تمام اصول پی‌ریزی شده در جزء یادگیری رسمی را در بر می‌گیرد. علاوه بر آن، مفاهیم ارائه شده در زیر نیز مهم هستند:

یادگیری بزرگسالان

یادگیری بزرگسالان، جزء حیاتی یادگیری مادام‌العمر است و برای قابلیت استخدام، فراگیرسازی اجتماعی، شهروندی فعال و توسعه فردی مهم است. بزرگسالان نسبت به کودکان به‌طور متفاوتی می‌آموزند و لازم است نیازهای خاص آن‌ها و روش‌های یادگیری در طراحی روش‌ها و لوازم آموزشی مد نظر قرار گیرد. فرصت‌هایی لازم است تا یادگیری مادام‌العمر یادگیرنده محور باشد، و بر اهداف فردی، تجارب زندگی گذشته و ارتقای اعتماد به نفس تمرکز نماید.

بزرگسالان مایل هستند امر یادگیری را خودشان هدایت کنند، نوآوری داشته باشند و درباره یادگیری، از جمله درباره محتوی، چگونگی و زمان آموزش و این‌که به چه کمک های اضافی نیاز دارند، خود تصمیم بگیرند. آن‌ها لازم است تشویق شوند تا در همه جنبه‌های طراحی و ارائه فرصت‌های یادگیری نقش هدایت را به عهده بگیرند.

لازم است شیوه‌های یادگیری برای بزرگسالان انعطاف‌پذیر، خلاق، متنوع و پاسخگو باشند، رسانه های گوناگون را دخالت دهند، از فن آوری کمکی در جای مناسب استفاده نمایند و در مکان ها و زمان ها و زبان های مختلف قابل دسترس باشند.

انواع فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر

انواع رایج فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر شامل موارد زیر هستند:

- آموزش بزرگسالان - شامل کسب مهارت‌ها یا قابلیت های رسمی برای انجام کار می باشد؛
- آموزش مداوم - شامل دوره‌های آموزشی معتبر یا غیرمعتبر ارائه شده توسط موسسات آموزشی رسمی است که اغلب به منظور توسعه فردی ازائه می شد؛
- توسعه حرفه‌ای - شامل یادگیری قابلیت های کاری است که اغلب از طریق کارفرما جهت آموزش شغلی ارائه می‌شود؛
- یادگیری با هدایت فرد ـ محیط یادگیری فردی ممکن است شامل منابع و ابزارهای گوناگون از جمله کتابخانه و اینترنت برای یادگیری باشد.

فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر هم‌چنین شامل کلاس‌های سوادآموزی بزرگسالان، تمهیدات انعطا ف‌پذیر برای یادگیری سایر مهارت‌های پایه از طریق "مدارس آزاد"، آموزش فنی و حرفه‌ای، توسعه فردی از طریق آموزش مهارت‌های زندگی و ادامه حیات، و آموزش مهارت‌های ارتباطی است. آن‌ها هم‌چنین فرصت‌های یادگیری برای گروه‌های خودیار و انجمن والدین، و یادگیری نوین برای گروه‌های اقلیت مثل افراد معلول، و کسانی که قادر نیستند برای کسب درآمد کار کنند را شامل می‌شود.

یادگیری آزاد

یادگیری آزاد اغلب در "آموزشگاه های آزاد" اتفاق می‌افتد و فرصت‌های یادگیری را در مکان و زمان و به‌گونه‌ای ارائه می‌کند که متناسب با نیازهای یادگیرنده باشد و برای کسانی که هرگز شانس حضور یا تکمیل آموزش رسمی را در مدرسه نداشته اند، برنامه درسی متناسب‌تری را فراهم می‌کند. روش‌های آموزشی معمولاً آزاد از قید و بند و خلاق هستند، و فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در آن کاربرد دارد. یادگیرندگان اغلب موضوعات آموزشی طراحی شده را در منزل خودشان یا

کارگاه‌ها یا فضایی که برای آن‌ها راحت تر است مطالعه می‌کنند. جوانان و بزرگسالان اغلب می توانند آموزش مهارت‌ها را همراه با موضوعات تحصیلی در حین اشتغال و کار ادامه دهند.

کادر ۵۱ **هندوستان**

تشویق آموزش گاه های آزاد

یادگیرندگان تحت نظر موسسه ملی آموزشگاه های آزاد در هندوستان، " آزاد هستند تا تلفیقی از موضوعات را بر طبق نیازها و اهدافشان انتخاب کنند. آن ها به شیوه خود به صورت خودآموز مطالعه می کنند. این نوع یادگیری به‌وسیله کلاس‌های صوتی ـ تصویری و چهره به چهره که در مراکز مطالعه در روزهای تعطیل و آخر هفته برگزار می‌شود، تکمیل می‌گردد. یادگیرندگان این آزادی را دارند تا در امتحانات انفرادی بر طبق آمادگی خود حاضر شوند. موارد زیادی از موفقیت وجود دارد. ثبت‌نام یادگیرندگان برای دوره پنج ساله قابل قبول است " (۳۳).

مهارت‌های زندگی و ادامه حیات

مهارت‌های زندگی و ادامه حیات به دانش و مهارت‌هایی اطلاق می‌شود که هر فرد برای عملکرد و مشارکت موثر در منزل، جامعه محلی و اجتماع وسیع تر به آن نیاز دارد. به دلیل محرومیت و تبعیض، افراد معلول به‌طور خاص نیازمند این مهارت‌ها هستند و حمایت برای توسعه آن‌ها بخش اساسی یادگیری مادام‌العمر در هر مرحله از زندگی است. به ویژه افرادی با مشکلات روانی، اختلالات ذهنی و حسی ممکن است نیاز به دسترسی به فرصت‌های آموزش مهارت‌های زندگی و ادامه حیات داشته باشند.

فعالیت‌های پیشنهادی

با حمایت مراحل گذار را تسهیل نمایید

کارکنان CBR برای برقراری ارتباط بین دانش‌آموزان معلول و خانواده‌ها، کارفرماها، مربیان و گروه‌های دادخواهی از خود ایده‌ال هستند. در صورتی که انتقال و گزار از مدرسه به‌کار یا آموزش مهارت‌ها و مستقل شدن مورد حمایت قرار گیرد می تواند خیلی چالش برانگیز شود. کارکنان CBR به شناسایی و راهنمایی درباره مشاغل موجود و ایجاد فرصت‌های مشاوره همسالان کمک می کنند تا اطمینان حاصل شود که این‌ها قابل دستیابی، متناسب و موثر هستند. غالباً مداخله سازمان‌های افراد معلول در راهنمایی و کمک به افراد جوان برای رشد اعتمادبه‌نفس و مهارت‌ها جهت انجام انتخاب‌های خود و هدایت یادگیری آن‌ها مفید است.

کلاس سوادآموزی بزرگسالان

شناسایی فرصت‌ها برای سوادآموزی و آموزش بزرگسالان

بسیاری از بزرگسالان معلول به دلیل موانع گوناگون به مدرسه نمی‌روند یا نمی‌توانند به آموزش رسمی یا مداوم دسترسی یابند. این دلایل عبارتند از: ناتوانی برای برآورده ساختن قابلیت‌های ورود به مدرسه، عدم قابلیت دسترسی به ساختمان‌ها، ناتوانی در پرداخت هزینه‌ها، عدم تمایل موسسه برای پذیرش افراد معلول، یا اجبار برای کار در طول ساعات مدرسه. برنامه‌های CBR می‌توانند فرصت‌هایی را برای سوادآموزی و آموزش بزرگسالان از طریق تحصیلات آزاد در درون جامعه شناسایی و ایجاد کنند. برنامه‌های CBR می‌توانند آموزشگاه های آزاد موجود و برنامه‌های سوادآموزی بزرگسالان را ترغیب کنند تا بزرگسالان معلول را نیز در خود بگنجانند و از دسترسی به موضوعات آموزشی و روش‌های ارتباطی مناسب اطمینان حاصل نمایند.

کادر ۵۲

سفر موفقیت آمیز مایا

مایا کلاس اول را در مدرسه با موفقیت تکمیل کرد زیرا هیچ امتحان کتبی نداشت. وقتی مقامات مدرسه او را مجبور کردند تا مدرسه را در سن ۱۰ سالگی به‌دلیل معلولیتش رها کند (وی اختلالات بینایی، ذهنی و جسمی داشت) برای مشاوره به انجمن نابینایان مراجعه کرد. انجمن به او کمک کرد تا در یک مدرسه آزاد ثبت نام کند. مایا آزمون دوره متوسطه و عالی را در طی یک دوره ۱۳ ساله به اتمام رساند. بعد از آن وی در حرفه‌آموزی، دوره آموزشی کامپیوتر و کلاس‌هایی که مهارت‌های اجتماعی آموزش را می دادند، شرکت کرد. امروزه مایا در تزیین گل و تهیه گل مصنوعی آموزش می بیند. او در آموزشگاه های آزاد بر طبق نیازها و علائق خود شرکت می‌کند.

شناسایی فرصت‌ها برای آموزش مداوم

فرصت‌های آموزش مداوم به‌طور روزافزون از طریق موسسات آموزشی، هم‌چنین از طریق آموزش از راه دور و برنامه‌های آموزشی مبتنی بر اینترنت در دسترس قرار می‌گیرند. آموزش از راه دور اغلب می‌تواند موانع گوناگون مثل فاصله، عدم وجود وسایل حمل‌ونقل قابل دسترس و محیط نامطلوب را رفع کند و افراد معلول را قادر سازد تا از آموزش عالی بهره مند شوند.

لازم است کارکنان CBR از این فرصت ها آگاه باشند و آماده شوند تا به افراد معلول برای استفاده حداکثر از این مزایا کمک کنند. برنامه‌های CBR می‌تواند فرصت‌های آموزش مداوم، به‌ویژه از طرق یادگیری از راه دور را شناسایی کنند، و با مؤسسات برای کمک به ثبت نام دانش‌آموزان معلول کمک کنند. هم‌چنین برنامه‌های CBR می‌توانند به بزرگسالان معلول کمک کنند تا امکانات ضروری (مثل دسترسی به اینترنت یا نرم افزار مطالعه صفحه کامپیوتر) را به دست آورند و اعتماد و مهارت‌های آن‌ها را برای استفاده حداکثر از فرصت‌های یادگیری غیرحضوری ارتقا دهند.

کادر ۵۳ مالزی

آموزش واقعی

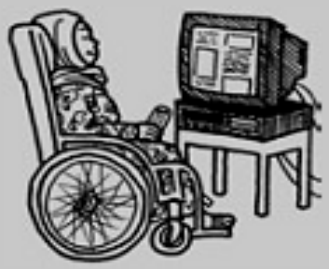

یوسوف زن ۲۷ ساله‌ای است که در مالزی، در جرج تاون زندگی می‌کند. وی ۱۴ سال قبل فلج شد. او در برنامه یادگیری غیرحضوری در دانشگاه ثبت‌نام کرد و ادبیات می خواند. وی می گوید که همیشه دوست داشته به مرتبه‌ای برسد و برای هفت خواهر و برادرش الگو شود. او به اینترنت وصل می‌شود و هم‌چنین از طریق ویدئو و روش های خودآموز مطالعه می‌کند.

یادگیری برای افراد و گروه‌های دارای نیاز های ویژه را تسهیل نمایید

برنامه‌های CBR می‌توانند به افراد یا گروه‌های با نیازهای ویژه کمک کنند تا به فرصت‌های یادگیری مناسب دست یابند و مهارت‌هایی را که می‌خواهند و نیاز دارند کسب نمایند. CBR می‌تواند فرصت‌ها را برای افراد با معلولیت‌های مشخص، شناسایی یا ایجاد کند تا در مدرسه حضور یابند، تحت آموزش قرار گیرند یا به فرصت‌های یادگیری از راه دور دست یابند. آن‌ها هم‌چنین می‌توانند به اقلیت‌های قومی کمک کنند تا به آشنایی زبانی و فرهنگی دسترسی یابند.

از فرصت‌ها برای یادگیری مهارت‌های زندگی و ادامه حیات اطمینان حاصل نمایید

برنامه‌های CBR می‌توانند با سازمان‌ها و گروه‌های جامعه ارتباط برقرار کنند تا فرصت‌هایی را برای جوانان و بزرگسالان معلول فراهم کنند و مهارت‌های مورد نیاز زندگی روزمره و مشارکت در جامعه را توسعه دهند، این مهارت‌ها شامل مراقبت از خود، جابه‌جایی، خرید، رفتار اجتماعی مناسب، ابراز وجود، اعتماد به نفس، مسائل جنسی، ازدواج و پرورش فرزند، آگاهی از HIV/ایدز، حفظ بهداشت و سلامت، مدیریت مالی، شهروندی و مشارکت سیاسی می شوند. اصل کلیدی، شناسایی برنامه‌های آموزشی موجود و تلاش برای فراگیرسازی این برنامه به جای ارائه برنامه‌های موازی است. بعضی از افراد که به‌طور خاص آسیب‌پذیر هستند مثل دختران جوان معلول و افراد دارای اختلالات ذهنی یا بیماران روانی مزمن، ممکن است لازم باشد برای افزایش مهارت‌های محافظت از خود در قبال سوءاستفاده‌های جسمی و جنسی به آن‌ها کمک شود.

کار با آموزش‌دهندگان در جامعه محلی برای ارتقای فراگیرسازی اجتماعی

محرومیت غالباً ناشی از عوامل خارجی است تا عوامل فردی. آموزگاران جامعه ـ در سازمان های دولتی و غیردولتی، سایر مدارس جامعه، و موسسات آموزشی شامل آموزشگاه های خصوصی و غیرانتفاعی ـ می‌توانند سبب فراگیرسازی و مشارکت فعال معلولان در فعالیت‌های یاگیری مادام‌العمر شوند زمانی‌که از نیاز به آن آگاه شوند. برنامه‌های CBR می‌توانند با سازمان‌های جامعه، به‌ویژه با سازمان‌های افراد معلول و انجمن‌های والدین همکاری نمایند و تجارب و دانش خویش را درباره معلولیت مبادله کنند و فراگیرسازی را در فرصت‌های یادگیری مادام العمر ارتقاء بخشند. تاثیر مثبت بر نگرش‌ها را می‌توان از طریق فعالیت‌های آگاه سازی و ارتقای آموزش گروه‌های منزوی مثل معلولان انجام داد. می‌توان به مقوله‌های

محرومیت و تبعیض به‌طور مثبت پرداخت و بر دانش وسیع و متنوع و مهارت‌های موجود تاکید کرد تا درون جامعه سهیم شده و به اعضای جامعه کمک نمود تا با افراد معلول دیدار و تعامل داشته باشند این امر به‌ویژه در محیط های آموزشی مهم است.

منابع

1. *Dakar Framework for Action: Education for All*. Paris, UNESCO, 2000 (http:// unesdoc.unesco.org/ images/0012/001211/121147E.pdf, accessed 5 May 2010).
2. *Universal Declaration of Human Rights*. New York, United Nations, 1948 (www.un.org/en/documents/udhr/, accessed 5 May 2010).
3. *Convention on the Rights of the Child*. New York, United Nations, 1989 www.un.org/ documents/ga/res/44/a44r025.htm, accessed 5 May 2010).
4. *Convention on the Rights of Persons with Disabilities*. New York, United Nations, 2006 (www.un.org/disabilities/, accessed 30 March 2010).
5. *Education for all by 2015. Will we make it? Education for All global monitoring report 2008.* Paris, UNESCO, 2007 (http://unesdoc.unesco.org/images/0015/001548/154820 e.pdf, accessed 5 May 2010).
6. *Children with disabilities*. Paris, UNESCO (undated) (www.unesco.org/en/inclusive-education/childrenwith-disabilities, accessed 5 May 2010).
7. *Millennium development goals*. New York, United Nations (undated) (www.un.org/ millenniumgoals/, accessed 5 May 2010).
8. Jonsson T, Wiman R. Education, poverty and disability in developing countries. In: *Poverty reduction sourcebook*. Washington, DC, World Bank, 2001.
9. *Guidelines for inclusion: ensuring access to Education for All*. Paris, UNESCO, 2005 (http://unesdoc.unesco.org/images/0014/001402/140224e.pdf, accessed 5 May 2010).
10. Paez E. Child soldiers in Colombia. *Enabling Education Newsletter*, No. 7, 2003 (www.eenet.org.uk/resources/eenet_newsletter/news7/index.php, accessed5 May2010).
11. *The Convention in brief, Article 24*. New York, United Nations Enable (undated) (www.un.org/disabilities/default.asp?id=162, accessed 5 May 2010).
12. *Education for All by 2015*. Paris, UNESCO (undated) (http://portal.unesco.org/education/en/ ev.php-URL_ID=42579&URL_DO=DO_TOPIC&URL_SECTION=201 .html, accessed 5 May 2010).
13. *Education for All global monitoring report. Strong foundations: early childhood care and education*. Paris, UNESCO, 2007 (http://unesdoc.unesco.org/images/0014/001477/147794e .pdf, accessed 5 May 2010).
14. Arnold C et al. 2000. *Bringing up children in a changing world: Who's right? Whose rights*? Kathmandu, UNICEF/Save the Children, 2000.
15. Watanabe K et al. Early childhood development interventions and cognitive development of youngchildren in rural Vietnam. *Journal of Nutrition*, 2005,135 (8): 1918–25.
16. Werner D. *Disabled village children: a guide for community health workers, rehabilitation workers, and families*, 2nd ed. Berkeley, CA, Hesperian Foundation, 1988. (www.hesperian. org/ publications_download_DVC.php, accessed 5 May 2010).
17. *Training in the community for people with disabilities*. Geneva, World Health Organization, 1989 (www.who.int/disabilities/publications/cbr/training/en/index.html, accessed5 May 2010).
18. *Let's communicate, a handbook for people working with children with communication difficulties*. Geneva, World Health Organization, 1997 (www.who.int/disabilities/publications/ care/en/index.html, accessed 5 May 2010).
19. National Portage Association (www.portage.org.uk/, accessed 5 May 2010).

20. *Achieve universal primary education*. New York, World Bank (undated) (http://ddp-ext.worldbank.org/ext/GMIS/gdmis.do?siteId=2&goalId=6&menuId=LNAV01GOAL2, accessed 5 May 2010).
21. Steinfeld E. Education for all: the cost of accessibility. In: Education notes. Washington, DC, WorldBank Education Advisory Service, 2005 (http://siteresources.worldbank.org/ EDUCATION/Resources/Education-Notes/EdNotes_CostOfAccess_2.pdf, accessed 5 May 2010).
22. Miles S. *Overcoming resource barriers* (Paper presented at the International Special Education Congress (ISEC), Manchester, 24–28 July 2000) (www.isec2000.org.uk/abstracts/ papers_m/miles_1.htm, accessed 5 May 2010).23. Enabling *Education Network*. Newsletter No. 9, 2005 (www.eenet.org.uk/resources/docs/EENET%20 newsletter%209%20FINAL.pdf, accessed 5 May 2010).
23. Enabling Education Network. *Newsletter No*. 10, 2006 (www.eenet.org.uk/resources/ eenet_newsletter/news10/index.php, accessed 5 May 2010).
24. Stubbs S. Lessons from the South: pioneers of the future (Paper presented at the International SpecialEducation Congress, Birmingham, 1995).
25. Miles S. Overcoming resource barriers: the challenge of implementing inclusive education in rural areas.Enabling Education Network, 2006 (www.eenet.org.uk/resources/docs/bonn_1.ph, accessed 5 May 2010).
26. Stubbs S. Inclusive education: where there are few resources. Oslo, Norway, Atlas Alliance, 2002.
27. Enabling Education Network. Newsletter No. 7, 2003 (www.eenet.org.uk/resources/ eenet_newsletter/news7/index.php, accessed 5 May 2010).
28. Magrab P. Towards inclusive practices in secondary education. Paris, UNESCO, 2003 (http://unesdoc.unesco.org/images/0013/001322/132278e.pdf, accessed 5 May 2010).
29. Lederman D. College and the disabled student. Inside Higher Ed, 2005 (www.insidehighered .com/ news/ 2005/07/29/disabled, accessed 5 May 2010).
30. Government of Nepal. Non-formal education policy. Kathmandu, Ministry of Education and SportsNon-formal Education Center (NFEC), 2007 (www.doe.gov.np/download/ download_722241686.pdf, accessed 5 May 2010).
31. 32. Lifelong learning in the twenty-first century: the changing roles of education personnel. Geneva, International Labour Office, 2000 (www.ilo.org/public/english/ dialogue/ sector/ techmeet/jmep2000/jmepr1.htm, accessed 5 May 2010).
32. National Institute of Open Schooling, India. Frequently asked questions (www.nios.ac.in/FAQ .htm, accessed 5 May 2010).

مطالب برای مطالعه بیشتر

Access fir all: how to make participatory pricesses accessible to everyone. London, Save the Chikdren UK, 2000 (http://www.savethechildren.org.uk/en/54_5093.hrm, accessed 10 May 2010).
Arab Resource Collective (www.mawared.org, accessed 10 May 2010).
Australian Government, Department of Education, Emplyment and Workplace Relations (www.dest.Gov.au/sectors/higher_education/publications_resources/eip/disability_service_ provision/ default.htm, accessed 10 May 2010).
Booth T.A perspective on inclusion from England. *Cambridege Journal of Education*, 1996, 2(1):87-99.

Changing teaching practices: using curriculum differentiation to respond to student diversity. Paris, UNESCO, 2004 (http://unedsoc.unesco.org/images/001365/136583e.pdf, accessed 10 May 2010).
Child to Child (www.child-to-child.org/, accessed 10 May 2010).
Community Networks fpr Developig Countries (http://diac.cpsr.org/cgi-bin/diaco2/pattern.cgi/public? mode=public&pattern_id =12, accessed 10 May 2010).
Enabling Education network (EENET) (www.eenet.org.uk, accessed 10 May 2010).
Eurpean Association on Early Childhood Interventiion (www.eurlyaid.net/, accessed 10 May 2010).
Finding out about people's disabilities: a good practice guide for further and higher education institutions. London, United Kingdom Department of Education and Science (undated) (http://www.lifelonglearning. Co.uk/findingout/finding.pdf, accessed 10 May 2010).
Foundation for People with Learning Disabilities (http://www.learningdisabiliies.org.ul/, accessed 10 May 2010).
Giffard-Lindsay k. *Inclusive education in India: interpretation, and issues*. Brighton, Consortium for Research on Educational Access, Transitions and Equity (CREATE), 2006 (http://www.createrpc .org/pdf_documents/PTA15.pdf, accessed 10 May 2010).
Handbook for literacy and non –formal education facilitators in Africa. Paris, UNESCO, 2006 (http://unesdoc.unesco.org/inages/0014/001446/144656e. pdf, accessed 10 May 2010).
Higher educations (www.lifelonglearning. Co.uk/findingout/index.htm, accessed 10 May 2010).
How Kids Develop-resources on child development (www.howkidsdevelp.con/index.html, accessed 10 May 2010).
Infornal Education (IFED)(www.infed.ord/lifelonglearning/b-life.htn, accessed 10 May 2010).
International Information Support Centre (SOURCE) (ww.aslsource.info/index.htm, accessed 10 May 2010).
Kaplan I, Lewis I, Mumba P. *Students' perspectives and health and safety in schools: using photography to addressissues of health and safety in Indonesian, UK and Zambian schools*. Manchester, Enabling Education Network (EENET), 2006 (http://www0eenet.org.uk/resources/docs/health_safety_schools.pdf, accessed 10 May 2010).
Kielland A, Rosati F. *Broadening the approach to education for all: including working and other hard-to-reach children*. Oslo, FAFO, 2008 (www.fafo.no/pub/rapp/20090/20090.pdf, accessed 10 May 2010).
Lindeman E. The meaning of adul education. New York, New Republic, 1926.
Making a difference: training materials to promote diversity and tackle discrimination. London, Sav the Children UK, 2005.
Making schools inclusive: how change can happen. Londin, Save the Children UK, 2008 (www.savethechildren.org.uk/en/docs/making-schools-inclusive.pdf, accessed 10 May 2010).
Peters SJ. *Inclusive education: AnEFA strategy for all children*. Washington, DC, World Bank, 2004 (http://siteresources.worldbank.org/EDUCATION/Resources/278200-1099079877269/547664 -1099079993288/ InclusiveEdu_efa_strategy_for_children.pdf, accessed 10 May 2010).
Providing work placements for disabled students: A good pravtice guide for further and higher education institutions. London, United Kingdom Department of Education and Science (undated) (www.lifelonglearning.co.uk/placements/placeme1 .pdf, accessed 10 May 2010).
Researching our experience: A collection of writings by teachers from Zambia. Manchester, Enabling Education Network (EENET), 2003 (www.eenet.org.uk/resources/docs/rsrching _experience.pdf, www.mawared.org, accessed 10 May 2010).
Schools for all: including disabled children in in education. London, Save the Children UK, 2002 (www.savethechildren.org.uk/en/docs/schools_for_all.pdf, accessed 10 May 2010).

Soboh N.*Pronoting inclusive education through child-to-child activities*. Manchester, Enabling Education Network (EENET), 1997 (www.eenet.org.uk/resources/docs/promte.php, accessed 10 May 2010).
Understanding and responding to children's needs in inclusive classrooms: A guide for teachers. Paris, UNESCO, 2001 (http://unesdoc.unesco.org/images/0012/001243/124394e.pdf, accessed 10 May 2010).
White paper. Special needs education: building an inclusive education and training system (Section 1.4.4).
Pretoria, South African Ministry of Education, 2001 (www.polity.org.za/polity/govdocs/ white _papers/cover.pdf, accessed 10 May 2010).
World Declaration n Education for All. Paris, UNESCO, 1990. (www.unesco.org/education/ pdf/JOMTIE_E.PDF, accessed 10 May 2010).
World review of distance education and open learning. Vancouver, Commonwealt of Learning (annual review with case-studies fron a wide range of contries) (www.col.org/resources/ publications/monographs/worldReview/Pages/default.aspx/volune6.htm, accessed 10 May 2010).

یادداشت